اختلافات ذریعه‌ا علامیه‌های غیررسمی ازطرف اتحادشوروی و کشور متنازع فیه‌کمونستی نیزتائیدمیگردید. چنانچه‌خروسچف در ضمن ملاقات با سناتورهوبرت همفری دردسمبر ۱۹۵۸ ازین چنین‌اختلافات بین سیستمهای کمونستی بازگوکرده‌بودوبدنبال آن موجودیت‌این نفاق وانشعاب ذریعهٔ کمونستهای اروپای شرقی، البته بصورت غیررسمی دردیدارهای خصوصی با رجال دولتهای غیرکمونستی صحه گذاشته‌می شد.

غربیها افتراق وشقاق ممالک کمونستی راکمال آرزومندی خودمی پنداشتندوامیدوار بودندکه‌درروشنائی این نفاق ،میزان مبادلات بازرگانی شانرا باکشورهای کمونستی، افزایش خواهند داد.

محل شگفت نیست که مدارک رسمی منابع کمونستی، باآنچه‌که تاکنون نفاق واختلاف تعبیرشده‌است ، تضادداشته‌چونکه در خفا همکاریهای متقابله‌شان، همچنان ادامه‌داشته‌ومانند سابق در پیشبردپالیسی طویل المدت ازهماهنگی کامل برخوردارنبوده‌اند تاآنکه‌بالاخره‌این چنین تضاد گوئی، شک وتردیدغربیها را بار آوردامادیرشده‌بود. دیربدین جهت که‌دانش غربیها درتحلیل نشر اطلاعات دروغ کمونستها وتخنیک وانگیزه‌آن‌محدودبودودر نتیجه توجه‌واهتمام ممالک غربی به‌اصل جریانات ممالک کمونستی، رو به‌کاهش گذاشت درحالیکه‌درحقیقت ، تمام این مسائل از طرف ممالک کمونستی ازطریق مطبوعات ودستگاه‌استخبارات تهیه و تنظیم شده بود.

غربیها وقتی این خبرها را ، جدی وواقعی انگارند ، دردامی که‌ازطرف کمونستها طرح شده‌است ، گیرمی افتند.

شرایط موجوده‌با یک تفاوت یادآورمرحله‌پ‌ج است .آنوقت

اشتباه غربیها تنها به اتحاد شوروی ارتباط میگرفت وحالا این اشتباه شامل تمام جهان کمونیزم می شد. آنجا که غربیها باید اتحاد و هماهنگی ستراتیژی را درجهان کمونیزم ببینند، بجای آن تنها اختلاف و انشعاب را می بینندودرجائیکه باید رقابتهای ایدئولوژیکی را تشخیص دهندواستقراروا ستحکام رژیمهای کمونستی و کنترول مزیدحزب را برحمایت مردم ملاحظه کنندعقب گرائی ایدئولوژی و گرایش به سیستم دیموکراسی را می بینندودرجائیکه لازم است مانورهای جدیدکمونستی راکشف کنندا عتدال گرائی را درپالیسی کمونستها درمی یابند.

اگرکمونستها ازنظرتکتیکی بمنظورگول زدن غربیها برای امضای قراردادی تمایلی نشان میدهند، ازطرف تحلیلگران غربی به حیث یک واقعیت ومظهرمنافع ملی قدرتهای بزرگ تعبیر و تفسیر میگردد.

دوگرایش مزیددیگراشتباه تحلیلگران غربی را مضاعف می سازد:

نخست این ممالک علاقه دارندازاصول وقوانینیکه درارزیابی مسائل ملی استفاده میکنند، درتحلیل مسائل متعلق بکشورهای کمونستی نیزعین همان اصول وقوانین را استخدام میکنند. دوم اینکه فکتورهای ایدئولوژیکی را درسیستمهای داخلی وروابط آنان با یک دیگرراکمترتخمین میزنندویا این تصمیمات را مبالغه آمیز می پندارند.

تحلیلگران غربی اعم ازینکه دردستگاه حکومت مصروف هستند ویا بیرون ازدستگاه دولت، بیشترنگران شایعاتی درباره مناسبات آینده جهان کمونستی وممالک صنعتی غربی هستندتاارزیابی و شواهدوحقایقی که تحلیل روی آن میتواندا ستوار باشد.

نشنلیزم درسالهای اخیرحیات ستالین وبعدازمرگ وی یک نیروی بزرگ درا حزاب کمونستی محسوب میگردید .اکثرا حزاب زیر تاثیراین نهضت ، متأثرشده است مخصوصا احزاب کمونستی درپولیند مجارستان وجمهوریت جارجیای اتحادشوروی ومهم این حقیقت است که موجودیت نشنلست های ناراضی درحزب درآن آوان مایه عکس العمل ستالین شد . ودرنتیجه ازپرنسیب لیننیزم عدول کرد و فورمول معروف انترنشنلیزم راایجادنمود .

وقتی عملیات ستالین علیه نشنلستهای ناراضی موردنکوهش قرار گرفت وتجدیدنظرمناسب دربین سالهای ۵۶-۱۹۵۷ واردآمد حزب کمونست اتحادشوروی دربرابرسایراحزاب کمونستی روشی در پیش گرفت که دراثرآن سوال نشنلستهای ناراضی درسایراحزاب کمونستی بصورت مترقی تری حل وفصل گردید . ازین لحظه به بعد احساسات نشنلستی دربین این جوامع ، رژیمهای کمونستی رابران داشت که یک عقب گرائی تاکتیکی راانجام دهندولی درعین زمان درصدد افتادندتا په تجزیه طلبی واستقلال خواهی را در جبین شان بزنند

اشتباه بنیادی غربیها رویهمرفته ، اهمال ایشان درمرحله تطبیق پالیسی طویل المدت بلاک ونقش برجسته پخش اطلاعات دروغ وجعلسازی بوده است . تحلیلگران غربی یا اصل نشراطلاعات دروغ رایکسره نادیده گرفتند ، ویا ازمتود (نمای ظاهری وقدرت) استفاده کردند . درحقیقت امرازسال ۱۹۵۸-۱۹۶۰ممالک کمونستی به نشراکاذیب ودروغ بگونه ای پرداختندکه ایجاب می نمود تحلیلگران غربی برای کشف واقعیت آن ازمتودبی ثباتی وتکامل استفاده میکردندولی چون غربیها درتشخیصی صحت وسقم گزارشات به خبرهای منابع کمونستی ازمتوددرست استفاده نکردند ، درعکس العمل وپالیسی غربیها اشتباهات پدیدآمدودرنتیجه به جهان

کمونستی بطور سیستماتیک موقع داده شدتا پالیسی طویل
المدت شانرا درطی بیش ازبیست سال موفقانه پیش ببرند .

۱۲

متودولوژی جدید

برای حل وتفسیرحوادث بزرگ بعدازسال ۱۹۵۸ در جهان کمونیزم دوراه وجودداشت . یکی متودولوژی کهنه ومتروک بود و با این متودولوژی متروک کشف حقائق از انکشافات فی البدیهه جهان کمونیزم طبعاً میخته با اشتباهات بوددرحالیکه متودولوژی جدیدخیلی جنبه افراطی داشت وتشخیص اخبار راست ودروغ (جهان کمونستی) را خیلی دشوار میساخت .

با متودولوژی مصطلح ومعمول،انکشافات جهان کمونستی چنین می نمودکه سیستمهای کمونستی درتلاش پیشبرد اهداف پالیسی کوتاه مدت می باشند .

اما چون سالهای ۱۹۵۷–۱۹۶۰ در روابط بین بلاک کمونستی تجدیدنظرصورت گرفت وپالیسی جدیددرازمدت برای تمام بلاک طرح گردیدلهذا برای فهمیدن اینکه درطی این سالها انکشافاتی دربلاک پدیدآمده ایجاب می نمودکلیدی دراختیار تحلیلگران و مفسرین باشد .

پرنسیپ نخستین واساسی متودولوژی جدیداین است که تحلیل اینهمه حوادث را بایستی ازسالهای ۱۹۵۷–۱۹۶۰ آغازکرد .

فکتورهائیکه درمتودولوژی جدیددرنظرگرفته میشود :

ازخلال ارقامیکه ازین سالها دردست است ، چنین بر می آید که تحلیل باید روی گزارشهای داخلی استوار باشدولی درعین حال هشت فکتوررا میتوان ازلای خبرها تجریدکرد .فقط درصورتیکه فکتورها وارتباط منطقی بین آنها فهمیده شود ، میتوان انکشافات بیست

سال اخیر را بدرستی تحلیل ونتیجه‌گیری کرد .

فکتورها بدین قرار اند :

ـ تجدیدنظردرروابط اعضای بلاک کمونستی ازسال ۱۹۵۷ به بعد وتطبیق پالیسی درازمدت .

ـ حل سوال ستالینیزم .

ـ استقرار زعامت دسته‌جمعی، پایان مبارزه‌برای احراز قدرت و حل پرابلمهای جانشینی .

ـ مراحل واهداف درازمدت پالیسی .

ـ تجارب تاریخی که‌پالیسی روی آن بنا یافته .

ـ اتخاذ تدابیر اصولی بلاک در اراستخدام دستگاه‌حزب ،موسسات وسرویسهای دپلوماسی، جاسوسی وامنیتی تمام بلاک کمونستی به‌منظور رخنه‌گری واعمال نفوذوپیشبردستراتیژی دروغگوئی .

ـ تطبیق سمپل(ضعف وتکامل) دربخش اطلاعات دروغ .

ـ تشویق جدیدستراتیژیستهای کمونستی درطرح جعلی مسائل جنجال برانگیزبین نمایندگان ممالک مختلف کمونستی . با استفاده از این فکتورهای جدید ، میتوان قوانین جدیدتحلیل را بکارانداخت پیش ازینکه‌پالیسی جدید ، فارمول بندی شود ، روابط جدید بین رژیمهای کمونستی درسال ۱۹۵۷ برقرار گردیدکه‌این به ذات خود ، یکی ازشرایط قبلی فورمول بندی پالیسی جدیدشمرده میشد.

قیمومیت اتحادشوروی براقمار اروپای شرقی و استفاده ازشیوه‌ستالینستی به‌منظورتوجیه‌پذیری مداخله‌درامورداخلی سایر ممالک کمونستی به‌عنوان تطبیق پرنسیب های لیننیست که‌برپایه مساوات وپرولتاریای انترنشنلستی استوار است ، مورد تصویب قرارگرفت .

قیمومیت شوروی برممالک کمونستی راه‌را برای همکاریهای

مشترک هموا روزمینه‌را برای تطبیق اهداف وعلایق درازمدت تمام بلاک کمونستی مساعدساخت .

میتودولوژی کهنه‌ومصطلح، نتوانست این دگرگونیها را رد یا بی کندبلکه‌برعکس میدیدکه‌اتحادشوروی درپیشبردا هداف خود ناکام است ونمی تواندبرکشورهای دیگرکمونستی اعمال نفوذکند تا باری موءیداعمال اتحادشوروی باشند .

وقتی این حقیقت برملا شدکه‌هشتادویک حزب کمونست همکاری مشترک خودرا درنوامبر ۱۹۶۰ درطی ابلاغیه‌ای امضاء کردند و اختلافات را براساس آن کنارگذاشتند ، آن وقت بروزاختلافات و مناقشات یک حرکت جعلی وساختگی بود تادرپوشش آن ، اهداف ستراتیژی وتاکتیکی خودرا پیش برده‌بتوانند .

گذشته‌ازان وقتی به‌کشورهای کمونستی اجازه‌داده شد ، به بروزاختلافات بین هم تظاهرکنندبرای احزاب سیاسی کار زیادی ایجادشدوهرکدام نقش خاصی را براساس معیارهای خاص ملی شان وبرحسب توصیه‌لینن به‌عهده‌گرفتند .

لینن باری گفته‌بودکه‌ما براساس تجربه‌ایکه‌آموخته‌ایم به یک ارکسترعظیم ضرورت داریم تایکی ویولین بنوازد ، آن‌دیگری با دبل باس مزاحم خود ، سهم بگیردو چوب کندکتر در اختیار دیگری باشد .

تصمیم سالهای ۶۰-۱۹۵۷ موجب آن شد که اتحاد شوروی ، البانیا ، رومانیا ، چکوسلواکیا و ویتنام وسایراحزاب کمونستی آلات مختلف موسیقی را دردست بگیرندویک سمفونیک را اجرانمایند

کانگرس بلاک کمونستی منعقده‌سال ۱۹۵۷ براساس‌اشتباهات وجنایات ستالین، وبمنظوراشتباهاتیکه‌ازوی سرزده‌بود ،ستراتیژی جدیدی را طرح کرد . عوامل اختلاف بین کمونست ها درموردستالینزم

وگرایش به متودهای ستالین برطرف ساخته شد.

متودولوژی قدیم به این دگرگونیها توجهی محدود مبذول داشت ویا هرگز آنرا بحساب نیاورد وکماکان اختلاف را بین زعمای اتحاد شوروی وسایر کشورها یک اختلاف واقعی پذیرفت.

متودولوژی جدید، ستالینیزم را از سال ۱۹۵۸ یک قضیه مرده میدانست واگر این اختلافات بین زعمای بلاک کمونست تظاهر می شددرواقع یک تصویر غلط از حقایق بود.

از ۱۹۵۸ موضوع زعامت کولکتیفی، بالاتر از توافقی که بین اعضای صدر هیئت رئیسه و پولیت بورو صورت گرفته بود، توسعه یافت وبرای تحقق یافتن اهداف پالیسی همه جناحهای ذی علاقه که میتوانستند سهمی در پیشبرد اهداف داشته باشند، سهم گرفتند واین سهم گیری نه تنها شامل زعمای بلاک بود بلکه برخی از احزاب مهم غیربلاک، افسران عالیرتبه کمیته مرکزی، سرویسهای دیپلوماسی وجاسوسی واعضای اکادیمی علوم، نیز به این صف ملحق شدند.

حل قضیه ستالینیزم همراه با زعامت مشترک ودسته جمعی و سلب قدرت ونفوذ این افراد، جهت گروه گرائی وقدرت طلبی و پرابلم جانشینی در احزاب کمونستی بلاک بصورت موءثر بر طرف گردید.

برحسب متودولوژی جدید ترقی وتنزل افسران، مجازات واحیای مجدد حتی اخبار مرگ ومراسم تدفین چهره های سرشناس کمونستی، که سابقا نقاط جالب برای حل قضایا بکمک فورمول بور کینا و (BORKENAV) شمرده میشد، باید قبل از نشر کنترول میشدو این خود تلاشی بود از طرف کمونستها تا تغییری که در سیاست شان رخ می دهد، به خارج وارونه ومعکوس معرفی گردد.

متودولوژی مروج ومعمول میکوشید انکشافاتیکه در اوضاع وسیاست جهان کمونستی اتفاق افتاده بحیث اهداف کوتاه مدت و

یا رقابت طویل المدت قدرتهای بزرگ موردتحلیل وارزیابی قرار بدهد، مثلا" وقتی تشنج بین المللی روی یک موضوع خاص بالا می گرفت، ممالک کمونستی دپلوماسی تشنج زدائی را استخدام می کردندولی همینکه کمونستها بهدف خاص خودنائل می آمدندازفشار وتعقیب این دپلوماسی می کاستندواگرزعمای کمونستی رسوا و مفتضح میشدندا حیای مجددرا استخدام میکردندواگر نارضائیان ازیت می شدندویا مجبورمی گردیدندوطن را ترک بدهند، حرف از عفووحرف ازبازگشت آنان به میان می آمد. به عبارت ساده تروقتی کمونستها میگویندکه نارضائیان موردعفوقرارگرفته اندویا به بازگشت به وطن دعوت میشوند، درحقیقت نارضائیان درداخل کشور موردآزاروشکنجه قرارگرفته ویا اینکه مجبوربه جلای وطن گشته اند.

متودولوژی جدیدانکشافات تازه را به پالیسی طویل المدت ارتباط داده بعدآنرا موردارزیابی قرارمیدهد.

متودولوژی جدیدبرای کشف حقائق سه مرحله قایل میشود:

مرحله اول: ایجادیک محیط مناسب برای تطبیق پالیسی.

مرحله دوم: بهره برداری ازغلط فهمی واشتباهات غربدر موردپالیسی به منظورپیشبردهدف.

مرحله سوم: که مرحله آخرین ومرحله تعرضی گفته میشودباتغیر بزرگ درتاکتیک کمونستها وجه خاصی پیدا میکند. درچنین مرحله استکه کمونستها درحالیکه غربیها با پالیسی درازمدت اشتباه آمیز شان روان هستند، بسوی هدف نهائی پیش میروند. هدف نهائی آنان یا رویائی که می بینندعبارت ازفیروزی کمونیزم بین المللی است.

درمرحله اول NEP (پالیسی جدیداقتصادی) درپهلوی ریفورم اقتصادی سعی زیادی بعمل آمدتا به اقتصادمرده اتحاد شوروی

جنبش تازه‌ای ببخشد. درمرحله‌دوم شرایط مناسبی تأمین گردید که‌درپرتوآن، رژیم استقرارپیداکردوشناسائی رسمی کشورهای اروپای غربی را بدست‌آوردودرنتیجه‌قدرتهای غربی امتیازات فراوان اقتصادی برایش قایل شدند.

مرحله‌سوم ریفورم مجدداقتصادی درسال ۱۹۲۹ وبراه‌انداختن (سوقیات ایدئولوژیکی) داخلی ازطریق ملی ساختن صنایع و اشتراکی کردن زراعت بودوجهان خارج رانیزازطریق انحلال کمینترن فریب داد.

مدت تطبیق دومرحله‌نخست پالیسی درازمدت بیش از بیست سال دوام کرد. مرحله‌سوم ممکن درسال ۱۹۸۰ آغاز شده باشد. اهداف پالیسی درازمدت را میتوان بطورخلاصه این چنین طبقه بندی کرد:

- استقرارسیاسی واستحکام رژیمهای کمونستی بصورت عموم.
- اصلاح مشکلات اقتصادی بلاک بکمک تجارت بین المللی و جلب کزیدت‌وتکنالوجی ازکشورهای صنعتی وپیشرفته‌غیرکمونستی.
- فراهم آوری زمینه‌برای تاسیس فیدریشن کشورهای کمونستی.
- تجریدایالات متحده‌امریکا ازمتحدین وی وافزایش همکاری با سوسیالستهای غربی وجاپان بمنظورلغوپیمان ناتو و پیمان امنیتی که‌بین ایالات متحده‌امریکا وجاپان عقدگردیده‌وامکانات همکاری بین اتحادشوروی وکشورهای بیطرف غربی وجاپان علیه ایالات متحده‌امریکا.
- اقدامات مشترک بازعمای ملی کشورهای جهان سوم‌برای امحای نفوذغرب ازین ممالک وتشویق شان برای گرایش به‌بلاک کمونستی.
- آمادگی برای یک تغییرجدی درموازنه‌سیاسی ونظامی به نفع

-۲-

نمونه‌هایی از پخش اطلاعات دروغ
بی ثباتی وتکامل

درین مبحث سه تیپ از دروغ پراگنی های ستراتیژیکی رژیم های کمونستی که اولی نمونه از دروغگویی که پالیسی طویل المدت براساس آن تنظیم شده، دومی دورغگویی های دوران بحران رژیم های کمونستی ونمونه سوم دروغگویی های مخصوص دوره انتقال است توضیح میگردد.

نمونه بی ثباتی وتکامل :

نشر اطلاعات دروغ، درخلال دوره تطبیق یک پالیسی طویل المدت را معمولا دوره (بی ثباتی وتکامل) ویا دوره تطبیق ایده الوژی می نامند. مراد ازین دوره منحرف ساختن اذهان عامه جهان از نیرومندی واقعی رژیم کمونستی میباشدولهذا حقایق را بجهان معکوس ووارونه جلوه میدهند.

وقتی میخواهند این نوع پالیسی را دنبال کنند در پخش گزارشهای دروغ بنا توانی وبی ثباتی وانشعاب درکدررهبری و بحران جهان کمونیزم را باز میگویندوتکامل را یک امر مشکل وانمود میکنند.

مراد شان از پخش چنین نشرات این است که ملتهای غیرکمونستی این انشعاب درکامپ کمونستی را باورکنندومعتقدشوندکه مساعی به منظورپیشرفت وتکامل درسیستم های کمونستی به ناکامی انجامیده وجوابگوی ستراتیژی توسعه جویانه آنها نیست وبه این ترتیب جهان آزاد را درشک وتردید می اندازندوبرخوردشان با ممالک کمونستی

جهان کمونستی .

ـ خلع سلاح ایدئولوژیکی غرب بمنظورتأمین زمینه مساعد جهت تطبیق مرحله اخیرپالیسی وجلب توجه شرق وغرب به ترمهای کمونستی

وظیفه متودولوژی جدید اینست تا ملاحظه کند چه انکشافاتی به منظورسهمگیری دررسیدن باهداف هریک ازمراحل پالیسی درجهان کمونستی اتفاق افتاده است .

فیصله نوامبر ۱۹۶۰، به کمونستها اجازه میدهدبرای رسیدن به اهداف شان به هرتاکتیکی که لازم باشددست بزنند ، فرق نمی کند که این تاکتیک گرایش راست داشته باشدیا چپ ، قانونی باشد یا انقلابی مردمی باشدیا ایدئولوژیکی . حقیقت اینست که انشعاب با القوه درا حزاب کمونستی درجهان دیگروجودندارد . اینست که متودولوژیکی جدیدبا استفاده ازپرنسیبهای دست داشته ، حکم می کندکه شایعات مربوط به انشعاب بین احزاب کمونستی، یک انشعاب تاکتیکی است ومراقبت میکندکه این جعلسازی برای پیشبرد پالیسی تا چه پایه مفیداست .

متودولوژی قدیمی به گذشته پ ج ا ومراحل مختلف آن واینکه نشراخبارغلط وجعلی درپیشبردمرام تا چه پایه حائزاهمیت بوده کمترویا اساسا " هیچ علاقه نمی گیرد . لهذا نمیتواندماهیت تطبیق پالیسی درازمدت راکه بیشتربرپایه تجارب تاریخی استوار است ، دریابد .

متودولوژی جدید ، ازپ ج ا می آموزدکه اکثرعناصر آن به ۱۹۶۰ـ ارتباط می گیردوبرای متودولوژی جدیدفوق العاده مفید ثابت شده است . مهمترین عناصرآن بدین قرار است :

ـ استقرار رژیم اتحادشوروی با ایجادیک نهضت قلابی و کنترول شده برمخالفین واستفاده موءثراین نهضت قلابی

دربی اثرساختن مخالفین داخلی وخارجی .

- ایجادشرایط مساعدبرای یک پالیسی فعال خارجی که هدف آن شناسائی دپلوماسی بیشترکشورها وافزایش میزان تجارت با دولتهای غربی باشد .
- استفاده ازمعاهده راپولو، بهاین معنی که اجازه میدهد با یک کشورصنعتی غیرکمونستی، قراردادنظامی و سیاسی عقدگرددتا زمینه انتقال تکنولوجی نظامی میسرگردد .
- تصویرموفقانه اماجعلی جمهوریت شرق دوربه حیث یک جمهوریت آزاد .
- تطبیق توصیه لینن که بهاحزاب کمونست مشورت داده بودتا ازانزوا بیرون شوند ، جبهه متحدتشکیل بدهندونفوذشانرادر پارلمانها واتحادیه های کارگری وسعت بخشند .

تصمیم درجهت استخدام بالقوه دستگاه جاسوسی بلاک کمونستی بمنظورتطبیق ستراتیژی دروغ گوئی که درگزارش سال ۱۹۵۹ شلیپن ذکروتصویب شده این عقیده را باطل ساخت که گویاسر و یس جاسوسی کمونستها درمسائل امنیتی وجاسوسی کمترمشغول ومنهمک اند . درحالیکه حقیقت چنین نیست ومتودولوژی جدید به گزارش شلیپن اهمیت خاصی قایل است ورول مهمی راکه افسران روسی ، اتحادیه های کارگری، دانشمندان، کشیشان، اکادیمیسن ها ، هنرمندان وسایرطبقات روشنفکرازراه نفوذسیاسی شان درپیشبرد پالیسی بازی کرده اندنمی توان نادیده گرفت . متودولوژی جدید میکوشد ، دریابدکه فعالیتها واظهارات رسمی شان تاچه پایه به منافع پالیسی خدمت میکند .

برای ایجادشرایط مناسب جهت تطبیق این پالیسی ستراتژیستهای بلاک ازفورمول ضعف وتکامل که درمرحله پ ج ا با

کمال موفقیت سراسر بلاک توسعه داده شد استفاده بعمل آمد.

متودولوژی جدید حکم میکند تمام گزارشهائیکه از جهان کمونستی ونهضت کمونیزم بین المللی به حزب واصل میگردد، به شمول گزارشهای کمونستهای اروپائی باید با ارتباط این فورمول ارزیابی گردد.

اظهارات سران وما مورین عالیرتبه سیستمهای کمونستی را پیش از ارزیابی میتوان با پنج پرنسیب درمقام داوری قرار داد.

نخست اینکه اگر بین کشورهای کمونستی مسائل جنجالی وجود داشته باشد مفهوم آن نیست که بین شان اتحاد گوارا وموزون موجود خواهد بود. دوم اینکه باید به تاریخ مناسبات این کشورها مراجعه کرد که آیا بین آنها سابقا قضایائی وجود داشته که موجب بروز اختلافات گردد.

سوم اینکه وقتی با کلمات، سخن از نفاق وشقاق میزنند آیا درخفا شواهدی از اقدامات مشترک بین شان وجود ندارد؟. چهارم اینکه آیا بین نشر اختلافات بین سیستمهای کمونستی وآغاز مذاکرات مهم مثلا" مذاکرات سالت ویا ابتکارات کمونستها ویا ملاقات با زعمای قدرتهای غربی یک تقارن زمانی وجود ندارد. پنجم این که بخشی از نشر شایعات دروغ درمورد بروز اختلافات امکان دارد سهم گیری آنان را در تأمین اهداف شان یاری دهد. درین موضوع باید دقت زیاد معطوف گردد که مبادا پخش این شایعات روی همین منظور نباشد.

خلص کلام اینکه اختلافات درسیستمهای کمونستی را محض زاده دروغگوئی وجعلسازی بپذیریم باید نه تنها درنفاق واختلاف موجود روشنی بیندازیم بلکه ایجاب مینماید به پالیسی درازمدت ومنافع ستراتیژی واینکه اینگونه اخبار را بر به اختلافات را بمنظور پیشبرد

اهداف شان پخش کرده اندیا نه نیز توجه لازم مبذول گردد.

متودولوژی جدید و منابع غربیها :

کمونستها درهرشکلی که درگزارشهای شان، پروگرام پخش اطلاعات دروغ وجعلیات را داخل میسازند. اشتباهات متداوم در موردپخش اخبار سالم، منتج به ارزیابی غلط غربیها ودرآخرالامر به اتخاذ پالیسی غلط دربرابر ممالک کمونستی منتهی میگردد. اگر کمونست ها درنظرداشته باشند، به نشراکاذیب وجعلیات بپردازند، درموقع تحلیل وارزیابی اول دیده شودکه این شایعات مفهوم دارد یا خیرودرموقع ارزیابی، گزارشهای راکه بدست می آورند باید شامل همه منابع اعم ازگزارشهای محرمانه واطلاعات خبری باشد. ولی خبراگرازمنابع مخفی باشدوشایعات اخباری نیزممد ومصداق آن وهدف مشترک باشددران صورت ازحقیقت بودن چنین گزارش باید چشم پوشیدزیرا این چنین خبرها ساخته وپرداخته کمیته مرکزی ودیپارتمنت دروغ پراگنی احزاب بلاک ودستگاه جاسوسی آنها میباشد.

اگرگزارشهای منابع خصوصی غرب مویدگزارشهای رسانه های گروهی واخبارسمی سیستمهای کمونستی باشددران وقت میتوان واقعیت گزارش را موردتوجه قرارداد.

دردوره ستالین نشراخبارمحرمانه ناممکن بودولی باتصویب پالیسی درازمدت وپروگرام جعلسازی ودروغگوئی، شرایط تغییر کرد.

دستورات لینن درموردطبقه بندی اسرارواهمیت نشر اخبار موردتجدیدنظرقرارگرفت واصولا" دارای دودرجه اهمیت گردید به این معنی که اسرار ابتدائی کمونستها مربوط میشودبه موجودیت وکیفیت پالیسی طویل المدت ونقش جعلسازی ودروغگوئی در پیش

بردا ین پا لیسی .

ا سرا رنظا می، علمی، تخنیکی، ا قتصا دی وضدجا سوسی ازاهمیت بیشتری برخوردا را ست . ا سرا را ین دستگا ه‌ها وموء سسا ت در وا قع ا مر، ذخیره‌ا ی برا ی نشرمقا صدی میبا شد، کها هدا ف سترا تیژی را دربرمی گیرد. بصورت مثا ل فا ش سا ختن هویت یک جا سوس که‌نسبت به‌پا ره‌عللی خدمتش برا ی سیستم ها ی کمونستی دیگربدردنمیخورد ودروا قع دوره خدمتش‌بپا یا ن رسیده‌ا ست درینجا با یدمتوجه‌بود که فا ش‌کردن هویت ا ینچنین جوا سیس به‌ا ین منظورصورت می پذیردکه ا عتما دغربیها را برا نگیزد .

غربیها به‌ا ین با ورندا زنزدا شخا صیکه‌ا زسرزمینها ی کمونستی فرا روبه‌غرب پنا ه‌میبرندمیتوا نندگزا رشها ی جا لب وفرا وا نی د ر سا حا ت نظا می، ا قتصا دی، علمی وتخنیکی ویا موضوعا ت به‌فعا لیت ها ی ضدجا سوسی بدست آورند . محک بزرگ ا همیت‌آنهابه‌ا ینست که‌ا ین پنا هندگا ن درموردپا لیسی درا زمدت جعل ودروغ کمونست ها چه مقدا رحقا یقی را میتوا نندا را ئه‌دهند . شما رلیدرا ن ، ا فسرا ن و روشنفکرا ن کمونستی که‌درموردوسعت وکیفیت پروگرا م" جعلسا زی ودروغگوئی) ا طلاع دا شته‌با شندخیلی محدودا ست درحا لیکه‌بر عکس شما رآنا نیکه‌دریکی ا زپخشها ی ا ین پروگرا م سهم دا شته‌ا ند خیلی زیا دا ست . ا کثرا طلاعا ت سری که‌ذریعه‌جوا سیس غرب بدست می آ ید ویا پنا هندگا ن بلا ک شرق ، آنچه‌را با خودبه‌غرب ا نتقا ل میدهند، گوشهء ا زین پروگرا م وسیع وگسترده‌جعلسا زی ودروغگوئی ا ست و لهذا معلوما ت آنا ن فقط بریک گوشه‌محدودا ین فعا لیتها روشنی‌می ا ندا زدوبس .

درموقع ا رزیا بی ا طلاعا ت تخنیکی وعلمی که‌به‌غرب می رسد با یدرا پورما ه‌می ۱۹۵۹ شلیپن ومقا لاتیکه‌ا زطرف ستا ف کا ،جی،بی

درچکست (CHEKIST) نشرمیشودنیزباید موردتوجه قرار بگیرد . درین را پورومقالات آمده است که عملیات دروغگوئی وجعلسازی طوری بکار انداخته شودتا غربیها درپروگرامهای علمی،تکنالوژی نظامی شان دچار شک وتردیدگشته ، آنان را از رجحان وبرتری این ساحات باز دارندومبالغ گزاف ووقت شان را بیهوده در ریسرچ و انکشاف صنایع به مصرف برسانند .لهذا بعیدنیست که اطلاعات حاصله به غرب درموردپروژه های کیهانی، سیستم سلاح، احصائیه های نظامی وانکشاف درساینس وتکنالوژی با مقداری دروغگوئی وجعل سازی عجین باشد .

اگرقرار باشدکمونیستها عملیات (دروغگوئی وجعلسازی) را با حدت وشدت تمام پیش ببرندوبه این امرنیزآگاه هستند که غربیها علاقه به ثبت مخابرات شان دارددران وقت است که کمونستها درین مخابرات موضوعات بخصوصی را بزبان ساده وشفرضعیف انجام میدهندو بعدازطرف دیگرعین این مطلب ذریعهٔ مقامات رسمی کمونستها نیزنشرواشاعه می یابدتا غربیها آنرا بپذیرنددرحالیکه هردومرجع ماموربخش اطلاعات دروغ بوده اند .

<u>متودولوژی جدیدومنابع کمونستی:</u>

منابع کمونستی امکان داردبرای پخش جعلیات و دروغ بکار رسیفتد . لهذا بایدتمام این خبرها ذریعه فورمالهایی که واجد ارزش واعتبار است ، موردارزیابی وتائیدقرار بگیرد .معهذاامکان داردبین منابعیکه برای گول زدن غربیها با دروغگوئی وجعلسازی آمیخته شده است ، فرق وامتیازی قایل شدواین احتمال نیز است که نشراین خبرها بمنظوراجرای پالیسی درازمدت آنها باشد .

<u>منابع رسمی کمونستها :</u>

اجتماع بین المللی کمونستها درسالهای ۱۹۵۷ - ۱۹۶۰ و ابلاغیه‌های رسمی وتصمیماتیکه‌درین اجتماع گرفته‌شد از اهمیت زیادی برخوردا راست واین نه‌بدان جهت‌که عصر تشکل و تنظیم پالیسی درازمدت کمونستها است بلکه ازجهت طبیعت پالیسی نیز حائزاهمیت فراوانی است ولی درغرب باشوق وعلاقه به‌آن دیده نشد. چنین فکرمیشودکه‌کمونستها درابلاغیه‌های رسمی وقتی سخن ازپالیسی شان زدندازاهداف طویل المدت پالیسی و طرز اجرای آن کمترنشرات کردنددرحالیکه‌درنشراسناداساسی این سیاست مراعات نگردید. مرادما ازاسناداساسی عبارت ازاسنادکانگرس احزاب کمونستی در۱۹۵۷، بیست ویکمین کانگرس حزب کمونست اتحادشوروی درجنوری - فبروری ۱۹۵۹، کانگرس هشتادویک حزب کمونست درنوامبر ۱۹۶۰ وگزارش ستراتیژی خروسچف در ۶ جنوری ۱۹۶۱ میباشد.

غربیها کانگرس هشتادویک حزب کمونست را یک اجتماع ناکام خواندندوازورای گزارشها به‌این نتیجه‌رسیدندکه‌تصمیم‌این‌اجتماع مظهراختلافات متعددبین احزاب کمونستی است ودرموقع امضای‌آن تبصره‌های ضدونقیض علیه‌آن ایرادگردید در حالیکه حقیقت چنین نیست ونتیجه‌گیری غربیها پرازاشتباه بود زیرااین‌کانگرس چندین هفته‌دوام کرد. البته‌جای تردیدنبودکه‌پیش از تصویب اعلامیه، احزاب مختلف، نظریات مختلف خودرا ابراز داشتند چون هرکدام براساس پرنسیب لینن که‌دیموکراسی سنترالیزم را توصیه‌کرده‌است، حق داشتندا ظهارنظرکنند. اما وقتی میاحثات خاتمه‌یافت وپالیسی ازطرف اکثریت تصویب شد، همه احزاب که زیراین مانیفست امضاء کرده‌بودند، جملگی پیمان بستند که در راه‌تحقق پالیسی هم نهائی شانرا مبذول دارند. هرحزبی که از

تصمیم کانگرس شانه خالی کردوما نیفست را امضاء نکرداز طرف نهضت بین المللی کمونیزم، مردودگردید. هرحزبی که میل داشت موقف خودرا درین نهضت حفظ کند ،وظیفه خودمیدانست مساعی پیگیر و خستگی ناپذیرخودرا دررا ه اجرای تصامیم کانگرس معطوف دارد. اگراحزاب کمونستی بصورت عموم تصامیم اورگان عالی دولت را جدی نگیرندودراجرای آن صرفمساعی نکنندایی احزاب فاقد دسپلین وعاری ازوفاداری به مرامهای کمونستی شناخته خواهند شد. محتویات این تصمیمات را نمی توان نادیده انگاشت خاصتا با توجه به اینکه درطی بیست سال پالیسی درروزنامه ها هرروزه پخش می شودودراعمال درون وبیرون چوکات حزب مشهوداست.

شواهدی موجوداست دال براینکه کانگرس هشتادویک حزبی در حالیکه درتمام مسائل به توافق رسیده بودندروپوشی ازنفاق وعدم یکپارچگی را برخ جهانیان کشیدندوتحلیلگران غربی که ازپروگرام دروغگوئی وجعلسازی بلاک شرق آگهی نداشتند، مرتکب یک اشتباه بنیادی شدندودرنتیجه کارستراتیژیستهای کمونستها را درانکشاف ستراتیجی عمومی شان دراروپا، جهان سوم، درساحات ستراتیژی وایدئولوژیکی سهل وساده ساخت.

اگرقبول کنیم که پروگرام (دروغگوئی وجعلسازی) نخست در کشورهای غیرکمونستی توجیه شده، دران صورت لازم است تفاوت بین بیانیه ها، نشرات وبرادکاستنگ کمونستها راکه نخست برای کمونستها ایراد شده با این بیانیه ها ونشرات مقایسه کنیم و بعید نیست که کتگوری دوم دارای محتویات (جعلسازی وفریبکاری) زیادنسبت به کتگوری اول خواهدبود. واین ناممکن است پالیسی وطریق تطبیق آنرا ازکسانیکه عامل اجرای آن هستند در کتمان نگهداشت. بهمین علت است که تصمیمات ساده که حاوی سالهای ۱۹۵۸

تا ۱۹۶۰ بودبه‌طبع نیزرسیدچنانچه‌درکانگرس احزاب کمونستی که در ۱۹۶۹ دایرشدوپیشرفتی که‌دردهه‌اول طرح وتطبیق پالیسی صورت گرفته‌بودموردتجدیدنظرقرارگرفت ، این امربخوبی مشهود بود چنانچه‌درضمیمه‌انسایکلوپیدیای بزرگ روسی که‌تنها بزبان روسی نشرشده ، پیشرفت درهماهنگی ومفاهمات متقابله‌مخصوصا بین پکت وارسا وکمیکون بشرح وتفصیل هرچه‌بیشترآمده‌است . طبعا دربارهٔ پروگرام دروغگوئی وجعلسازی مهرخموشی برلب زده‌اند . بهرحال مسائل درنشراتیکه‌برای غربیها تهیه‌شده‌مختصروفقط به‌ذکر نکات کم اهمیت بسنده‌شده‌است .

همچنان درانسایکلوپیدیا بازدیدهای متوالی ومتواترزعما وهیئت های کمونستی بین کشورهای یکدیگراین احساس رادر ذهن خواننده‌ایجادمیکندکه‌انگاربین آنان شایداختلافاتی موجوداست برخی اوقات درمطبوعات کمونستی اخبارا ین دیدارها باتصاویری هم بچاپ رسیده‌مثلا" برژنیف یکتن اززعمای کمونستی رادرآغوش میکشد . مبصرین سیاسی غرب ، که‌حواس شان درموردنفاق کمونست ها پریشان است ، خودبخودمعتقدمیشوندکه‌اینچنین دیدارها تلاش مذبوحانه‌زعمای کمونستها برای حل اختلافات شان خواهدبودو اگر عکسی هم چاپ میشودکوششی است برای مخفی نگهداشتن اختلافات درونی این زعما . ولی فراموش میکنندکه‌اجتماعات ۱۹۶۰- ۱۹۷۰- برای این منظورصورت گرفت تا هرگونه‌سوءتفاهمات برطرف گردد و درعوض مساعی شانرا دررا ه‌تطبیق پالیسی طویل المدت به کار بیندازند .

دانشمندان غربی که‌توجه‌جدی شانرا ، به‌گزارشهای محرمانه دایربه‌اختلافات بین احزاب کمونستی بلاک بدست می آوردند به مشکل باورمیکردندکه‌یک ابرقدرت مانند اتحادشوروی با کشور

کوچکی مانند البانیا ویا نظیر آن چگونه میتواند اختلافی داشته باشد.

چون تحلیلگران غربی، پخش اطلاعات دروغ را نمی توانند درست تشخیص دهند لهذا به اعلامیه ها ونطقهای زعمای کمونیستی نیز مخصوصا "درمسائلیکه دسترسی بیش از یک متن موجود باشد، بازهم دلچسپی بقدرکافی نشان میدهند.

چون اختلافات جهان کمونیستی، درنشرات رسمی کمونیست ها انعکاس میکندولی آنچه برای غرب میرسددرک آن برای اعضای حزب درمملکت موردنظرکمونیستی واروپای غربی مختلف ومتفاوت است.

رهبران سیستمهای کمونیستی درموقفی قراردارندکه میتوانند با استعمال اصطلاحات مختلف که دربالا از آن نام بردم ، عین یک موضوع را درعین وقت به دوصورت ارائه دهندبه این معنی که برای غربیها موجودیت اختلاف را بصورت صریح بازمیگویندرحالیکه برای مردم خودبا ذکریک کلمه (یک اختلاف کوچک) اکتفا میکنندکه این خوددراستحکام موقف رهبران به نفع آنان منتج میگردد.

خوب است که درین موردمثالی تقدیم کنیم .تاجائیکه نگارنده اطلاع دارد ، پیش از انعقاد بیست ویکمین کانگره حزب کمونست اتحادشوروی، هیچ یک از اعضای حزب از اختلافات بین اتحاد شوروی والبانیا اطلاعی نداشتندواین اختلاف وقتی برملا شدکه خروسچف درمحضرعام علیه البانیا به تعرض پرداخت . ونگارنده هم ازخلال هدایت نامه یکه ذریعه دوا فسرعالیرتبه کا ،جی،بی، درسال ۱۹۵۹ صادرشده بودوحاکی ازپلان جعلسازی ودروغگوئی درموردروابط اتحاد شوروی والبانیا برای سالهای ۵۹-۱۹۵۸ بودازین موضوع به صورت استثنائی آگهی یافت .

درروشنائی یک محاسبه غلط پیش میروند. نقش عمومی پخش اطلاعات دروغ در (بی ثباتی وتکامل) این است که خصلت واقعی، مقاصد، تکتیک وتخنیکهای پالیسی کمونستها مخفی بماندودیگران بغلط رهنمون شوند. لهذا به منظور اینکه از زین روش بهره برداری بهتری نمایند، نیروی واقعی وتجاوزکارانه کمونیزم درپرده اخفا گذاشته می شود.

اطلاعات دقیق وواقعی، که مورد استفاده رژیمهای کمونستی قرار داده میشود، پنهان نگهداری میشودوبرعکس گزارشهای دروغ به نشر میرسدویا ذریعهٔ عمال خوددرزبانها می اندازند و یا در جراید ممالک غیرکمونستی زمینه چنین شایعات غلط را به عنوان (اخبار دست اول وواقعی) فراهم میگردانند.

برخلاف نظامهای دیموکراسی که درمقابل مردم خود، جوابده هستند، رژیمهای کمونستی، با پخش چنین گزارشهای دروغ، هراسی بدل راه نمی دهندزیرا می فهمندکه حقیقت برمنوال دیگراست. گذشته ازان انتخابات آزاددرمیان نیست که نا توانی و عقب افتادگی رژیم موجب شکست درانتخابات گردد. چون خود کاندید وخودانتخاب میشوند، هیچ هراسی ازین ناحیه بدل راه نمیدهند.

به منظور اینکه سودوبهره برداری موقتی نمایندو طرف را گوش به آوازوبیدارنگردانند، رژیمهای کمونستی، سعی به خرج می دهندکه نیرومندی وپلانهای تجاوزکارانه شان یا مخفی نگهداشته شودیا اینکه کمترازمیزان واقعی به نشربرسد.

گزارشهای واقعی وحقایق مثبته درژیمهای کمونستی، آن اطلاعات غلطی است که برای فریب دادن افراد عامه به نشر رسیده است ویا احتمال دارد اصلا" بعضی حقایق راکاملا" پنهان نگهدارند وازنشرآن خودداری نمایندوا ماگزارشهای غیرمطلوب همان های

بسا اتفاق افتاده که مطبوعات کمونستها درباره اختلافات جهان کمونستی مطالبی بچاپ سپرده اندکه ذریعه رهبران ومامورین عالیرتبه شوروی به دوستان غربی وهم سگالان خود، درصحبت ها و ملاقاتهای دوستانه بازگفته اند. ولی باید بخاطر داشت که کا ،جی، بی، وسایر سرویسهای امنیتی کمونستی به اتفاق هم، برچند هزار نفر از شهریان خویش که رسمی ویا غیررسمی با خارجیها، در تماس استند، کنترول شدیدداارند.

رژیمهای کمونستی تحمل ندارندکه اطلاعات دولتی را ذریعه نوکران خودبه اطلاع خارجیان برسانند. خودخروسچف برسبیل شوخی گفته بودکه موضوع اختلافات بین احزاب کمونست را درسال ۱۹۵۸ به ستالوزرا برت همفری، شخصیکه بیست سال تمام علیه کمونیزم مبارزه میکرد، بدین سبب فاش ساخت تا مقداری او را بخنداند ولی دانشمندان وناظران غربی درگرواین عقیده اند که ازین چنین (فاش سازیها) استفاده کرده اند.

برژینسکی سیاستمدار بنام امریکائی درمقدمه کتاب خویش بنام (بلاک شوروی ـ اتحادو اختلاف) نوشته است: من ازمامورین عالیرتبه کشورهای مختلف کمونستی سپاسگزارم که بنابرمیل خود شان روی مسائلی بحث وگفتگوکرده اندکه نبایدبا من در میان میگذاشتند.

موءلف دراثرخودنگفته است که چرا مامورین عالیرتبه کمونستی حاضرمیشوندبا کمال میل به یک دانشمندعالیرتبه ضدکمونست ویک تبعه یک ابرقدرت صنعتی حقایقی بازگویند. نویسنده دراین اثرخود، ازپلانهای دروغگوئی وجعلسازی سیستمهای کمونستی

حرفی به میان نیاورده است . اما اگر موجودیت پروگرام جعلسازی ودروغگوئی بعلاوه کنترول پولیس برتماس خارجی ها درنظر گرفته شوددران صورت توضیحات این سیاستمدار امریکائی خیلی جالب است .

تقریبا تمام مبصرین غربی درمورد (بهارپراگ)سال ۱۹۶۸ و ایوروکمونیزم (Eurocommunism) درسال ۱۹۷۰ به آنچه کمونستهای سرشناس درخلال بحث ومذاکره درین موردگفته اند باور میکنندولی با درنظرداشت پس منظرمتودهای (تحریک آمیز)"۱" که دردورهٔ NEP معمول بودواستخدام دانشمندان ، نویسندگان و سایرروشنفکران ازطریق کا ،جی،بی، بمنظوربهره برداری سیاسی ازسال ۱۹۵۹ به اینطرف ، موثق بودن محتویات روزنامه های زیر زمینی که بنام سمیزدات (Samizdat) شهرت داردواز سال ۱۹۶۰ مخفیانه دراتحادشوروی توزیع میگرددبه نظر شک و تردید نگریسته شود . گذشته ازان تا توزیع این روزنامه های زیرزمینی درداخل اتحادشوروی گسترش پیدا نکندنمیتوان محتویات آن را پایه ارزیابی وداوری قرارداد .این دلیل هم نمیتوانند قناعت بخش باشدکه چون این اوراق زیرزمینی درخارج ازاتحاد شوروی خوانندگان زیاددارد ، حتما "درداخل اتحادشوروی نیزاین فرضیه

۱ــ متودهای تحریک آمیز ، روشهائی را میگویندکه ستالین در دوره تصفیه ذریعهٔ کا ،جی،بی، بکار می بردبه این معنی که با زندانیان سیاسی عده ای ازجاسوسان کا ،جی،بی، نیززندانی می شدندوآنان درخلال صحبت با محبوسین سیاسی ازدولت بدگوئی وآنها را تحریک میکردندکه احتیاط را ازدست بدهندو بر ضد حکومت حرف هائی بزنندکه بعدا " گزارش این محرکین، معیارجزای محبوسین را تثبیت میکرد . (مترجم)

صدمیکند . حقیقت این است که‌در اتحادشوروی، این اوراق کمتر دیده‌شده است مگر اینکه‌اوراقی بدین عنوان ذریعه‌کا ،جی،بی نشر وتوزیع میگردد .

لهذا وقتیکه معلوم نشوداین اوراق دست نویس ذریعه چه کسانی تهیه میگرددو دستگاه رهبری حزبی درین موردبعنوان اعضای حزب چه‌دستوراتی صادرکرده . نمیتوان به‌ثقه بودن آن اعتماد کرد

مختصرکلام اینکه‌این اوراق میتوانددرکشورهای منابع غیر رسمی کمونستها پذیرفته‌شود .

بقیه‌منابع کمونستی عبارت ازلیک شدن خبرها ویا فاش شدن آن بطورمستندویا نوع دیگردربا ره‌جلسات مخفی وکنفرانسهای بین المللی احزاب کمونستی میباشد .

یک گزارش واضح وروشن درموردا ختلافات زعمای حزب کمونست درکانگره‌حزب کمونست رومانیا منعقده‌جون ۱۹۶۰ودرکانگره‌هشتاد ویک حزب کمونست درپایان همین سال برملا شدولی این اختلافات عطف به‌جریانات گذشته‌بود . محافل غربی نیزخیلی دیر از این جریانات آگاه‌شدند . این خودیک فکتورجالب ازموجودیت پروگرام دروغگوئی وجعلسازی به شما رمیرود .

البته‌دشوار است که‌گفته‌شودتمام کنفرانسها برای پیشبرد و طرح دروغگوئی وجعلسازی تنظیم شده‌باشدبلکه یک عملیه‌کوچک ومحدودی بودکه‌باید بعدا زکنفرانس از ان دروغهای خلق کنند و ازطریق مناسب ومعقول آنرا به‌غرب انتقال بدهند .

متودولوژی جدید، بربسیاری ازمواردروغگوئی وجعلسازی جهان کمونستی روشنی می اندازدرحالیکه متودولوژی سابقه واجد این مزایا نبود. متودولوژی جدید، محرمیات جهان کمونستی را آشکارمیسازدووفاداری وتلقین پذیری اکثریت افسران آنرا باز میگوید. این متودولوژی علت فاش ساختن گزارشهای جهان کمونست را دربارهخودشان وارتباط آنرا باپالیسی درازمدت توضیح میدهد با استفاده ازین روش جدیدمیتوان شکیبائی وتحمل نظامهای مطلقه را دربرابرانتقادات سرگشادهنارضائیان کشورش درتماسباخارجی ها تثبیت وتعیین نمود. این متودزمینهرافراهم میسازدتاواقعیت منابع راارزیابی واخباررا ستازغلطوپروپاگندتشخیص گردد. این متودنقاطی راکهدرکشف هویت مخبرین کمونستها کهبرای رخنه گری وجاسوسی بهغرب فرستادهشدهاندکمک میکنند، دراختیار شما می گذارند. این متودعامل وتهیهکنندهپروگرام جعلسازی و دروغگوئی راکشف می نماید. این متودشما رابهمنابع نسبتا مهم وغیرمهم کمونستها رهنمائی میکند. این متودتوجهشما راازتناقض گوئی بین احزاب کمونستی بازداشتهوبجای آن نظرشما رابهمکاری متقابلهوهماهنگ ساختن فعالیتهای شان، معطوف میگرداند و طریقی رابهشما نشان میدهدکهغربیها چرادرارزیابی شان نسبت بهمسائل وانکشافات جهان کمونیزم بابحران وغیرواقع بینی مواجههستند. وشایددرامرموءثرساختن سرویسهای امنیتی وجاسوسی غرب کمکهای لازم بعمل آرد. این متودعلت فیروزی کمونستها را درجنگ ویتنام بازمیگوید.

گذشتهازهمهاراده وموءفقیت جهان کمونستی راعلی الرغم

اختلافات ظاهری شان، درابتکارات شان برای توسعه ستراتی
آنها دربرابر ایالات متحده امریکا ، سایرکشورهای پیشرفته ص
وجهان سوم بمنظورفیروزی نهائی کمونیزم بین المللی ، تو
میدهد .

گذشته ازان، متودولوژی جدید ، هنوزجدیداست .تنهاگذ
زمان اجازه خواهدداد که آیا بقای خودرا حفظ خواهدکردوموجب
طرح جدیدبرای ریسرچ خواهدگردیدوجای متودولوژی کهنه ومن
را خواهدگرفت وآیا به غرب این توانائی را خواهدبخشیدکه غرب
یک دیدجدیدمفهوم وابعادپرابلم های کمونستها را بنگرد .
(پایان جلد

وفا منتشر کرده است

۱ـ دختر ورونژ ـ لیکوال : جارج ارول
ژباړن : پروفیسر رسول (امین)
۲ـ روسهای عظمت طلب وتیوری نشنلزم نوین
مؤلف : پروفیسر تیواری
مترجم : شفق (ستانیزی)
۳ـ دروس فاسده تولنه
لیکوال : کانستنتین میخائیل سیمس
ژباړن : محمدآصف (اکرام) په‌دری جلده‌کی
۴ـ دکی،جی،بی دننه (په‌دوه جلده‌کی)
لیکوال : الکسی مایکوف
ژباړن : اخترمحمد
۵ـ کمپهای مرگ کولیما
اثر: رابرت کانکویست
مترجم : ر، ع (ممتاز)

Series No. 9

ARIC
B
14.493
GOL
279

NEW LIES FOR OLD

The Communist Strategy of Deception and Disinformation

By an ex - KGB Officer

ANATOLIY GOLITSYN

Translated into Dari

by

Sayed Faqir Alawi

Part One

Copies: 2000

Published by

Writers Union of Free Afghanistan

WUFA

است که بدست نشر سپرده میشود و یا قصدا بصورت شایعه پخش میگردد .

در دوره تطبیق پالیسی ناتوانی واقعی وجعلی درسیستم ظاهر میشود ، تعدیل پالیسی وحل اشتباه به حیث اشتباه تلقی میگردد و اجازه داده نمیشود که از عنصر (دوگما) نیز استفاده به عمل آید .

سیمای عام ومشترک رژیمهای کمونستی وسیمای عام بین سیستمهای دیموکراسی وکمونستی مبالغه آمیز تعریف میشود .اهداف ومقاصد طویل المدت وعملیات متشکل وتنظیم شده از انظار پنهان نگهداشته میشود . اما سیمای برجسته این شکل تبلیغات ،دوستگی احزاب ، وبحران درجهان کمونستی وامثال آن است .

عملیات پخش اخبار غلط ودروغ بصورت فوق العاده ، رول اساسی درپیشبرد اهداف رژیم های کمونستی بازی میکندوپروپاگند درین عملیات نقش معاون وحمایت گرو را بدوش دارد .

سابقه

لینن درسال ۱۹۲۰ ازروش (بی ثباتی وتکامل) با کمال موفقیت استفاده کرد . درسال ۱۹۲۰ روسیه شوروی تقریبا درپرتگاه سقوط قرار گرفته بود . مردم روسیه از سیاست خشن (جنگ کمونیزم) نزدیک بود سر به شورش بزنند . پالیسی ترور غیر موثر ثابت گردید. درسایبریا ودرامتداد رودخانه والگا دهقانان قیام کرده بودند . نهضتهای ناسیونالستی در اوکراین، جورجیا ، ارمنستان وآسیای مرکزی علنا" تجزیه خود را اعلان کردند که ضربه بزرگی به وحدت ملی بشمار می رفت .

دریانوردان پایگاه بحری شهر کرون شتاب قیام کرده بودند . در خارج از مملکت بعد از شکست درجرمنی، پولیند ومجارستان مفکوره انقلاب جهانی روبه ضعف گذاشت . قدرتهای مهم اروپائی ،با وصف آنکه هنوز متحد نشده بودند با زهم مستقلانه با کمونیزم و تاسیس یک

کشورکمونستی طریق خصومت را از پیش گرفتند. یک نهضت عظیم مهاجران روسی که درسراسر اروپا پراگنده بودند، تشکل و در صدد برآمدند رژیم مسکورا ساقط گردانند وبالاخره روسیه شوروی در یک انزوای مطلق سیاسی واقتصادی قرارداشت.

درقبال چنین شرایط، که توازن قوای روسیه شوروی درمقابل غرب فوق العاده غیرمساعد بود، لینن یک پالیسی طویل المدتی را بنیان گذاشت که هشت سال دوام کرد و موفقیتهای چشمگیری ازین پالیسی بدست آمد.

این پالیسی که بصورت سنجیده طرح شده بود وهدف آن انحراف ذهنی بود بنام NEP پالیسی جدیداقتصادی شهرت یافت. این پالیسی درواقع بیشتردرمسایل اقتصادی منهمک بودولی بعداً" محدود به پیشبردپرنسیپ های سیاسی، اهداف وتکتیک های ایده الوژیکی رژیم درداخل وخارج کشوروتقویه ستراتیجی نهضت کمونیزم جهانی گردید.

درداخل ترم NEP، زمامداران روسیه شوروی موفق شدند تجزیه طلبی ها را ازبین ببرندوبجای آن فیدریشن جمهوریتهای ملی را تاسیس کنندکه عبارت ازاتحادجماهیراشتراکیه شوروی است. کدررهبری پلانهای طویل المدت اقتصادی ملی را اساس گذاشتند، اینها بودکه سیستم نیروی برق را طرح وتعمیرکردندبطوریکه سراسر مملکت را احتوا نمایدوهمین ها بودندکه موفق شدندبیلانس قدرت جهانی را به نفع خودتغییربدهند.

برای جهانیان، به مفهوم وسیعتر NEP مایه آن شد که صاحبان صنایع غرب علاقمندی خودرا درصنایع شوروی نشان دهند و از آنان دعوت شدکه با روسیه شوروی باب معامله وتجارت را بکشایند و درنتیجه موسسات صنعتی شوروی ازسرتشکیل وتنظیم شد و اعتماد

متقابل را بوجود آورد که در اثر آن موءسسات صنعتی شوروی برپایه مفاد به‌فعالیت آغاز کردند. شرکتهای کوچک دورکوپراتیفها جمع شدندوبا ردیگرپول به‌جریان افتادوتجارت شخصی یک عمل مجاز شناخته‌شد، قیودبرمسافرت تخفیف یافت ومهاجرین تشویق شدند به‌شوروی تحت استفاده‌ازفرمان عفوعمومی برگردندوبرای برخی‌از شهروندان روسی اجازه‌مسافرت به‌خارج داده‌شدودیپلوماسی شوروی مظهرعلاقمندی همزیستی مسالمت‌آمیزبا غرب معرفی گردید.

زعمای روسیه‌شوروی ازNEP انتظاراتی متفاوت داشتند. آنها تصمیم گرفتند، که NEP تنها ضامن انکشاف اقتصاد کشور نباشدبلکه‌ازین اصطلاح بایددرجلوگیری ازشورش داخلی، توسعه تجارت وجلب سرمایه‌های خارجی، استفاده‌ازتجارب شان وشناسایی رسمی شوروی ازطرف ممالک غیرکمونستی، جلوگیری ازدرگیریهای بزرگ با قدرتهای غربی، بهره‌برداری ازمذاکرات با سرمایه‌داران غربی، خنثی ساختن نهضت مهاجرین روسی وبالاخره‌تشویق انقلاب جهانی ذریعهٔ نهضتهای کمونستی استفاده کنند.

لینن معتقدبودکه‌این تعرض بنیادی وپالیسی ایده‌الوژیکی درصورتیکه‌با نشراکاذیب ودروغ همراه‌باشد، میتواندموفق ثابت گردد. کرکترپخش اطلاعات دروغ یک افزارمناسب درایده الوژی کمونستی، مانع تشددوخشونت درمتودهای کمونستی واستقرارنظام سرمایداری دراتحادشوروی، پیش‌آمدمناسب درروابط دپلوماسی وبازرگانی با غرب وتظاهربه‌طرفداری از خلع سلاح و همزیستی مسالمت‌آمیز، خواهدبود. همه اینها بدین نیت.بودکه‌این عقیده را درجهان خارج تقویت نمایدکه‌سیستم کمونستی سست وضعیف است وشوروشوق انقلابی خودرا ازدست داده‌است.

سرویس امنیت شوروی با سازوبرگ جدیدتشکیل گردیدکه‌بنام

گی پا ا ویا دمیشودوروش جدیدسیا سی را ا زپیش گرفت . به‌ا وهدا یت دا ده‌شدکه‌عملیا ت سیا سی وکا ربردنشرا طلاعا ت دروغ را مرا قبت و با لا ببینی نما ید . نهضتها ی جعلی مخا لفین تا سیس‌گردیدومخفیانه ا زطرف گی پا ا ویا پولیس مخفی تحت مرا قبت قرا ردا شتند .
نقشه‌ا ی برا ی ا وریختندتا ا ین نهضت مخفی مورد توجه و علا قه مخا لفین سرشنا س رژیم ا عم دردا خل وخا رج قرا ربگیرد .ا ین‌مردم سا ده‌برا ی رژیم درموا ردمختلف موردا ستفا ده‌قرا ر گرفتند .ا زین ها بحیث یک وسیله‌پخش ا طلاعا ت دروغ ویا وسیله‌تهدیدوبحیث اجنت کا رگرفته‌میشد ، آنا نیکه‌ا زا جرا ی ا ینکا رها سربا زمیزدندبزندا ن می ا فتا دند .

پا لیسی جدیدا قتصا دی درسا ل ۱۹۲۱ بفعا لیت خود آغاز کرد .پولیس مخفی شوروی دردا خل خا ک آنکشور ، یک سا زما ن جعلی ضدحکومت را بنا م ا تحا دسلطنت طلبا ن آسیا ی مرکزی بنیان‌گذاشت ا ین سا زما ن یکی ا زتشکیلات بسیا رمعتبری بودکه‌قبلا"ذریعه‌جنرا ل ها ی سزا ردرما سکوولیننگرا دتا سیس‌گردیده‌بودولی درسا لهای۱۹۲۰ تا ۱۹۱۹ ذریعهٔ خفیه‌پولیس شوروی منحل گردید .ا عضا ی سا بقه‌ا ین سا زما ن که‌درمیا ن ا یشا ن جنرا لها ی عصرسزا رونما یندگا ن ا ریسو کرا تها ی قدیمی که‌حا لابه‌رژیم موجودهٔ شوروی پیوسته‌بودند ،ا سما ا ین نهضت را رهبری میکردند . جا ی تردیدنبود که‌ا ین جنرا لا ن ا ریستوکرا ت به‌رژیم جدیدا تحا دشوروی وفا دا ربودندولهذا علیه دوستا ن قدیمی شا ن درین نهضت زیرزمینی خیا نت میکردند.جنرا ل ها ی عصرسزا رعبا رت بودندا زجنرا ل یوری سکوف ، زا یانچ‌کوفسکی ا تشه‌نظا می دوره‌سزا ردریوگوسلاویا ، جنرا ل پوتا پف ، افسرعا لی رتبه‌ترا نسپورت سزا ربنا م یا کوشیف ، اجنت بسیا ر فعا ل درین گروپ افسرسا بق ا ستخبا را ت درریا ست ا رگا ن روسیه‌سزا ری بود که

نا مهای متعددی دا شت که یکی ا زین نا مها ا وپریوت بود .

نما یندگا ن ا ین نهضت به ا صطلاح زیرزمینی، به مسا فرتها ی خا رج ا زکشور می پردا ختند و با شخصیتها ی متنفذ مها جرین ضدکمونستی به عنوا ن ا ینکه عملیا ت شا نرا علیه ا تحا دشوروی هما هنگی بخشند تما سهای محرما نه ای برقرا رمیکردند . درزمره مها جرین بنا م و معروف روسی که با وی تما س صورت گرفت میتوا ن نامهای سا وینکوف وجنرا ل ورا نگل وکوتی پوف را برشمرد .

ا ین ا جنتهای دستگا ه پولیس مخفی وقتی سرشنا سا ن مها جر روس را درخا رج ا زکشور ملاقا ت میکردند با آنها ا طمینا ن میدا دند که نهضت سلطنت طلب ضدا تحا دشوروی درمقا ما ت با لایی ا ردو ، دستگاه پولیس مخفی وحتی مقا ما ت حسا س حکومت رخنه کرده ، لهذا وقتی فرا خوا هدرسید که قدرت را دردست گیرند و با ردیگر رژیم سلطنتی ر ا درروسیه مستقرگردا نند . آنها همچنا ن به مها جرین میگفتند که در رژیم تغییرفا حش پدیدآ مده ، نهضت کمونستی مطلقا " به نا کامی مواجه شده وا زنظرا یدئولوژیکی مرده ا ست .زعمای موجوده با گذشته ا نقلابی متعصبا نه شا ن هیچ چیزی برا ی مردم خودندا رند . ا ینها دردل یک نشنلست هستندورژیم به یک رژیم معتدل وملی تبا رز کرده که عنقریب سقوط خوا هدکرد . NEP نخستین موء سسه ای خواهد بودکه ا زا ستقرا رنظا م سرما یه دا ری درکشورطرفدا ری خوا هد کرد و بزودی ا نعطا ف سیا سی نیزپدیدا رخوا هدگشت .

ا جنت خفیه دستگا ه سپس ا ضا فه میکردکه هرگونه مداخله ویا بروز حرکا ت خصما نه ، نتیجه غم ا نگیزخوا هدداشت زیرا دران صورت مردم شوروی را متحدخوا هدسا خت وبدورحکومت خود ، جمع خواهندشدومد ت بقا ی حکومت را تمدیدخوا هدبخشید . لهذا برا ی جلوگیری ا زین عکس ا لعمل با یدحکوما ت ا روپا ئی وزعما ی نهضت مها جرین ، فعالیتهای

تروریستی ضدشوروی را متوقف وسلوک خودرا که علیه شوروی خصما نه است تغییربدهند. با تعقیب چنین روش ، شنا سائی رسمی حکو مت شوروی تضمین ومیزا ن فعا لیتهای تجا رتی با لا می رود و با به وجودآ مدن چنین شرا یط ، پروسه تکا ملی خوبترتأ مین میشودودرین وقت است که رهبرا ن مها جربا یدبه اتحا دشوروی برگردندتا سهم خود را بصورت موء ثرا یفا کنند.

جا ی شک نیست که دربین مها جرا ن ا ین پیشنها دشک و ترد ید ا یجا دکردولی حضوررئیس نهضت مها جرا ن مخصوصا " حضور جنر ا ل بوریسیلوف دربرا نداختن حکومت موردا عتما دا کثریت قرا رگرفت. دستگا ه استخبا را ت ا ین تصویب را برفقا ی با نفوذخوددرا روپارساند وبا لاخره به دستگا ه جا سوسی کشورها ی ا روپا ئی جا ی پا ئی پیدا کر د وآ نرا بحیث گزا رش محرما نه پذیرفتندوبعدا زانقضا ی مدتی وقتی ا زدیگرمنا بع تا ئیدا ین را پورفرا رسیددرا ن صورت ا ین را پو ر (حقیقی وسری) قبول شد. وقتی دستگا ه های جا سوسی ا روپا ئی این گزا رش را عمیقا " موردبررسی قرا رمی دا دندمی گفتندغیر قا بل با ورا ست که ا ین گزا رشها دروغ با شد. در حا لیکه موء سسه تنظیم کننده ا ین پلان که بنا م (کمپنی) یا دمی شد ، کا رها را پیش می بردو دستگا ه جا سوسی شوروی با کما ل دقت همه جریا نا ت را زیرنظردا شت دوموء سسهء دیگرا هدا ف NEP را حما یت میکردند .یکی ازین موء سسات (تبدیل پوسته های ا شا ره) ودیگری نهضت " EURASIAN " نا مید ه میشد. تبدیل پوسته های ا شا ره کا رش ا ین بودکه مها جرین روس را منحرف وغلط را هنما ئی کندوروشنفکرا ن را درا روپا معتقدبه ا ین ا مربگردا ندکه نیرومندی وقدرت ا یدئولوژیکی کمونستی روبضعف گذا شته ورا ه اعتدا ل را پیش گرفته ا ست . نهضت به کمک محر ما نه حکومت به نشریک جریده هفته وا ردرپرا گ وپا ریس پردا خت وهمچنا ن

دربرلین هم چاپ یک نشریه را رویدست گرفت . درسال ۱۹۲۲ دولت با قبول برخی خطرات اجازه داد دونشریه بنام روسیه وروسیه نو در لیننگراد ومسکو به طبع برسد مرادازنشراین دونشریه شناسائی و کشاندن روشنفکران داخل خاک روسیه به استقامت این نشرات بود .

درسال ۱۹۲۶ تمام نشرات نهضت ، مصادره گردید ،خود نهضت منحل شدوبرخی اززعمای آن دراتحادشوروی به زندان افتادند . یک نشریه رسمی شوروی بهره برداری این نهضت را اعتراف وانحلال آنرا تائیدنمود . مدتی نگذشته بودکه فعالیت (کمپنی) با حبس مخالفین رژیم که با کمپنی همکاری میکردند ، پایان یافت .

حکومت برای اینکه مردم شوروی را زیرتاثیرقرار بدهد ، محاکمه مخالفان حکومت(که برخی مخالفین واقعی وبرخی به غلط خودرا برای بدام انداختن دیگران مخالف معرفی کرده بودند) درسراسر اتحادشوروی آغاز گردید .

درخارج ازخاک اتحادشوروی، اقدامات مختلفی صورت گرفت که دراثرآن، نهضت مهاجران ودستگاه استخبارات این کشورها فاقد اعتبار ، اهمالکا روسطحی بین معرفی شدند .

جاسوسان که برخی واقعی بودندوبرخی هم دستوری، درمحضر عام به محاکمه کشانده شدندوآنانیکه دراخل مملکت نبودندغیابا" محاکمه گردیدند . زعمای نهضت مهاجرین روس ، ژورنالستهای اروپائی، بازرگانان، دپلوماتها وماموربن دولتی بدون اینکه دردستگاه جاسوسی شوروی همکاری داشته باشند ، شانتاژشدند . بوریس سادینکوف وجنرال کوتی پوف لیدران مهاجرین روس،بیرک سفیراستونیا درماسکواختطاف وباجاسوسان شوروی که درغرب گرفتار شده بودندتبادله گردیدندویا ذریعهٔ آنان محل حبس این جاسوسان شناسائی شد .

بطورمثال ژدانوف درسال ۱۹۴۴ مارشال مانرهایم رئیس جمهورفنلندرا تهدیدکردکه اگربه تقاضای حکومت شوروی گردن ننهد اوبه اتهام فعالیتهای ضدشوروی محاکمه وبه این ترتیب از صحنهٔ سیاست خارج خواهدشد NEP درسال ۱۹۲۹ به عنوان اینکه درپیشبرد اهداف سوسیالیزم درهمه جهات کارخودرا انجام داده لغووبدنبال آن سهمگیری صنایع غرب وتجارت شخصی درشوروی ممنوع گردید و ملکیتهای شخصی به مصادره کشیده شد، زراعت درحلقه کولکتیف های زراعتی درآمدوفشاربرمخالفین سیاسی اوج گرفت.

نتایج

تحت نظارت NEP زراعت، صنایع وتجارت بطوردراماتیک روبه انکشاف گذاشت ولی با وصف آن، نتوانست توجه غرب را به اخذ قرضه های بزرگ جلب کندمعهذا توفیق آنرا یافت که تکنالوجی وافزار جدیدوموثری را از غرب بدست بیاورد. وبه این ترتیب هزاران تن از تکنیشن های اروپای غربی درامرصنعتی ساختن، اتحاد شوروی کمک وکمپنی های غربی فابریکه های مهم را درین کشوربرپانمودند جالب توجه است اگرگفته شودکه بنیاد صنایع ثقیل وصنایع حربی اتحادشوروی درسال ۱۹۲۰ بکمک ایالات متحده امریکا، برتانیه و چکوسلواکیا گذاشته شدوپس از امضای معاهده راپالو با المان درسال ۱۹۲۲کشورمذکورنیزدرپهلوی سایرکشورهای غربی در امر صنعتی ساختن اتحادشوروی سهم موثری گرفت ودرتقویه صنایع حربی شوروی نقش برجسته ای را ایفاکرد.

همچنان حکومت جرمنی براساس موافقه نامه سری دربنیان گذاری هوانوردی مدرن وایجادفابریکه تانک سازی دراتحادشوروی کمک نموده است خودکمونستها ازکمکهای کشورهای خارجی، تحت عنوان (کمک سوسیالیزم) تعریف میکنند. پلانگذاری صنعتی ساختن طویل

مشکلاتیکه تحلیلگران غربی

به آن مواجه هستند

جهان غیرکمونستی مساعی قابل توجهی را مبذول میدارند تا ازجهان کمونیزم معلوماتی بدست بیاورند. بدیل اینکه سیاست غرب درمقابل جهان کمونیزم به اساس شرایط داخل این کمپ ارزیابی وطرح ریزی میگردد. سازمانهای بیشماری در ایالات متحده امریکا، برتانیه وفرانسه وسایرکشورهای جهان به منظور مطالعه پرابلمهای ممالک کمونستی تاسیس وفعالیت میکنند.

صرف نظرازمطالعه وتحقیق تاریخ باستانی اتحاد شوروی و چین قبل ازانقلاب، که بصورت عنعنوی جریان دارد، تازه کار شناسان جدیدی واردصحنه شده اندکه بدان نام سویتولوجی، (روس شناسی) گذاشته اندحتی گامی فراترگذاشته آنرا کرینلینو لوجی موسوم ساخته اندووظیفه آنان مطالعه طرحهای سیاسی اتحادشوروی است.

نتیجه مطالعات تحلیلگران غربی درصورتی می توانند حائز ارزش واهمیت باشدکه به حل دوپرابلم عمده بصورت موفق دسترسی پیدا کنند.

مشکلات عمومی ازینجا نشئت میکندکه رژیمهای کمونستی در محرمانه نگهداشتن مسائل شان، فوق العاده حساسیت دارندومشکل دیگر اینکه این رژیمها، ازپخش اطلاعات دروغ وغیرواقعی حداعظم استفاده می کنند.

اشتباهات تحلیلگران امروزغرب، بیشترناشی از موجودیت دوم این مشکلات می باشد.

المدت به مرحله اجرا درآمد. برسمیت شناختن اتحاد شوروی ازطرف دول غربی مایه آن شدکه شوروی مخالفین خودرا در داخل مملکت سرکوب وخودرا هم سیاستا " مستقربگرداند.

بقایای احزاب سیاسی مخالف ،ازقبیل انقلابیون سوسیالستی منشویکها وصهیونیستها تحت فشارقرارگرفتندیا ازبین رفتند ویا اینکه ناگزیربه جلای وطن شدند. دهقانان نیزطریق سازش و صلح را پیشه کردند. آزادی کلیسا ها فسخ گردیدورژیم عوض آن ، احداث کلسا های جدیدتحت کنترول حکومت را منظورنمود. جنبشهای نشنلستی وتجزیه طلب درجارجیا ، اوکراین، ارمنیه وجمهوریتهای آسیائی خوردومضمحل شدوملتهای آن درمقام همکاری کامل بااتحاد فدرالی برآمدند.

دردوران فعالیت NEP هیچ حزب متشکل سیاسی مخالف دولت دراحزاب کمونست مدغم نگردید. اعضای حزب کمونست مرتبا شروع به تصفیه ویک اقلیت کوچک را هم متهم به تمایل به سیستم سرمایه داری کردندواز حزب خارج نمودند ، حزب وقوای امنیتی با استفاده ازمتودهای فعال وکنترول کسانیکه با غرب تماس داشتند ، تجارب فراوانی بیندوختندوپولیس امنیتی درصددبرآمدکنترول موءثرخود را برجامعه نیزموردآزمون قراربدهد.

اروپای غربی وصنعتی که برایشان این جریانات خوش آیند نبودبایدبه عنوان مخالف با اتحادشوروی دوهم جمع میشدندو جبهه متحدی را تشکیل میدادندولی این کار را نکردند .رژیم اتحادشوروی به استثنای ایالات متحده امریکا ،ازطرف سایرکشورها به رسمیت شناخته شد ، نهضت مهاجرین روسی اعتبار وحیثیت خودرا ازدست داد وراه انحلال خودرا ازپیش گرفت . معاهده راپالو ،که درسال ۱۹۲۲ با جرمنی عقدشده بود (وبه نظرکمونستها بزرگترین موء فقیت لینن در

ساحه دیپلوماسی) تعبیر میشود، پرستیژ اتحاد شوروی را بالا برد، به تقویت نظامی آن کمک کرد و از تشکیل یک جبهه متحد ضد کمونستی در اروپا مانع شد، جمهوریت وایمار آلمان را سست و بی بنیاد ساخت.

بین سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۶ دوازده حزب کمونستی به کمنترن پیوستند که مجموع احزاب کمونستی را به چهارده رساند و احزاب کمونستی در کشورهای صنعتی غرب با استعمال تکتیک های قانونی نفوذشان را در اتحادیه های کارگری و پارلمان افزایش بخشیدند. بعد از تاسیس یک جبهه متحد سوشلست های بین المللی ناکام ماندند بدلیل اینکه برخی از احزاب سوسیالستی از قبیل احزاب سوسیالست جرمنی، فرانسه، اسپانیه و چکوسلواکیا در اثر طرز برخورد نادرست حزب کمونست شوروی با ایشان، منشعب شدند و بجای آن گروپ های چپ گرا به حزب کمونست ملحق و یا احزاب جدیدی را تشکیل دادند. کمینترن با بکار بردن مشی انقلابی و تکتیک های انقلابی تجارب زیادی اندوخت و موفق شد سیاست خارجی آنان را با دیپلوماسی اتحاد شوروی هماهنگ بگرداند. تاکتیک جبهه متحد، کارگر افتاد و مغولستان نخستین قمر شوروی گردید.

درسهائیکه از NEP فراگرفته شد:

پخش اطلاعات دروغ در دوره NEP از نظر غربیها موفقیت آمیز قبول شد و تحمیل ضربت بر کمونیزم در اثر کوشش NEP خنثی گردید. ترس از بلشویزم رو به کاهش گذاشت. موقف رژیمهای غیر کمونستی رو به ضعف گرائید.

انتظارات برای تقرب مجدد با ردیگر زنده شد، مردم غرب که از قربانی مزید هراس داشتند، حکومات خود را تشویق می کردند با رژیم اتحاد شوروی نظر مساعد نشان بدهد. در واقع امر چلنج علیه کمونیزم و انتظارات و توقعات غرب به سردی گرائید. ولی

ستراتیجست های کمونیزم این درس را آموخته بودندکه رهبران غرب را میتوانندرا رزیابی شان نسبت به سیاست اتحاد شوروی گول بزنندا ین است که پخش اطلاعات دروغ درواقع امر شرایط بسیار مساعدی را برای موفقیت اتحادشوروی درپیشبردسیاست داخلی اش دپلوماسی فعال آن وفعالیت کمینترن میسرگردانید .

-۳-

نمونه دیگری از پخش اطلاعات دروغ

نمای ظاهری وقدرت

اگریک رژیم کمونستی با بحران دولتی دست وگریبان باشد، اگررژیم کمونستی ناتوان وضعیف باشد، اگرزعامت آن منشعب و یا متحدباشدمتودمنطقی بخش اطلاعات دروغ درین است که بحران با همه ابعاد آن ردگرددوتوجه جهانیان به پرابلم ها و نقاط دیگر معطوف شودوا وضاع داخلی وجهانی تا جائیکه امکان دارد، مساعد وخوشبینانه معرفی گردد. این نوع دروغگوئی را بنام نمای ظاهری وقدرت ویا ویلای پوتمکین یاد می کنند. این نوع دروغگوئی شامل تمام کشورهای کمونستی مخصوصا خوداتحادشوروی میباشد.

بصورت عمومی شبکه اطلاعات دروغ تصمیم می گیردکه چه شکلی اختیارکندوچه نوع تخنیکی بکاربرد، تا نتیجهٔ مطلوب به دست آید.

درمودل(نمای ظاهری وقدرت)گزارشهائیکه بضررزیم منتهی میشودبصورت فشرده وگزارشهائیکه به نفع رژیم است بصورت اغراق آمیزمنعکس میگردد. مسائل وقضایای واقعی به صورت مبهم و در لفافه دراختیارمطبوعات گذاشته میشود.

احصائیه ها یا ناچیزویا اغراق آمیزنشرمیگردد. پروپاگند درپیشبرداین اهداف نقش برجسته ای ایفا می نمایدزیرا پروپاگند خوددرواقع امرشکل اساسی پخش اخبار دروغ است.

حیله های تازه ای بکاربرده میشودکه پروپاگندرا حمایت وتائیدکند اشتباهات ونارسائی رژیم به حیث فیروزی وموفقیت رژیم شمرده

میشود ، ناکامی سیاسی وایدئولوژیکی، به‌حیث کامیابی وپیشرفت وکامیابی ایدئولوژی قلمدا دمیگردد . اگرحکومت ازآینده‌سیاسی وایدئولوژیکی خود ، دچار اندیشه‌ونگران باشد ، برعکس در پخش اطلاعات دروغ گفته‌میشودکه‌حکومت به‌آینده‌خودا عتمادکامل دارد .

نیرومندی واستحکام رژیمهای کمونستی چندین مرتبه‌بیشتر نشان داده‌میشودتا دنیای غرب ازان به‌وحشت بیفتندوازمداخله‌در اموردا خلی کشورهای کمونستی اجتناب کنند .

نشراکاذیب ودروغ به‌پیمانه‌وسیع مطابق نمونهٔ که در بالا ازان یادشدموردا ستفاده‌ستالین درموقع پاک سازی در سالهای اخیرحیاتش، قرارگرفت . برسبیل تمثیل درخلال اختناق عمومی برمردم درسال ۱۹۳۰، بدنیای خارج رژیم خودرا یک سیستم‌دیموکراسی نمونه‌ای تحت زعامت یک رهبرمقتدروانمودکرد .اردوی سرخ که‌اکثریت افسران آن ازبین رفته‌بودند ، بحیث نیرومند ترین اردوی جهان تعریف میشد . دردوران جنگ عمومی دوم کاهش نفوذ ایدئولوژی کمونستی، وزوال محبوبیت این ایدئولوژی در خود اتحادشوروی ومما لک کمونستی اروپائی مخفی نگهداشته‌شده‌بود . اهمیت مخالفت ژدانوف وستالین وگروپ لیننگرادوی درسال ۱۹۴۸ کاملا"درپرده‌اخفاگذاشته‌شدوهمچنان ازتشنج بین اتحادشوروی و سایرمما لک کمونستی، ازسکوت مطلق کارگرفتند . دستگاه‌پروپاگندی کمونستها نیرومندی وقدرت سیاسی، نظامی واقتصادی شان را مبالغه‌آمیزجلوه‌دادندباید متوجه‌بودکه‌دستگاه‌پروپاگندی خود، چرخی ازسازمان عظیم پروگرام (پخش دروغ پراگنی) این رژیمها بشمارمیرود .

برای جلوگیری ازنشربحران عمیقی که‌دربلاک شرق جریان داشت امکانات تماس بین کشورهای کمونستی وغیرکمونستی بحد

اقل پائین آورده‌شد. شهروندان اتحادشوروی واقما رآن ، از مسافرت بخارج کشور ، ممنوع گردیدند.

هیئت های نمایندگان سیاسی البته‌ازین امرمستثنی‌بودند ولی این هیئت ها نیزپیش ازآهنگ سفربه‌خارج دقیقا چک می شد ند ودرخارج نیزتحت تعقیب قرارداشتند .یگانه مسافرت کنندگان‌کشور های غیرکمونستی به‌ممالک کمونستی راکسانی تشکیل میدادند که کیش‌کمونستی میداشتندویا سیاحین عادی وگذری بودندوحتی آنها نیزپیش ازینکه‌ویزه مسافرت بدست بیاورند ،موردتحقیق سری قرار می گرفتند. وقتی این مسافران قدم به‌کشورهای کمونستی می گذاشتند ، قسمت اعظم مدت اقامت شان، وقف بازدیداز کولکتیف های زراعتی وفابریکه‌ها میگردید. مسافرت دپلوماتها و جریده نگاران خارجی درداخل این ممالک محدودبه‌شعاع ۲۵ کیلو متری محل اقامت شان می بود. مقررات دشواری جهت تماس بین خارجی ها وماموربن ممالک کمونستی وضع کرده‌بودند .تماس غربی ها با رهگذران عادی ومردم کوچه‌وبازاربه‌مشکل صورت می گرفت . واگر چنین تماسها برقرارهم میشدذریعهٔ پولیس مخفی سخت مراقبت می شد. ممالک کمونستی با اتخاذچنین تدابیردرواقع امر از جهان دیگرذریعه‌دیواری جدانگهداشته‌میشدند.

درجرایدممالک کمونستی هیچ خبرثقه‌ودرست نمی یابید. مقالات وگزارشات آن همه‌ازنیرومندی واستحکام رژیم ،ازشهکاریهای زعمای شان وازعقب افتادگی جهان سوم صحبت میکنند. واین‌خبر ها طوری تدوین شده‌که‌تحلیلگران را به‌خطا وامیداردوحقایق درعمق این نوشته‌ها پنهان شده‌است ونمی دانندکه‌اوضاع واقعی‌این کشور ها برچه‌منوال است.

تطق های رسمی و اسنا دحزبی :

یکی ازنمونه‌های (تظاهرونیرومندی) را میتوان در گزارش نزدهمین کانگرس حزب کمونست اتحادشوروی منعقده‌سال ۱۹۵۲ به وضوح مشاهده‌کرد. درین گزارش دربارهٔشرایط سیاسی واقتصادی اتحادشوروی وبلاک کمونستی را بعدازجنگ بازگومیکند.

- پرابلم غله‌دراتحادشوروی برای همیشه‌ومعقول حل شده است.
- موفقیتها درتمام ساحات اقتصادی به‌پیشرفت مادی و کلتوری جامعه‌شوروی منتهی میگردد.

درپرتوتعقیب پالیسی ملی لینن - ستالین،حزب ما موقف دولت کشیرالملیتی را تحکیم بخشیده وبمنظورتحکیم‌وتقویت‌کلتور ملی مردم کشورشورا ها مساعی لازمه‌به‌خرج دادوعلیه عناصرملیت گرامبارزه‌آشتی ناپذیری خودرا پیش برد. سیستم سیاسی اتحاد شوروی که‌ازبوته‌آزمایش جنگ موفقانه‌بیرون برآمد،برای سراسر جهان درامر اعطای حقوق مساوی وهمکاری اقتصادی واحترام‌استقلال ملی نمونه‌ومثال قرارگرفت.

اتحادشوروی درحالیکه‌به‌قراردادهای همکاری های متقابله وفادارمانده‌تلاش خودرا درحمایت وانکشاف مناسبات حسنه با این کشورها ادامه‌داد.

این گزارش معکوس شرایط وجریان سیاسی دراین کشور بود. آنانیکه‌این گزارشها را تنظیم ومقاماتیکه‌آنرا تصویب وآنانیکه پشت تریبون آنرا ایرادکردندکاملا"آگاهندکه‌آنچه‌گفته‌شدمطلقا" دروغ وگزافگوئی وبرای گول زدن جهانیان بود.

عملیات خاص دروغگوئی :

یک سرویس خاص نشرات دروغین (سرویس شماره‌۵)درسال۱۹۴۷

به‌حیث یک شعبه ، دردستگاه جاسوسی شوروی تاسیس گردیدوبعدا به نام (K1) مسمی واز طرف جگرن گروچرپیش برده‌می شد .

عملیات خاص پخش دروغ دردستگاه جاسوسی اتحادشوروی هرگز انجامی بدنبال خودنداشته‌است . وظایف عملیات خاص این است که‌شرایطی راآماده‌سازدتا پالیسی دولت موءفقانه‌پیش برود .

درده‌سال اخیرزندگی ستالین، بحران مزمن و حاد سراسر اتحادشوروی را فراگرفته‌بودوتدابیری که‌حل جامع رادر مقابل این بحران تضمین کندوجودنداشت (سرویس خاص شماره۵) فورا " درصددافتادکه‌پرده‌بر روی این بحران بکشدو برای برخی‌ازشیوه های کارستالین صحه‌بگذارد .

یکی ازفکتورهای محدود (عملیات خاص دروغگوئی) کیش شخصیت پرستی بودکه‌بردیکتاتوری ستالین پرده‌می انداخت .

دونمونه‌ذیل این شیوه‌را بخوبی تصویرمیکند :

یکتن ازجاسوسان شوروی به‌معیت یک هیئت به‌غرب فرستاده شدوقتی واردکشورغربی شد اوتظاهرکردبه‌اینکه ، او پناهندگی سیاسی میخواهد . حکومت میزبان به‌اوموقع داد که یک کنفرانس مطبوعاتی تشکیل بدهد . درکنفرانس مطبوعاتی خود ، برای اینکه حکومت میزبان راگول بزندازسیاست شوروی انتقادکرد .

وقتی ستالین کنفرانس مطبوعاتی اورادر مطبوعات مطالعه کرد، ازمراجع مسئول سوال کردکه‌کنترولراین اجنت کی بودوقبل از اینکه‌به‌دستگاه جاسوسی داخل شودکجا کارمیکرد .

رئیس شعبه مسئول درپاسخ گفت که‌اوقبلا" درفارمهای زراعتی کارمیکردستالین دستوردادکه‌اورا مجددا به‌کلخوزبفرستید زیرااو نمیدانندکه مصاحبه مطبوعاتی اوتاچه‌پایه‌تخریب کننده‌بود .

اوحرفهائی گفت که‌ممکن است ثبات کشورما را بهم بزند .

دریک جریا ن دیگر ، پولیس مخفی پولیندیک نهضت‌زیرزمینی را که‌درحقیقت قبلا" لغوکرده‌بود ، با زهم‌اجا زه‌دا دبکا رخودا دا مه دهدتا به‌ا ین ترتیب یک چینل پخش ا طلاعا ت دروغ نظا می و سیا سی گردد . وقتی ا زستا لین خوا هش کردندا ین پروژه‌را تصویب کندتا به پخش ا طلاعا ت دروغ بپردا زندستا لین تا سیس چنین پروژه‌را ردکرده گفت : تا سیس چنین دستگا ه‌ثبا ت سیا سی پولیندرا تخریب میکند .

درسا ل ۱۹۵۱ ، وقتی دستگا ه‌جا سوسی ا تحا د شوروی ، ا زشعبه (کمنترا طلاعا ت) به وزا رت ا منیت دولتی تبدیل گردید ، سرویس شما ره (۵) به‌مدیریت ا رتقا کردوبه‌وزا رت ا مورخا رجه‌تعلق گرفت که‌سروکا رش تنها به‌پخش ا طلاعا ت دروغ دپلوما سی بود .

نمونه چهارم نشرات دروغ

مرحله انتقالی

بعد از مرگ ستالین مبارزه برای احراز قدرت برای انتخاب جانشین ستالین از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷ دوام کرد تا اینکه خروسچف، برحریفان خود فیروز شد و قدرت را در دست گرفت. این مبارزه نه تنها بین شخصیتهای مختلف، بلکه بین پالیسی های مختلف نیز گسترش یافت.

هدف پالیسی دروغگوئی و پخش گزارشات نادرست در مرحله انتقال، این بود که ابعاد گسترده این بحران داخلی و جهان کمونیزم را از انظار غرب پنهان نگهدارد، اختلافات سیاسی بین رقبای حزبی را که برای احراز قدرت جریان دارد مغشوش جلوه دهند ووحشی گریهای این مبارزه را مخفی گردانند و (پروسه) امحای عصر ستالین را غلط معرفی کنند.

مساعی موفقانه حزب کمونست شوروی برای پنهان نگهداشتن جریانات جورجیا که یک بحران داخلی گفته میشد خوبتر تمثیل می گردد.

بتاریخ ۷ مارچ ۱۹۵۵ که مصادف با سالگره مرگ ستالین بود نخستین بی نظمی عمومی درشهر تبلیسی پایتخت جمهوریت جورجیا اتفاق افتاد. درین بی نظمی وشورش عمومی، عده کثیر مردم به شمول محصلین درمیدانی بزرگ شهر، اجتماع کرده وعلیه اتحاد شوروی به مظاهره پرداختند. مظاهره کنندگان لغو سیستم یک جزبی وانحلال دستگاه خفیه پولیس را تقاضا وخواهان اعطای آزادی بیان واستقلال جورجیا از حکومت مرکزی شوروی شده بودند. شاگردان

مشکلا ت عمومی :

مشکلات عمومی دررا ه مطا لعا ت تحلیل گرا ن غربی دروا قع امر ا زخصلت خا ص خودرژیمها ی کمونستی نشئت میکنند .

درقطا رمشکلات ا سا سی میتوا ن ا زین ها نا م برد :

ـ ا تخا ذ تدا بیرسخت نظا می بطوریکه ا زنشرا طلاعا ت محرما نه که به پرا بلم ها ی سیا سی وطرزبرخوردسیا ستمدا را ن ارتباط می گیرد ، جلوگیری بعمل آردا زقبیل ا فزا یش (۱۵)فیصد درمعا شا ت ما مورین کا ،جی،بی تا درمخفی گذاشتن گزارشها کما ل سعی خودرا به خرچ دهند .

ـ موجودیت سرویس ا منیتی فوق ا لعا ده نیرومندکه ا طلا عا ت محرما نه دولت را پوشیده نگهمیدا رندوا زنشرحقا یق جدا جلو گیری میکنند .

ـ حزب ودولت برمطبوعا ت ونشرا ت کنترول ا نحصا رگرا نه ا ی دا رندلهذا درپخش ا طلاعا ت به علاقمندا ن دا خلی و خا رجی ا حتیا طا ت لازم را مرعی میدا رند .

ـ ا عما ل مرا قبت وکنترول شدیدبرسفا رتخا نه ها ی خا رجی ، جریده نگا را ن وسیا حا ن دردا خل کشورها ی کمونستی وموقع تما س آنها با مردم بومی .

درحقیقت ا ین تدا بیر ، موضوع تا زه ا ی نیست . بلکه ا ین شیوه درهمه نظا مها ی مطلقه وا ستبدا دی حکمفرما ا ست .

همین نوع مشکلات ا ست که تحلیل وبررسی رژیمها ی کمونستی را درغرب دشوا روحتی نا ممکن میگردا ند .

دا نشمندا ن غرب ، دربرخوردبا ا ین دشوا ریها ،تجارب زیا د ی ا ندوخته ا ند . ا ظها را ت شهودعینی یک تعدا دزیا درجا لیکه قبلا" در کشورها ی کمونستی بسرمی بردندوفعلا" درغرب پنا هنده شده ا ند

موءسسات تعلیمی از مردم تقاضا میکردندکه درصف مظاهره‌کنندگان بپیوندندکه در اثر آن، تعداد کثیر مردم به این تقاضا لبیک گفتند.

به اساس دستور خروسچف قطعات اختصاصی سرباز ان درکوچه‌های شهر مستقرگردیدندودستور داشتندبراجتماعات آتش بگشایندکه در اثر این امر، عده‌زیادی مقتول ومجروح شدند. شمارزیادشاگردان به‌زندان افتادندوواحدهای جورجیا وارمنی درمنطقه عسکری در خلال یک شب، خلع سلاح گردیدند.

آنچه‌دربهارسال ۱۹۵۶ درجمهوریت جورجیا اتفاق افتادبایک شنبه‌خونین ۹ جنوری ۱۹۰۵ همانندوهم وزن ثبت تاریخ گردید.

روز۹ جنوری ۱۹۰۵ درتاریخ شوروی به‌حیث یک روزغم انگیز ثبت شد. زیرا درین روزبودکه به‌دستورسزار، مظاهره‌کنندگان طوری سرکوب شدندکه‌بدنبال خودجوی خون جاری ساختند و در مطبوعات شوروی، به‌حیث روزخونین انعکاس یافت که‌با نفرت واندوه عمیق مردم همراه‌بود.

اما درسال ۱۹۵۶ که‌بازهم درجورجیا اغتشاش رخ داد وخونها ریخته‌شدمطبوعات حوصله‌نشراین چنین مطالب راندا شتندوحتی یک روزنامه‌هم علاقه‌ای به‌این مظاهرات نگرفت مثل اینکه در این جمهوریت هیچ حادثهٔ ناگواری رخ نداده‌باشدوحتی تا اکنون راز سربه‌مهری است که‌چگونه‌خروسچف وزیروف رئیس کا،جی،بی به جور جیا شتافتندتا منظره خوردوخمیرکردن مردم را ذریعهٔ قوای عسکری نظاره‌کنند.

جمهوریت جورجیا تجریدگردیدومنطقه‌ایکه‌ازلحاظ آسایشگاه های معروف آن مرجع تفریح کنندگان سراسرمملکت بود در تمام تابستان ۱۹۵۶ بروی مردم بسته‌بودورفت وآمدعادی مردم نیز شدیداکنترول میشد.

غیررسمی گفته شدکه احساسات ملت خواهی مردم جورجیا ،مورد تقبیح ستالین قرارگرفت ولهذا این احساسات سرکوب شد بعد تر گزارشات ناآرامیها وشورش جورجیا ، درغرب رخنه کردولی آنرا به طوری تعبیرکردندکه گویا ملیت گرایی درجورجیا ، طریق افراط پیموده وبه دستورستالین خاموش ساخته شده است ازمظاهرات مردم علیه سیستم موجوده شوروی، حرفی درمیان نبود .

تعبیرغلط ازبرچیدن بساط ستالینیزم:

طوریکه درامراحرازقدرت کشمکش بین گروپهای مختلف جریان داشت ، کمیته مرکزی، کمیسیون شماره اول، تحت هدایت وزارت خارجه وکا ،جی،بی به دستورخروسچف دست به یک عملیات موءفقانه نشراکاذیب زدندتا برکنارشدن رقبا وخشونت واقعی خروسچف را به غلط جلوه دهند .

برای اینکه ازتولیداشتباه جلوگیری کرده باشیم ، بهتراست بین انتی کمونیزم وانتی ستالینیزم تفاوتی قایل شویم بافهم اینکه سعی برای پروسه انتی ستالینیزم با موءفقیت روبرو بوده است .

انتی کمونیزم:

وقتی ما ازانتی کمونیزم صحبت می کنیم مرادما به صورت مشخص ازکدام رهبرکمونستی نیست بلکه مرادما عبارت ازمخالفت با پرنسیپ ها وطرق عملی وتطبیقی آن است ویا مرادازانتقاد بر کمونیزم دریک ساحه گسترده ووسیع آن میباشد .

حتی قبل ازسال ۱۹۱۷ درداخل وخارج خاک شوروی انتقاد و مخالفت علیه کمونیزم به اشکال وانواع مختلف وجودداشته است . اساسا این نهضت درعصرلینن انکشاف کرد ، درعصرستالین به مرحله

شگوفا نی خودرسیدودرعصررهبرا ن بعدی شوروی، هرچندتوسعه بیشتری نکردمعهذا به‌بقا ی خودتوا نست ا دا مه‌بدهد .
مخا لفین کمونیزم را میتوا ن دردا خل سه‌کته‌گوری طبقه‌بندی کرد :
کته‌گوری ا ول را محا فظه‌کا را ن تشکیل میدهند .ا ین طبقه‌د ر فعا لیت شا ن بسیا ربردبا روشکیبا نیستند . دسته‌دوم لیبرالهاا ست که‌ا ین دسته‌را ا کثرا دربین کشورها ی غیرکمونستی میتوا ن سرا غ جست وبا رژیمها ی کمونستی به‌منظورا ینکه‌بقا ی خودرا تضمین کنند کنا رمی آیند .
ا حسا سا ت ضدکمونیزم درطبقه‌روشنفکرا زا نجا نشئت میکند که دگما تیزم ما رکسیزم را به‌حیث فلسفه‌ردمیکنند .درتما مسطوح جامعه طبعا ا ین عقیده‌ا ستوا را ست که‌کمونیزم یک سیستم غیر طبیعی ا نعطا ف نا پذیروغیرا نسا نی ا ست که‌موجودیت خودرا ا کثرا ا زطر یق ا عما ل زوروقوه‌وترورتأ مین مینما یدویک ا یدئولوژی متجا وزا نه دا ردوهدف نها ئی آ ن جها ن گیری ا ست .
درگذشته ، تیوری وتطبیق کمونیزم درمسا یلی ا زقبیل احراز قدرت ، تخریب وتعجیزسا زما نها ی دیموکرا سی، تضییق آزا دیها ی فردی وترور موجب عکس ا لعمل ها ی نظا می ا زطرف سوسیا ل د یمو کرا تها میشدکه‌به‌وسعت ا ختلاف بین ا حزا ب سوسیا لستها وکمونستها منتج میگردیدوبه‌ا ین ترتیب نهضتها ی بین ا لمللی کا رگر ی را متلاشی میسا خت .
تحکیم قدرت نیروها ی ضدکمونستی بیشتربه‌سطح بین ا لمللی ا نکشا ف کرد ، مسا عی ا نگلوفرا نس که‌موجب تشکیل یک جبهه‌متحد و ا ئتلافی علیه‌کمونیزم درخلال جنگها ی دا خلی روسیه‌بین سا لها ی ۱۹۱۸–۱۹۲۱ گردید ، میتوا ندمظهری ا زا نکشا فا ت نهضت ها ی ضد کمونستی با شدکه‌بدنبا ل آ ن بعدا زجنگ عمومی دوم نا توتا سیس

یافت .

احساسات ضدکمونیزم بعدازسال ۱۹۱۷ به‌اشکال مختلف تظاهر نموده‌است . یک مثال تیپیک آنرا میتوان درجنگهای داخلی روسیه بین سالهای ۱۹۲۱-۱۹۱۸ سراغ نمود . ازقبیل نهضت تجزیه‌طلبان درجمهوریتهای غیرروسی، شورش درقفقازوآسیای مرکزی در سال ۱۹۲۰، نهضت زیرزمینی دراوکراین وجمهوریتهای بالتیک وفعالیت سازمانهای مهاجر، آوارگان سیاسی وآنانی که‌با احزاب کمونستی اروپای غربی، قطع علاقه‌کرده‌بودند .

این نوع مخالفین، دراتحادشوروی نیزوجودداشت تفاوت نمیکردکه‌ستالین برسرقدرت نمی بودویا می بود . حقیقت این‌بود که‌دوران وحشت وترس ستالین طوری برزندگی مردم سایه‌افگنده بودکه‌بعضا ضدیت با ستالین را با کمونیزم بهم می آمیختندومخالفین درمبارزه‌خوددچارشک وتردیدمی شدندمخصوصا که‌ستالین هر دوگروه‌را باکمال قساوت وبیرحمی مجازات میکرد .

درسال ۱۹۲۰، ستالین با مخالفین خودازراه‌خشونت بمبارزه برخاست وهیچ تبعیض درمیان نبودحتی اعضای حزب کمونست هم‌اگر علم مخالفت برمی افراشت اشفاقی دربارهٔ‌وی روانمی داشت . چنانچه‌برخی رجال بین المللی سوم ازقبیل زینویف ، بوکارین بیلا کون همه‌محکوم به‌اعدام شدند .

تروتسکی که‌درکنارسایررهبران سوسیال دیموکراتها قرار داشت وستالین اورادشمن سوسخت وخطرناک اتحادشوروی میدانست درسال ۱۹۴۰ ذریعهٔ یک اجنت مخصوص بدستورستالین در مکسیکو تروررورهبران حزب سوسیال دیموکرات دراروپای شرقی نیزبعد از جنگ عمومی دوم ازنظرقوای فزیکی کاملا"مضمحل شدند .

انتی ستالینیزم :

همه نهضتها ئیکه مخالف ستالین بودندبا کمونیزم نیزضد یت داشتند . نکتهٔ درخورتوجه این است که دربرخی ازین نهضت ها چند پارچگی پدیدارشد اینها با سیستم کمونستی مخالف نبودند بلکه عقیده داشتندکه با تصفیه برخی ازعناصرمشخص پالیسی ستالین ، کمونیزم را میتوان تقویه واستحکام بخشید .

این ضدیت ومخالفت با نهضت کمونیزم درسال ۱۹۲۲مایه گرفت وبعدازمرگ ستالین، عنصراساسی درزندگی وپالیسی حزب کمونست شوروی گردیدتا اینکه بالاخره پروسه برچیدن گلیم ستالینیزم قوت گرفت .

دربرخی موارد ، پالیسی ستالین درواقع پیروی ازدکتورین کلاسیک لینن بوده است . بصورت مثال : دیکتاتورشپ پرولتاریای حزب کمونیست ، صنعتی ساختن کشور ، کولکتیف ساختن زراعت ، امحای طبقات سرمایه داری واعمارسوسیالیزم دراتحاد شوروی و حمایت ازانقلابات سوسیالستی درخارج ازمرزهای شوروی. ولی از طرف دیگر ، دردوره زعامت ستالین، ازپرنسیپ های لیننستی و تطبیق آن تخطی های صورت گرفت چنانچه درایجاد کیش شخصیت پرستی ودیکتاتورشپ شخصی، امحای مخالفین وتحت فشارقراردادن عناصروفادارددرداخل حزب وتوسعه خلیج جدائی بین طبقه حاکمه وکارگران ودهقانان ،کولکتیف های زراعتی وبالاخره کاهش اعتبار ایدئولوژی کمونستی .

کمونستهای مخالف ستالین درخلال سالها تجربه انتباه خود را این چنین بازگومیکنند :

- لینن دروصیت نامه خود ازقساوت وبیرحمی وفقدان شکیبائی ستالین انتقادوتوصیه کرده بودکه وی بایدازعُهده منشی

عمومی حزب برکنار شود.

نشرات تیکه بین سالهای ۱۹۲۰–۱۹۳۰ ذریعهٔ تروتسکی و پیروان او صورت گرفته بین عناصر پاسیفیستی استالینست و لیننست تفاوت قایل بود.

– فعالیتهای مخفی ژدانوف و گروپ او در لیننگراد در سال ۱۹۴۸

– لیدران حزب کمونست اتحاد شوروی و سایر احزاب کمونستی بجای گفتار به کردار خود توجه بیشتر کردند و به این ترتیب یک مقایسه با رفتار و گفتار استالین بعمل آمد. و از سال ۱۹۵۳–۱۹۵۶ دوام کرد و از سال ۱۹۵۶ به بعد مخالفت خود را علیه استالین علنا بمیان کشیدند.

انتقاد دسته جمعی و یا انفرادی علیه استالینیزم به شیوه و طرق گوناگون آنها را از وفاداری به لیننیزم باز نداشت.

آنچه در بالا گفته آمد ممثل راستین طرز استالینیزم بود و می توان گفت آنان اساسا معتقد به استقرار کمونیزم لیننی دور از انحرافات استالینی بودند.

حقایق ذیل را میتوان نتیجه روش استالینیزم برشمرد:

– بی اعتباری ایدئولوژی کمونستی.

– از نظر روشنفکران غربی مارکسیزم به حیث فلسفه، آبروی خود را از دست داد.

– در اثر شورشهائیکه در المان شرق، پولیند و مجارستان رخ داد فاصله اختلافات بین اتحاد شوروی و اقمار آن عمیقتر شد.

– کاهش نفوذ کمونیزم و تجزیه احزاب و رژیمهای کمونستی.

– تشدید مخالفت کمونستهای لیبرال غرب علیه کمونیزم

ستالینستی درحالیکه قبلا" به این شیوه صمیمی بودند .

- افزایش نفوذ وپرستیژ نهضتهای ضدکمونستی.
- مخالفت شدید نهضتهای مختلف دینی بشمول اسلام ومسیحیت
- ایجاد پیمانهای نظامی از قبیل ناتو ، سیاتو وپکت بغداد که بعدتر این پیمان به سنتو تغییر نام داد .
- خصومت وضدیت زعمای کشورهای غیرمتعهد از قبیل نهرو .
- همکاری بین کشورهای دیموکراتیک ومحافظه کار علیه تهدید احتمالی اتحاد شوروی.
- یوگوسلاویا با بلاک کمونستها مقاطعه کرد وطی سالهای ۱۹۴۸-۱۹۵۵ به غرب تقرب ورزید .
- مخالفت ژدانوف با ستالین.
- مبارزه بزرگ برای زعامت اتحاد شوروی که به مرگ ستالین انجامید .

دربرخی از ساحات ، ستالینیزم دونوع مخالفت را با رآورد: انتی کمونیزم وانتی ستالینیزم .

درین زمینه صفحه جالب درتاریخ تلاشهای ناکام مخالفین علیه ستالین دردوران حیاتش وکوشش نافرجام تشکیل یک گروپ بدور ژدانوف درسال ۱۹۴۸ بود .

درحقیقت از بین بردن فضای ستالینیزم یک سوال جدی شده بود وباید اندیشید که بعد از مرگ ستالین چگونه این پدیده را از بین برد .

امحای دوره ستالینیزم درعمل :

سه مرحله مختلف ، امحای دوره ستالینیزم را میتوان اینچنین طبقه بندی کرد :

مرحله اول : این جریان از ۱۹۵۳ شروع وتا ۱۹۵۶ تحت یک زعامت

مذبذب وازهم تجزیه‌شده ومعروض به‌مبارزه‌علیه‌رقبا ، تحت‌فشار عامه‌وفقدان یک پالیسی طویل المدت برای بلاک کمونستی دوام کرد .

مرحلهٔ دوم وقتی است که‌خروسچف برای سرکوب کردن شورش هنگری ومخالفین خود ، باردیگرازمتودتروروحشت ستالین استفاده‌کرد نفوذدوره‌ستالینیزم ازسال ۱۹۵۳-۱۹۵۶:

اکثرروس شناسان عقیده‌دارندکه‌مخالفت با (عصر و متود ستالین) درست وقتی آغازیافت که‌خروسچف دربیستمین کانگره حزب کمونست اتحادشوروی منعقده‌فبروری ۱۹۵۶ گزارش محرمانه خودرا تقدیم کرد . اما حقیقت اینست که‌مخالفت با ستالینیزم‌درست بعدازمرگ اودرمارچ ۱۹۵۳ آغازیافت .

هریکی ازمدعیان جانشین ستالین ازقبیل بریا ، مالنکوف مولوتوف ، بولگانین وخروسچف به‌نوعی ازانواع مخالفت‌خود را با (عصرستالین) بیان داشتند . همه‌اینها باوصف اطلاع از امکان یک بحران سیستم کمونستی، بازهم بدون آشتی به‌لغوفوری پالیسی (ستالینستی) متفق القول بودند . اما ازطرف دیگردرطرزاجرای این پیشنها داختلاف نظرداشتند . درحالیکه‌هیچکدام ازینها سابقه خصومت با ستالین نداشتند ، هیچکدام آنها سیاست خاص خودرا پیش نبرده‌اندکه‌با مخالفت ستالین مواجه‌شده‌باشدوهیچ خط مشی‌سیاسی بدون موافقت آنان طرح .نگردیده‌است .

شخصیتها وپالیسی های مختلف این مدعیان(تاج و تخت) الهام بخش مخالفت با ستالینیزم بشمارمیرفت .مثلابیریاطرفدار تغییرعمیق وبنیادی درسیستم ولغوکامل کولکتیف های زراعتی بودا ما مالنکوف یا موقفی که‌داشت وخودرا موردا عتمادکدررهبری می دانست نسبت به‌دیگران افراطی تربودوبصورت سرکشاده‌وبدون

لفافه ازمتودهای پولیس مخفی سخت انتقاد میکردولی لغو دورهٔ ستالینیزم نه تنها ازطرف خروسچف بلکه ازطرف مالنکوف ، بیریاو مالونوف که بعدازمرگ ستالین دستگاه رهبری را تشکیل میدادند حمایت میشد .

قدمهای متعددی کم وبیش اصلاحی فورا برداشته شد ، دوسیه عده ازشخصیتهای برجسته که درعصرستالین محاکمه وزندانی شده بودند موردتجدیدنظرقرارگرفت ، طبیبان کرملین که به محبس افتاده بودندجملگی آزادگردیدند . همچنان فیصله کردندکه دیگرازگرفتاری های دسته جمعی خودداری به عمل آیدوبا استقرار اوضاع در اتحاد شوروی تشنج بین المللی روبکاهش گذاشت .دستوردسمبر ۱۹۵۲ استالین دایربرفعالیت مجددجاسوسی روس درخارج کشورلغو گردید و فیصله شدبه پالیسی خارجی شوروی صبغه اعتدال ونرمش داده شود .

نخستین قدم درامراصلاح اشتباهات ستالین،تقدیم گزارش محرمانه ای، عنوان اعضای حزب راجع به برطرفی بیریا از عهده اش وانگیزه این اقدام بود .

این اولین حرکت سرکشاده درموردناکامی اجراءات ستالین بودکه اعضای حزب ازان مطلع میشدند . بعدها درحلقه های حزبی گفته میشدکه به ابتکارمالینکوف درجولای ۱۹۵۳ بعد از گرفتاری بیریا که درهیئت رئیسه مباحثات زیادی درین موردصورت گرفت و به اتفاق آرأ فیصله شدکه درطرزاداره حزب وقوه اجرائیه ستالینستی تغییرات عمیق واردگردد ولی مردم حق نداردازدوره ستالین انتقادکنند .

هیئت رئیسه مخصوصا توصیه کردکه درتشکیلات پولیس مخفی تجدید نظرودرطرزعمل آن، اصلاحاتی پدیدآیدبا علاوهٔ قبول این فیصله که درآینده بعدازتثبیت اوضاع درداخل حزب وکشور ، دلائل قناعت

بخشی دربا ره‌روش ستا لین ا زقبیل تحت فشا رقرا ردا دن غیرعا دلانه رجا ل محترم بشمول ا عضا ی حزب وتخطی ا زپرنسیپ ها ی کمونیزم‌در ا ختیا رمردم گذا شته‌خوا هدشدهیئت رئیسه موا فقه‌کردند که تنها ا زا عما ل ستا لین وبیریا دردا خل هیئت رئیسه‌ا نتقا دشود و توصیه شدکه‌ا عضا ی هیئت رئیسه‌نبا یددرآ ینده مرتکب چنین ا شتبا ها تی شوندولی مردم نبا یدا زز عما ی گذشته‌ا نتقا دکنند .

ا ین گزا رش محرما نه‌حا کی ا زجنا یا ت ستا لین که ذریعهٔ خروسچف درفبروری ۱۹۵۶ دربیستمین کا نگرس حزب کمونست ا تحا د شوروی قرا ئت گردیدکه‌بعدیک نقل آ ن بصورت قا چا قی را ه خود ش را به‌غرب با زکردولی برا ی ا طلاع عا مه‌هرگزمنتشرنشدذریعهٔ پو - سیلوف رئیس ا نستیتوت تحقیقا ت حزبی ما رکس - ا نگلس، لینن ، ستا لین تهیه‌وتنظیم شده‌بود .

حقا یق مربوط به‌ا ین گزا رش ا زا رشیف محرما نه‌پولیس‌امنیتی وبرخی حقا یق دیگرا زیا ددا شت (گا ردقدیم) لینن که‌درعصرستالین تحت تعذیب وشکنجه‌قرا رگرفته‌بودندوبعدا درغرب درسا ل ۱۹۳۰ به نشررسیده‌بود ، بدست آ مده‌ا ست مخصوصا یا ددا شت ها ی تروتسکی د ر ا ین گزا رش سهم ا رزنده‌ا ی دا شت .

درا فت‌گزا رش پوسیلوف به‌تقریب ا نعقا دجلسه‌کا نگره‌دردفتر هیئت رئیسه موردبحث وا رزیا بی قرا رگرفت ومتن آ ن تصویب شدد ر حا لیکه‌خروسچف دربرخی ا زقسمتها نظرا ت شخصی خودرا ا ضا فه کرد ه بود .

نکته‌مهم درتنظیم ا ین گزا رش ا ین بودکه‌با لغودوره ستا - لینیزم ا زحمله‌برپرنسیپ ها ی کمونیزم جلوگیری بعمل آ ید .

تغییرا تیکه‌بیریا وما لنکوف درسرمی پرورا نیدند و بعد به هیئ (تجدیدنظرطلبا ن) متهم شده‌بودندا گرجا مه‌عمل می پو شید

برای کارشناسان غرب ، درامر مطالعه جدی وعمیق رژیمهای کمونیستی وپرابلم های گذشته‌شان، بی نهایت مثمرومفید واقع شده است مشروط براینکه مشکلات عمومی تنها به‌همینجا خاتمه‌پیدا کند . ارزیابی غربیها ، درموردا وضاع جهان کمونیستی تا یک اندازه کم وبیش میتوانست صحیح باشدولی دراینجا یک سلسله مشکلات خاص‌دیگری نیزنهفته‌است که‌این ارزیابی را دشوارمیسازد .

مشکلات خاص نشردروغ واکاذیب است :

مشکل خاصی که‌دول غربی بآن مواجه‌هستنداین است ،که‌رژیم های کمونیستی میکوشند ، غربیها را با نشراکاذیب شان، به‌استقامت غلط سوق بدهندوازمسیراصلی منحرف گردند . این کوششها عبارت ازپخش اطلاعات دروغ است که‌درلسان روسی دیس انفورماسیا DEZINFORMATSIYA میگویندودردایره‌المعارف بزرگ روسی‌آمده است که‌این لغت ریشهٔ اصلیش رااز دوکلمهٔ فرانسوی گرفته‌که‌دیس عبارت ازمحوکردن ویا ازبین بردن انفورمییسن به‌معنی دانش‌آمده است ودایره‌المعارف روسی بعدا تشریح میدهدکه‌پخش گزارش های غلط ازراه مطبوعات ورادیوبمنظورگمراه‌ساختن اذهان عامه است دایره‌المعارف اضافه میکندکه (مطبوعات ورادیوهای نظامهای سرمایه داری به‌پیمانه‌گسترده‌ای خبرهای دروغ دراختیارمردم جهان می گذارندواینک جنگ جدیدی است که‌انگلوساکسونها براه انداخته‌اند وپالیسی صلح جویانه‌اتحادشوروی ودیموکراسی توده‌ای را بحیث پالیسی تجاوزگرانه‌به‌جهان معرفی میکنند) .

حقیقت اسن است که‌اتحادشوروی درطول تاریخ خود ، ازپخش اطلاعات دروغ ودورازواقعیت به‌انواع مختلف استفاده‌کرده‌است

این اثرمخصوصا "کوشیده‌است که‌مساعی رژیمهای کمونیستی را درامرپخش ستراتیژیکی دروغ آشکارگرداند .

تغییرات بزرگی درجامعه اتحادشوروی وجهان غیرکمونستی اتفاق می افتاد. لهذا بی دلیل نیست که بیریا بهاتهام (نماینده جهان امپریالیزم) محکوم بهاعدام گردیدومالنکوف درسال ۱۹۵۵ از پست صدارت بهاتهام کنارزفتن ازدکتورین لینن وستالین برکنار شد.

حقیقت این بودکه اگرنظریات این دونفرتحقق می پذیرفت حالتی درکشورپدیدمی آمدکه کنترول آن غیرممکن مینمود.

احیای مجدد دوره ستالینیزم :

برملا ساختن اشتباهات ستالین دربلاک کشورهای کمونستی وغیرکمونستی طرزتفکرجدیدی را بهمیان آوردواحساسات مخالفت باکمونیزم وستالینیزم را بگونه های مختلف برانگیخت. شورش درجارجیا، پولیندوهنگری نمونه ازبرافروختگی مردم درین کشورها بود وبحران درسایراحزاب کمونستی نیزعمیق ترگردید.

پاسخ خروسچف دربرابراین انکشاف این بودکه باردیگر از متودستالین کاربگیرد. بهاین ترتیب، خفیه پولیس تقویه شد وقوای عسکری درخاموش ساختن شورشهای داخل اتحاد شوروی و اروپای شرقی بکارافتاد.

پیشرفت خروسچف درامرتشکیل دیکتاتورشپ شخصی، اخطاری برای رهبران حزب تلقی گردید. مولوتوف ومالنکوف بحیث رهبر جناح مخالف عرض اندام نمودند. درست درهمین وقت مولوتوف درصددتشکیل جبههضدستالینیزم برآمد. وی وحامیانش اعلان کردندکه آنان میخواهندخروسچف را برکنارکنندوعملیه پاکسازی ستالینیزم که خروسچف جلوآنراگرفته است بایدادامه یابد تا سیستم استقراریابد. آنان درحقیقت میخواستند با برکناری خروسچف ازیکطرف دراستحکام مبانی کمونیسم خدمت کنند و از

طرف دیگر موقف خودرا تقویه بخشند . نتیجه معکوس شد باین معنی که هردو موقعیت خودرا ازدست دادند .

به نظر آنان، ادامه پالیسی فشار بیک انفجار شدید که شورش مجارستان به مقایسه آن ناچیزی نمود ، منتهی می شدو این نقیض روشی بود که بعد ازمرگ ستالین درپیش گرفته شده بود .

خروسچف به نظر آنان یک ستالین دیگر بود که باید برای بقای کمونیزم کنار برود .

درسال ۱۹۵۷ به این موضوع سایه افتاد و خروسچف به کمک اردوو پولیس امنیتی جناح مخالف را شکست داد اگر مخالفین در این معامله پیروز می شدند امکان آن داشت که پروسه (انتی ستالنیزم) بصورت سرکشاده تروجدی ترپیش میرفت و رژیم هم به استقامت لیبرالیزم گام برمی داشت .

هدف خروسچف از پیروی متود ستالینیزم این بود تا قدرت شخصی خودرا بالا ببرد و با استفاده از سایر وسایل فشار ذریعه پولیس وبراه انداختن محاکمه علنی سیروف رئیس کا ،جی،بی موجب آن شد که تقاضای مردم برای تغیرات مزید افزایش یابد .

فیروزی خروسچف دربرابر مخالفین درجون ۱۹۵۷، موقف اورا تقویت بخشید و توانست اوضاع را در اتحاد شوروی و بلاک متعلق به آن، باردیگر مورد مطالعه قرار بدهد بدون آنکه لیدرشپ داخلی دران مداخله کند .

حرکت نخستین وی این بود که دفعتا پالیسی اش را تغییر داد ولیبل ستالنیستی را برپیشانی مخالفین خود، چسپاند . به این ترتیب او توانست موقف خودرا بعنوان اینکه جرایم ستالین را برملا ساخته تقویت بخشید و انظار مردم را از اتهام مخالفین علیه خود ش منحرف ساخت زیرا درواقع خودش به شیوه ستالنیزم رفتار میکرد تا

قدرت بیشترکسب کندولـهذا موجب ا نتقا دبودوبا ا ین تظا هرتوا نست فشا را فکا رعا مه‌را ا عم دردا خل وخا رج کشورعلیه‌دولت شـــورو ی تخفیف بخشد .

پالیسی جدید دوستراتیژی دروغگوئی

فیروزی خروسچف ، دراصراحرازقدرت درجون ۱۹۵۷ به حیث مقدمه ختم بحران جهانی کمونیزم درتاریخ ثبت شده است وبه این ترتیب مرحله جدیدی دراصراستحکام نظام وبهبود مناسبات حسنه بین اعضای حزب کمونستی براساس دوستی ومودت به شما رمیرود و درهمین دوره بودکه یک پالیسی درازمدت وستراتیجی جدید ،تنظیم وبه مرحله تطبیق درآمد .

خروسچف ، سرشارازباده فیروزی ، درماه می ۱۹۵۵ سفری به یوگوسلاویا کردوما رشال تیتورا ازنزدیک دیدارکردوازین تاریخ به بعدبودکه مناسبات احزاب کمونست شوروی ویوگوسلاویاوهمچنین روابط دودولت روبه بهبودگذاشت .

همچنان درجون ۱۹۵۷ زعمای چین وشوروی توافق کردند که اعمال ستالین وتخطی وی ازدکتورین کمونیزم مورد ارز یابی مجددقرارگیرد . جمهوریت مردم چین به نشردومقاله که در ماه اپریل ودسمبر ۱۹۵۶ درمطبوعات شوروی به نشررسید ، سهم خود را درین ارزیابی اداء کردودرهشتمین کانگره حزب کمونست چین منعقده سال ۱۹۵۹ زعمای چین به فیصله نامه بیستمین کانگره حزب کمونست اتحادشوروی منعقده فبروری ۱۹۵۶ دایربرتقبیح اعمال ستالین وکیش شخصیت پرستی وی مهرتائیدگذاشتند .

درپایان سال ۱۹۵۷ عملیه آشتی بین تمام دول کمونستی صورت گرفت .

درطی کنفرانسی که درنوامبر ۱۹۵۷ درمسکوبرگزار گردید

جملگی موافقت کردند برینکه ستالین مسئول تخطی از تعلیمات کمونیستی در تیوری و عمل میباشد. همچنان شرکت کنندگان، ستالین را محکوم کردند که وی با اشکال مختلف، در امور داخلی شان مداخله میکرد و با خشونت و تهدید آنان را وادار به پیروی از او امر و دستورات خود می نمود.

سران تمام دول کمونستی به استثنای یوگوسلاویا که حضور او قدغن شده بود موافقت کردند، براساس اصول لیننستی با داشتن حقوق مساوی با یکدیگر همکاری کنند و با لمقابل اتحاد شوروی تعهد کردند نهضتهای کمونستی را تحت الحمایه خود تلقی نکنند.

سه سال بعد از این کنفرانس دوره تحقیق و تتبع و مشورت متقابله بین احزاب کمونستی در داخل و خارج آغاز گردید که نتیجه این همکاری متقابله را میتوان در کانگره هشتاد و یک حزب کمونست که در نوامبر ۱۹۶۰ در مسکو دایر شد بخوبی ارزیابی کرد.

زعمای هشتاد و یک حزب کمونست محتویات ابلاغیه این کنفرانس را به حیث مانیفست پذیرفتند و اجرای آنرا تعهد کردند.

از آن تاریخ تا وقتیکه نهضت کمونستی با موانع روبرو شد در داخل و خارج بلاک کمونستی دیگر از طرف اتحاد شوروی، امور ممالک دیکته نمی شد بلکه همه با کمال وفاداری به تطبیق پروگرامیکه روی آن توافق کرده بودند همکاری میکردند و در اثر این امر بود که محیط اعتماد بین رهبران ایجاد گردید و آقائی شوروی جای خود را بهمکاری و اعطای امداد و کمک گرفت.

توافق بین رهبران کمونست روی پیشبرد پروگرام جدید لیننستی بمنظور گسترش انقلاب جهانی در واقع امر نصف حمله کمونست ها علیه نظامهای غربی بود. برای تطبیق این پروگرام یک ستراتیجی جدید و آنهم در چنان فرصتی لازم می افتاد که مردم

ممالک کمونستی ازحکومات خودفاصله می گرفتند ، وقدرتهای بزرگ نظامی غرب می کوشیدنددربرابرتوسعه مزیدکمونیزم درسرزمینهای شان مقاومت نشان بدهند .

برخی ازساحات این ستراتیجی ازقبیل وحدت جبهه های سوسیالستی درممالک پیشرفته صنعتی وحمایت ازنهضتهای آزادی خواهی ملی، درجهان سوم بصورت سرکشاده تبلیغ وپروپاگندمیشد ولی فیصله مربوط به پخش اطلاعات دروغ ودورازحقیقت همچنان با کمال دقت ازانظارجهانیان پوشیده وخفی گذاشته شد .

وحدت احزاب عقب افتاد :

تحلیلگران ستراتیجی کمونست عقیده داشتند که وحدت و یکپارچگی همه احزاب کمونستی بدوریک یونیفورم و یک پالیسی تعرضی سرکشاده ، زنگ خطری برای جهان غیرکمونستی بشمار می رفت وبسیارا حتمال داشت ، که درمقام پاسخگوئی تنظیم شده ای می برآمدندکه موجب تهدیدامنیت کشورهای کمونستی میشد و در نتیجه غربیها با رجحان وبرتری بازرادخانه نیروی هستوی مجهز می گردیدند .

ازطرف دیگرهمچنان یک ستراتیجی متحد ، برای نهضت های کمونستی بین المللی، موانعی ایجاددیکرد .

تجارب نشان دادکه فعالیتهای کمینترن به حیث یک افزار پیشبردپالیسی شوروی تلقی میگردید . عین این تشخیص رادرمورد کمینفرم که جاگزین کمینترن شده بودمی پذیرفتندودرنتیجه احزاب کمونستی درممالک غیرکمونستی نتوانستندبه توسعه نفوذ خود بپردازندوکاربه جائی کشیدکه حتی اجازه رسمی فعالیت را نیز نتوانستندکسب کنندونتیجه این شدکه دراثرروش ضعیف مسکودرسال ۱۹۸۵ بیش ازچهل حزب کمونست درجهان غیرقانونی اعلام گردید .

ستراتژیست های کمونستی ازخلال تجاربیکه از جریانات سیاسی اتحادشوروی وبلاک اروپای شرقی بدست آورده بودندباین نتیجه رسیدندکه اتحاد احزاب کمونستی درغرب، موجب تشکیل جبهه واحدعلیه کمونیزم دران کشورها شده است .

دردوره قبل از NEP غرب ،ازایدئولوژی کمونستی ونظامیگری اتحادشوروی احساس تهدید میکردکه منجربمداخله محوردرخاک اتحادشوروی گردید .بعدازختم جنگ عمومی دوم کمونیزم ستالینی ،غرب رابه ایجاد اتحادیه های سیاسی ونظامی ازقبیل نوتووسیاتوویکت بغداد واداشتو آنان درصددهمکاریهای نظامی، اقتصادی وامنیتی مشترک برآمدند.

همچنان رژیمهای کمونستی موضوع وحدت اروپای غربی راازجهات مختلف ملتفت شده درصددافتادندمانع نزدیک شدن حکومات کمونستی ومتحدین غربی گردندواین تعادلی درپالیسی رسمی اتحادشوروی بشمار میرفت . ونتیجه این شدکه منافع ملی و حزبی قربان همبستگی ایدئولوژی شدوانحلال کمینترن درسال ۱۹۲۳،این تصوررا درغرب برانگیخت که آنان درواقع مانع سقوط وواژگونی کمونیست جهانی گردیده اند .

کوشش برای تفرقه اندازی :

نظامهای کمونستی فطرتا درمقابل وحدت اروپای غربی ، همیشه آسیب پذیربوده اندواین امرناشی ازطبیعت سیستم های دیموکراسی وپیشرفته است که درشرایط عادی مشکلات خودرا هرکدام به تنهائی نظربه منافع ملی بصورت جداگانه موردارزیابی قرار میدهندوبه مسایل همبستگی وروابط ذات البینی کمترا همیت قایل میشوند .

ستراتیجیست های کمونیستی معتقدندکه با نمایش واقعی وحدت بلاک شرق ونمایش نهضت کمونستی خواهندتوانست به اتحادغربیها

به‌گونه‌ا یکه‌ستا لین ا ز ا ن شیوه‌ا ستفا ده‌میکرد ، لطمه‌وا ردکنند .
گذشته‌ا ز ا ن آ نا ن تصمیم گرفته‌بودندکه‌منتظرتظا هرا فتراق وشقا ق
طبیعی درجها ن غرب نبا شندبلکه‌با یدشرا یط جعلی روی کا رآ ورند
تا درا ثرآ ن دول غربی ثبا ت ووحدت سیا سی وا قتصا دی خود را ا ز
دست‌بدهندوبعددرروشنا ئی آ ن، زمینه‌را برا ی تحقق یا فتن‌پالیسی
طویل ا لمدت خودشا ن فرا هم گردا نند .

به‌نظرآ نا ن کشورهای بلا ک کمونستی با مسا عی منظم،موفق
خوا هندگشت درپا لیسی وطرزا لعمل سیا سی ممالک غیرکمونست و
مردم آ ن به‌نفع خودشا ن نفوذوا ردکنند .چنا نچه‌درخلال دوران NEP
پا لیسی ا تحا دشوروی وعملیا ت جوا سیس آ ن مملکت چنین رو ش را
ا تخا ذوموء فقیتهای بدست آ ورده‌بودند .

با نشا ن دا دن روش ملایم درگذشته‌ا زطرف غربیها در مقا بل
کمونیزم ، نا کا می متحدین غرب برا ی ا نکشا ف یک پا لیسی هماهنگ
شده‌وطویل ا لمدت درخلال جنگ جها نی دوم وتوجه‌بیشتر نظا م های
دیموکرا سی غرب به‌تعقیب پا لیسی ا یکه‌برمنا فع ملی شا ن ا ستوار
با شدمنتج بآ ن شدکه‌بلا ک شرق، به‌آ را می پلان گسترش نفوذخود را
برغرب طرح وتطبیق نما یند .

خلاصه‌کلام ا ینکه ، وقتی عوا ملی پدیدا رشودکه‌غرب در صد د
پیوستگی ووحدت خودبرا یدا ین مفهوم آ نرا دا ردکه‌ا تحا د نظا می و
ا نحصا رگرا نه‌کمونستها ، برا سا س ا یدئولوژیکی روبه‌قوام گذا شته
ا ست . ووقتی بلا ک شرق وا قعا به‌ثبا ت وتحکیم موقف خودبرا یند
درظا هرچنا ن وا نمودکنندکه‌گویا ا زنظرمسا یل ا قتصا دی ، سیا سی،
وا یدئولوژیکی روبه‌سستی وضعف نها ده‌ا نددرینجا ا ست که‌غرب د ر
برا برسیستم های کمونستی بی ا عتنا میشودودرنتیجه ا ین طرز
تفکربیلا نس قوا به‌نفع بلا ک کمونستی تغییرمی یا بد .

به عبارت دیگر ، منطق عمومی به این نتیجه میرسد که بلاک شرق برای رسیدن بهدف نهائی که مرادا زفیروزی کمونیزم است ، اتحاد و وحدت نظرشانرا دربارهٔ این پالیسی، تا جائیکه امکان دارد، مخفی نگهمیدارند درحالیکه درست درهمین فرصت ،اتحاد وهمبستگی جهان غیرکمونستی را با ارائه تصویرغلط ازشرایطی که واقعا واجد آن هستند ، تخریب میکنند .

این است علت پنهان نگهداشتن پالیسی طویل المدت بلاک شرق که درسالهای ۱۹۶۰-۱۹۵۸ به تطبیق آن پرداختندوبه اساس آن پالیسی بعدی را طرح وعملی کردند .

درکانگره هشتادویک حزب کمونست منعقده نوامبر ۱۹۶۰ قرار برین شدکه بعوض کمینترن وکمینفرم مرکز هماهنگی نهضت کمونیزم بین المللی تاسیس گرددولی چنین نشدبلکه بجای آن تصویب کردند که هرحزب کمونست ، با درنظرداشتن پالیسی طول المدتی که طرح و تصویب شده تکتیک های خاص خودشانرا دنبال نمایندوبجای اینکه همه ازیک مرکزکنترول شوندتقاضا شدکه بین احزاب داخل بلاک و خارج آن، پالیسی وتکتیک ها هماهنگ وهمنواخت گردد .

بهره برداری سیاسی ازلغودوره ستالینیزم:

رهبران شوروی اذعان داشتندکه درمرحلهٔ اول درلغو دورهٔ ستالینیزم مرتکب اشتباه شده اندبدین معنی که اعاده حیثیت مغضوبین ستالین، خیلی بعجله صورت گرفته ودستگاه رهبری حزب وپولیس امنیتی دربرابر اوج احساسات همدردانه روشنفکران نسبت به آشکارشدن جنایات ستالین روش منفی وضعیف اختیارکرده اند . گذشته ازهمه زعمای اتحادشوروی این اشتباه را هم پذیرفتندکه چرا قبل ازلغودوره ستالینیزم با رهبران سایرممالک کمونستی مشورت نکردندوبه این نکته متوجه شدندکه (لغودوره ستالینیزم) اگر با

تدابیر لازمه تحت کنترول نیاید ممکن است سبب بیشتر تجدد طلبی و ناراضی مردم شود ولی به این حقیقت نیز متوجه شدند که موج متنوع و مختلف مردم علیه ستالین آنان را در امر کوبیدن مخالفین در داخل و بالا رفتن پرستیژشان در خارج کمک خواهد کرد و در عین زمان اگر زیان محدودی از ناحیه (لغو دوره ستالینیزم) رخ داده باشد می توان آنرا ترمیم کرد.

احساسات کنترول شده (ضد ستالینیزم) میتوانند در تثبیت رژیم شوروی کمک کند و با پخش پروپاگند و تبلیغات بمنظور تضعیف پالیسی سابق ولاحق، میتوان برخی از مخالفین داخلی و خارجی را سرکوب ساخت.

بصورت مثال تمام اعضای سابقه حزب کمونست که تحت رژیم ستالین آزار و شکنجه دیده بودند و یا بیوه ها و اعضای خانواده شان، را میتوان با دولت در امر اجرای پالیسی لیننیزم عملاً" همکار ساخت.

همچنان احساسات مهارشده ضد ستالینیزم زمینه مساعدی را برای نمایش پالیسی سیاسی و دپلوماتیکی در جهان غیر کمونست فراهم و می توان در پرتو چنین شرایط، سلوک و روش احزاب کمونستی را در نهضتهای کارگری و دیموکراسی به نفع خود تغییر داد.

اگر نتیجه ستالینیزم در قیافه یک دیکتاتور شپ شخصی، تر و ر بدون تبعیض مخالفین در داخل و خارج کشور بود، در عین حال گروه های مخالف را بهم متحد ساخت. این است که پالیسی انتی ستالینیزم این گروه ها را ضعیف و ناپایدار خواهد ساخت. اگر ستالینیزم منتج بهمکاری گروه ها با داشتن علایق مختلف گردید، چنانچه تاسیس ناتو حاصل همکاری محافظه کاران و سوسیال دیموکرات ها بود و دول غربی را با یوگوسلاویا نزدیک ساخت و روابط بین مهاجرین روسی و

مفهوم ازپخش اطلاعات دروغ تلاش مستدام کمونستها به پخش گزارشات دروغ طوری است که واقعیت یک مسئله را درانظارجهانیان معکوس جلوه دهند ، بگونه ایکه دنیای غرب دچار رشک وتردیدشودود ر روشنائی آن ستراتیژی جهان کمونستی ازخطرمصئون باشد .فهم به پروگرام پخش اطلاعات دروغ تحلیلگران را یاری می نماید که شرایط جهان کمونستی را بدرستی تحلیل کنندولی موجودیت این پالیسی کمونستی درجهان غرب به نظرشک وتردیدنگریسته میشود .اکنون سعی بعمل می آیدکه نویسنده درموردپخش گزارشها ومتودهای آن و نقش پروگرام پخش اطلاعات دروغ وتخنیک کاربردآن ، اندکی روشنی بیندازد .

پخش اطلاعات دروغ دررژیمهای کمونستی :

نه تنها دولتهای کمونستی ازشیوه (اطلاعات دروغ) استفاده میکنندبلکه پخش اطلاعات دروغ دررژیمهای کمونستی نسبت به هر رژیم دیگرنقش مهمی به عهده دارد .

نشرواشاعه اطلاعات دروغ دررژیمهای کمونستی ودررأس آن اتحادشوروی است که پاسخگوی بحرانات درداخل سیستم ،اشاعه دهنده غیرمحدود هدفهای کمونستی درجهان و سبب پیشبرد سیاست ستراتیژیکی وتجاوزکارانهٔ روسها درخارج به سویهٔ جهانی وطویل المدت میباشد .

نقش دروغ پراگنی ونشراکاذیب دررژیمهای کمونستی را می توان درمقایسه سیستمهای دیموکراسی وکمونستی ودربرخوردشان در برابربحرانهای داخلی وسیاست خارجی شان بخوبی ارزیابی کرد .

درجوامع دیموکراسی بحرانات داخلی بصورت سرکشاده جر و بحث میشودومحدودبه مرزهای خودشان است . درسیستهای دیموکراسی خواسته های مردم ازطریق انتخابات آزادتأمین وقضایا از طریق

دول غربی را انکشاف داد، روش انتی ستالینیزم توانست این پیمانها ووحدت ها را متزلزل گردانند. اگرستالینیزم پرستیژاتحاد شوروی را پائین آوردواشتباهات سیاسی تلقی گردیدومتحدین خود را ازدست داد، انتی ستالینیزم توانست به این پروسه صبغه عقب گرائی بدهد، متحدین قدیمی را باردیگرداخل این حلقه بسازد و دراخیردرمیان روشنفکران، لیبرالها، سوسیال دیموکرات ها و نشنلست های غربی طرفداران جدیدی به چنگ آرد.

بین سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۶ انتی ستالینیزم به منظور تصحیح اشتباهات وبلندبردن پرستیژروسیه فی البدیهه مورداستفاده قرار گرفت.

درسالهای ۱۹۵۶-۱۹۵۷ انتی ستالینیزم مجددا مورد بهره برداری خروسچف قرارگرفت تا ازیکطرف رقبای خودرا شکست بدهد و ازجانب دیگرسلوک وروش واقعی خودراکه مغایرگفتارش بود از انظارپنهان نگهدارد.

درسال ۱۹۵۸ دراصطلاح ستالینیزم دولغت جدیداضافه شد که عبارت بودازانتی ستالینیزم وریوزیونیزم. وعناوین جدید به میان آمدکه این عناوین به رهبران مختلف واحزاب مختلف داخل و یا خارج بلاک نسبت داده میشد. مثلا" این رهبران باوصف آنکه لیننیست بودندولی بمنظورگمراه ساختن افکارعامه ،بصورت جعلی تهمت های ازقبیل ستالینست ها، نیوستالینستها، مائوویست ها دگماتیست ها، افراطیون طرفدارخشونت ومحافظه کاران به آنان نسبت داده میشد. ولی گروپهای ضدستالینست، پراگماتیست ها تجدیدپسندان، نشنلست، لیبرال ویا مترقی ومعتدل یادمیشدند. مرادازاعطای این القاب مصنوعی اغواکردن اذهان عامه بود و هدف آنرا چنین میتوان تعریف کرد:

ـ احیای قضایای مرده‌وفراموش شده ـ تخطئه افکار عامه . در این باره این ذهنیت را درممالک غیرکمونستی ایجادنماید که انگار کشورهای کمونستی درموقف ناتوانی وبحران قرار دارند .
ـ انعکاس یک تصویرغلط ازنشنلیزم وبرخوردآن با منافع ملی در کشورهای کمونستی وبین این کشورها تا باین ترتیب اتحادواقعی آنان ازانظاردیگران مخفی بماند .
ـ ایجادشرایط مساعد تادرپرتوآن پالیسی داخلی وخارجی ممالک کمونستی بدرستی پیش برود .
ـ تهیه یک ساحه‌گسترده عملیات بمنظورغلط جلوه‌دادن مناسبات اتحادشوروی با چکوسلواکیا واحزاب مشخص کمونستی اروپای غربی.

منابع این اتهامات

درسال ۱۹۵۷ تصمیم گرفته‌شدکه‌پلان پخش اطلاعات دروغ در ساحه‌وسیعتری عملی گردد . بصورت مثال کمیته‌مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی گردهم آمدندتا به‌گزارش‌محو مانه‌ایکه‌ذریعهٔ‌موسسات کا ،جی،بی وسی اریو (سازمان جاسوسی نظامی اتحادشوروی)نوشته شده‌بحث ومذاکره‌کنند .

پوپوف به‌نمایندگی ازجی اریودرطی هشتادصفحه‌درباره‌اینکه چگونه‌یک جاسوس دریک دستگاه‌میتواندنفوذکندگزارشی تهیه‌کرده بود .

گزارش پوپوف ، پالیسی دروغگوئی را مایه‌پیدایش شرایطی می دانست که‌درپرتوآن علیه‌مخالفین اقدامات موءثرانجام داد.

پوپوف درین رساله‌پیشنها دکرده‌بودکه‌دروغ پراگنی بایدبا ستراتیجی نظامی ودپلوماسی هماهنگ باشد وقیدگذاشته‌بود که درهمه‌شرایط وحالات با پالیسی دولت ممدومعاون قرار بگیرد .

این رساله‌انواع مختلف دروغگوئی ازقبیل ستراتیجی سیاسی

نظامی ، تخنیکی ودپلوماسی را درجه‌بندی کرده‌بود .
موءلف نشان میدادکه‌دروغگوئی را ازچه‌طریق میتوان پیاده‌کرد .
مثلا"
ـ درا علامیه‌ها ، نطقهای رهبران دولتی وافسران کشورمربوطه .
ـ درا سنا درسمی دولتی.
ـ درروزنامه‌ها وسایرموادمطبوع مملکت موردنظر .
ـ نشرات خارجی که‌ذریعهٔ جواسیس بین ژورنالستهای خارجی وکار شناسان پخش میشود .
ـ اقدامات فوق العاده‌بمنظورحمایت وپشتیبانی ازپخش اطلاعات دروغ .
ـ افزایش جاسوس درممالک غربی .
ازسال ۱۹۵۷ به‌بعدخدمات NEP ذریعهٔ کمیسیونی که‌ازطرف کمیته مرکزی مقررگردیده‌بودوهمچنان موسسات دولتی وانستیتوت تاریخ وحقوق اکادمی علوم اتحادشوروی موردارزیابی قرارگرفت و در نتیجه‌دوپروژه‌که‌دارای اهمیت خاص بودبرای تطبیق به سازمان کا ،جی،بی سپرده‌شد .
پروژه‌نخستین تخنیک نفوذدرجامعه‌روشنفکرا تحادشوروی را بیان میداشت درینجا مرادازطبقه‌روشنفکرا تحادشوروی ساینتست ها ، اکادیمیسنها ، نویسندگان ، موسیقی نوازها ، هنرمندان دیرـ کتران صحنه‌وستیژ و رهبران مذهبی بود .
پروژهٔ دوم افشاساختن اسراردولتی به‌نفع پیشبردپالیسی دولت بود .
رساله‌مدونه‌پوپف درواقع متن مدرنی بود که با ستراتیجی دروغگوئی سروکاردداشت .
لینن بدنبال خودیک اثرمشخص درین موردبجانگذاشته بود

معهذا دروغگوئی ودوروئی عناصربرجسته میخانیکیت سیاست او را تشکیل میداد.

دستگاه رهبری اتحادشوروی برای نخستین مرتبه بین سالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۵ .وقتی پنجمین بار آثار لینن به طبع میرسید برخی اسناد اورا که به دوره NEP وبه پالیسی دروغگوئی ارتباط داشت به نشر سپرد.

درمکاتبا تیکه بین لینن وچی چرین کمیسار امورخارجه شوروی رد و بدل گردیده، این حقایق خوبترفاش شده است.

لینن دریکی ازین نامه های خود، درحالیکه درباره تهیه درافت یک ابلاغیه که قرار بود ذریعهٔ هیئت نمایندگی شوروی در کنفرانس جنیوا ایراد گردد، به چی چرین دستورداده بود درین درافت ازذکرکلماتی ازقبیل(اجتناب ناپذیری کودتا با اعمال قوه و مبارزات خونین، وهمچنان ازذکراین جمله (تاریخ مبارزات ما حکم میکند که با اعمال تشددبایدقدرت را دردست گرفت)خودداری نماید.

لینن درنامه خودتذکرداده بودکه مخفی نگهداشتن این چنین کلمات منافع حزب ما را تأمین میکند.

چی چرین درپاسخ خود، بداهتا " کلمه (دروغگوئی وریاکاری) را یادآوری کرده بود.

لینن بتاریخ ۲۱ جنوری ۱۹۲۲ به کمیسار امور خارجه خود نوشت:

- اگرامریکائیها درخلال مذاکرات نمایندگان سازمانهای سیاسی موجوددرشوروی را ازما تقاضا کنندهیچ تشویشی به خودراه مدهیدما میتوانیم یک امتیازکوچک ایدئولوژیکی به جانب مقابل قایل شویم که هیچ اهمیت عملی ندارد.

بصورت مثال اجازه میدهیم سه تن نماینده طبقه کارگر را به وکالت از دو هزار نفر به امریکا معرفی کنیم. اینکه مانعی ندارد.

مهمترین شعار معروف ریاکاری و دروغگوئی مختصرا چنین است:

- چون جنگها همه برپایه فریب و ریا استوار است، بدین لحاظ باید شرایط نیرومندی و قابلیت، تظاهر به عدم قابلیت و ناتوانی به موقع فعالیت تظاهر به عدم فعالیت.
- به دشمن طعمه جالب نشان دادن تا دردام بیفتد و بعد به او ضربه کاری حواله کردن.
- شخصیکه میخواهد خود را ضعیف و ناتوان نشان بدهد تا دشمن را مشکوک بگرداند باید در حقیقت فوق العاده قوی و نیرومند باشد، آنوقت است که میتوان خود را به تظاهر ضعیف و ناتوان جلوه داد.
- تا جائیکه امکان دارد، نیرومندی و فعالیت خود را از انظار دشمن باید پنهان نگهداشت و این وضع تا وقتی دوام خواهد کرد که انتظارات متوقعه بدست آید.

از وقتیکه ستراتیجستهای کمونستی از خلال را پوربیلدربرگ مطلع شدند که غربیها زبونی و ناتوانی کمونستها را انتظار و حتی توقع دارند ولی بلاک کمونستی، پیشدستی کرده در ظاهر به نمایش ضعف و ناتوانی پرداختند ولی درخفا، درصدد نیرومندی خود برآمدند و نتیجه این شد که با تطبیق پالیسی طویل المدت بیلانس قدرت جهانی را تغییر بدهند.

یک مثال برجسته درین مورد، اتخاذ سیاست شرق دورلینن در سال ۱۹۲۰ میباشد. اتحاد شوروی، درین سال میخواست، به عنوان

دفاع از سرحدات خود در حقیقت به توسعه قلمرو خود بپردازد، اینست که لینن در اپریل ۱۹۲۰ اعلان کرد که تصمیم دارد بمنظور دفاع از سرحدات خود، داوطلبانه، در یک منطقه وسیع شرق دور، به تاسیس یک کشور غیرکمونست و بیطرف بحیث (کشور حایل) بپردازد.

این مملکت در ظاهر امر، یک کشور بیطرف و غیرکمونستی بود ولی پالیسی آن، از طرف اتحاد شوروی تنظیم و دیکته میگردید. با وجود آن، که روسها امتیازات زیادا قتصادی را در بدو مرحله قایل شدند ولی در ساحه عمل هرگز بآن وفا نکردند با زهم فشار امریکائیها وجاپانیها، نظر به علایقی که درین منطقه داشتند، رو به کاهش گذاشت در حالیکه اتحاد شوروی، کمینترن، پیمانه نیروی نظامی خود را در انجا افزایش دادند تا علیه خطری که از طرف نهضت مهاجرین روس در منگولیا، به رهبری بارون آنکشور را تهدید می کرد، مقاومت کنند.

در نومبر ۱۹۲۲ نفوذ اتحاد شوروی در منطقه به پیمانه ای وسعت اختیار کرد که جمهوریت قلابی شرق دور بصورت سرکشاده و واضح به حیث منطقه شرق دور، در حلقه همکاریهای منطقوی اتحاد شوروی درآمد.

این حقایق واضحا " سیاست دروغگوئی و فریبکاری اتحاد شوروی را برملا می سازد که چگونه با یک مشت کلمات دنیای غرب را به بازی می گیرد. اساسا "استعمال کلمهٔ استقلال در جهان کمونیزم غربیها را وادار میکند از مقدار رسوخ خود بر کمونستها بکاهند و پیمانه امداد اقتصادی و حتی نظامی شانرا به کشورهای کمونستی افزایش بخشند و به این ترتیب بیلانس قوا نا خودآگاه به نفع جهان کمونیزم منتج میگردد.

در اخیر ۱۹۵۷ اختلافاتیکه مابه افتراق و نفاق جهان کمونستی

شده‌بودودررأس آن مخصوصا مداخله‌ستالین درامورداخلی سایرکشور
های کمونستی بود، بالاخره‌رفع گردیدوهمه‌بدین امر موا فقت
کردندکه‌ستالین از دکتورین لینن انحراف کرده‌است و حکومت
اتحادشوروی موافقت کردشبکه‌های جاسوسی خود را در کشور های
کمونستی منحل کند. به‌این ترتیب خروسحف در سال ۱۹۵۷ بانمایش
غلط قضیه‌ستالین، زمینه‌پیشرفت خودرا مهیا ساخت.

گزارش شلیپن وتغییردرسازماندهی .

تصویب پالیسی ستراتیژی جدیدوفریبکاری بلاک ، موجب تغییرات فاحش درامرسازماندهی وتشکیلات دستگاه‌جاسوسی اتحاد شوروی وسراسربلاک کمونستی گردید . دراتحادشوروی مانند همه کشورهای دیگر ، این کمیته‌مرکزی بودکه‌دستگاه‌جاسوسی وپولیس را تجدیدسازمان نمود .

وزارت خارجه‌وسایرشاخه‌های حزب ودستگاه‌اداری نیز با تغیرات بنیادی روبروگردیدبطوریکه‌بتوانندپالیسی جدیدراعملی نمایند .

درسال ۱۹۵۸ وبعدازان، دردستگاه‌کمیته‌مرکزی‌حزب‌کمونست اتحادشوروی اصلاحات عمیقی واردگردید . یک دیپارتمنت جدید به نام (پالیسی خارجی) تاسیس یافت تا تمام شعبات وزارت خانهای شوروی راکه‌باسیاست خارجی ارتباط میگرفت مراقبت ونظارت نماید وبه‌این وسیله‌باسیاست خارجی شوروی وسایرکشورهای کمونستی هم آهنگ گرداند . این دیپارتمنت مستقیما تحت کنترول خروسچف قرارداشت .

مقرره‌جدیدی برای عزل ونصب سفیران جدیددربلاک‌کمونستی وضع گردید . اعضای برجسته‌حزب ، مخصوصا اعضای کمیته مرکزی مامورشدندتاکارهارا ازنزدیک بررسی کرده ، متیقن شوند که پالیسی بین احزاب وحکومات هماهنگ ویکنواخت میباشد .

یک دیپارتمنت جدیددیگر ، درکمیته‌مرکزی تاسیس گردید که بنام (اپریشن فعال) موسوم بود . این دیپارتمنت ،وظیفه‌داشت

که‌پروگرام دروغگوئی وفریبکاری را هماهنگ بخشودست بعملیات خاص سیاسی ودروغگوئی بمنظورحمایت ازپالیسی دولت بزنند . متعاقب تاسیس آن، فورا به‌جمع آوری گزارشهای محرمانه شد که حاکی ازاجراءات وزارت خارجه ، کمیته‌اطلاعات ودستگاه‌جاسوسی و پولیس امنیتی بودکه‌ذریعهٔ افسران عالیرتبه‌موءسسات مذکور گردآوری می شد .

این است که‌آژانس نوستی درپهلوی خبرگزاری تاس تاسیس گردید تا با دیپارتمنت جدیدالتاسیس همکاری نماید .

یک تغییربسیارمهم دیگر ، انتقال کمیته‌اطلاعات به کمیته مرکزی بودکه‌تاکنون مربوط وزارت امورخارجه‌بود . یکی‌ازوظایف آن این بودکه‌روی مسایل جاریه‌سیاسی مطالعات وتحلیلهای مفصل برای کمیته‌مرکزی فراهم نماید . وظیفه‌دیگرآن این بود که با سران ممالک خارج وسایرچهره‌های سرشناس درداخل مملکت خود شان ، ویاحتی که‌به‌اتحادشوروی مسافرت میکنندتماس سرقرار و بکمک آنان، دردستگاه‌رهبری ممالک غربی نفوذنمایند . رئیس این دیپارتمنت ، چیورجی ژوکوف ، یک جاسوس سابقه‌دار دستگاه جاسوسی اتحادشوروی بودوتماس های مهمی باسیاستمداران، ژورنالستها وشخصیتهای کلتوری غرب برقرارکرده‌بود . خودش اساسا " یک ژورنالست موءفق وبنام شوروی بشمارمیرفت .

شایدمهمترین تغییرات درین سلسله ، تقرر مورونوف و شلیپن بوده‌باشد . مورونوف رئیس کا ،جی،بی درلیننگرادبودودر تصفیه‌مخالفین حکومت نقش مهمی را بازی کرده‌است . وی یکتن‌از دوستان برژنیف بودوباوتماس نزدیک داشت وشلیپن هم یکتن‌از دوستان مورونوف بود . واین مورونوف بودکه‌برای نخستین مرتبه جه‌شلیپن را به‌نقش دستگاه‌جاسوسی وپولیس مخفی درمرحله NEP

پالیسی جدیداقتصادی) معرفی کرد.

درسال ۱۹۵۸ میرونوف وشلیپن، درباره مفکوره تبدیل سازمان کا،جی،بی، ازشکل تیپیک که عبارت از پولیس مخفی سیاسی باشد به یک سلاح مغلق سیاسی انعطاف پذیربطوریکه نقش برجسته ای در حمایت پولیس شوروی داشته باشدبا خروسچف وبرژنیف، مذاکراتی کرده وپیشنهادهای به آنها داده بودند.

این پیشنهادابتکاری، موجب آن شدکه درکمیته مرکزی پست های برای شان تهیه گردد دبه این معنی که شلیپن، نخست رئیس دیپارتمنت ارگان حزبی، وبعدا به حیث رئیس کا،جی، بی ارتقاء یافت ومورونوف به حیث رئیس دفترکمیته مرکزی منسوب شد.

درخزان سال ۱۹۵۸ پیشنهادهای شلیپن ومیرونوف در هیئت رئیسه کمیته مرکزی موردبحث ومذاکره قرارگرفت. جنرال سیروف رئیس کا،جی،بی نیزدرین جلسه حضورداشت. سیروف گزارشی از فعالیتهای کا،جی،بی درداخل وخارج کشور، به اطلاع هیئت رئیسه رساندکه سخت موردانتقادقرارگرفت. منقداساسی وعمده شلیپن بود. اوگفت که کا،جی،بی تحت اداره جنرال سیروف به حیث یک سازمان پولیسی موثر با شبکه های گسترده مخبرین و جواسیس در سراسرکشور، موفقیت های درخشانی بدست آوردوعناصر مخالف دولت را بین مردم با مهارت زایدالوصف تشخیص دادوجواسیس غربی را سخت زیرنظرداشت اما درنفوذافکارعامه، وتوجیه استقامت اندیشه ها به نفع دولت، ودرخنثی ساختن فعالیتهای ضد توسعه نهضت کمونستی درداخل وخارج ناکام بوده است.

وی موفقیتهای کا،جی،بی را دراره نفوذدراسرار دولتهای غربی تمجیدنمودولی علاوه کردکه نقش آن درین راه خیلی ضعیف بود ودرمبارزه که علیه ستراتیجی، سیاسی ایدئولوژیکی قدرتهای غربی

شوروبحث وانعطاف پذیری حل وفصل میشود. ازین جهت احتجاجات واعتراضات سیاسی ویا اجتماعی بهشورش توده‌ها برای برانداختن رژیم منتهی نمی گردد. این برخورددیموکراتیک وانعطاف پذیری را می توان دراعتراضات علیه‌جنگهای ویتنام وبحران واترگیت وفرانسه‌بعدا وقایع سال ۱۹۶۸ بخوبی مشاهده‌کرد.

درزیمهای کمونستی. چون پروسه‌دیموکراسی وجودندارد و مخالفین داخلی،دولت را زیرفشارقرارمیدهندومخالفین سیاسی و سیاست اقتصادی واجتماعی امکان داردمردم را به‌شورش‌علیه‌دولت وادارند بحرانات ازانظارپوشیده‌می ماندچنانچه‌این حالت در هنگری رخ داد. حل این بحرانات درزژیمهای کمونستی معمولا"از راه‌تشدد وخشونت‌صورت می گیرد.

تا جائیکه‌به‌سیاست خارجی ارتباط می گیرد، درکشورهای غیرکمونستی منافع ملی درنظرگرفته‌میشودواهداف محدود و قصیر المدت را احتوا میکند. منتها درحالت جنگ مسائل دفاعی بر همه مسائل دیگررجحان داده‌می شود.

درزژیمهای دیموکراسی حکومات مستقیما با یک دیگر داخل معامله‌ومذاکره‌میشوندودربرخوردبا مخالفین به استثنای جنگ داخلی به‌گفتگومی پردازند.

نظامهای دیموکراسی ازبروزبحران دریک کشوردیگر یا بی میل هستندویاآماده‌نیستندکه‌ازبحران یک کشوردیگربهره‌برداری کنندتفاوت نمیکندکه‌با این کشورها چگونه‌مناسباتی دارند.

پالیسی خارجی رژیمهای کمونستی، عالمگیر،ایده‌الوژیکی وغایه‌نهائی شان سلطه‌برجهان است وسخت میل دارندکه ابتکار عمل را بدست بگیرندمگراینکه‌درمقابل اعمال قوت ناگزیر شوند ازمرحله‌تجاوزبه‌مرحله‌دفاع برایند.

درپیش گرفته شده ، کمکی نکرده است .

شلیپن افزود که علت بزرگ درناکامی سازمان کا ،جی،بی این است که از عنعنه وروش باستانی خود که قبلا" زیر نام گی پا او (دستگاه جاسوسی وپولیس امنیتی روس است که از فبروری سال ۱۹۲۲ تا جولایی ۱۹۳۴ فعالیت میکرد) ، انحراف کرده است . برخلاف گی پا او ، که فعالیت آن بعداز ۱۹۳۴ معطل شد ، دستگاه کا ،جی،بی روی کار آمد ولی به یک ارگان پسیف ومسخ شده برآمد که فقط به اذیت مخالفین حکومت پرداخت وموجب پائین افتادن پرستیژ دولت شد .

شلیپن گفت که کا ،جی،بی باید خودرا بفعالیت مثبت متمرکز گرداند وسهم برجسته ای درستراتیجی (دروغگوئی وفریبکاری) به عهده بگیرد . اتحادشوروی با سایرکشورهای کمونستی دارای تشکیلات جاسوسی دردا خل وخارج قلمروخودمیباشند ولهذا میتوانند سهم موءثردرپیشبرد اهداف کمونستی داشته باشند .

هیئت رئیسه اتحادشوروی تصمیم گرفت تا دربیست و یکمین کانگرس حزبی که قرار بوددرجنوری وفبروری ۱۹۵۹ برگزار گردد ، نقش تازه کا ،جی،بی مورد ارزیابی قرار بگیرد .

مطبوعات شوروی جملگی تائیدکردندکه نقش تازه کا ،جی، بی درین کنگره مورد ارزیابی قرار گرفته است .

دیپارتمنت اجرائیه تحت اداره میرونوف خیلی کسب اهمیت نمود وظیفه اش این بودکه از دیپارتمنتها ئیکه به تنظیم نظم وامنیت داخلی ارتباط می گرفت ازقبیل کا ،جی،بی،وزارت امور داخله و وزارت عدلیه نظارت وبکارهای شان هماهنگی بخشد .

شلیپن دردسمبر ۱۹۵۸ به حیث رئیس کا ،جی،بی مقرر گردید و درماه می ۱۹۵۹ ازمورین عالیرتبه کا ،جی،بی کنفرانسی دایر کرد . درین کنفرانس کیرا منکوبه نمایندگی ازهیئت رئیسه ، وزیر

داخله‌ودفاع، ونمایندگان کمیته‌مرکزی ودرحدوددوهزار مامور کا ،جی،بی اشتراک کرده‌بودند.

شلیپن به‌شاملین کنفرانس روش جدیدکا ،جی،بی را گزارش داد، بعضی ازنکات برجسته‌این گزارش ذیلا" خلاصه‌شده‌می تواند:

- دشمنان اساسی اتحادشوروی، عبارت اندازایالات متحده امریکا. برتانیه، فرانسه، المان غرب، جاپان و همه کشورهای عضوناتووسایرممالک اروپای غربی‌که‌ازین‌پیمان حمایت میکنند، برای نخستین مرتبه‌ازالمان غرب، جاپان وکشورهای کوچک به‌حیث دشمنان اساسی‌اتحادشوروی دراسنادکا ،جی،بی نام برده‌شده‌است.
- سرویسهای امنیتی وجاسوسی اعضای بلاک، طوری مجهز گردندتا درمناسبات بین المللی به‌استقامتی که‌پالیسی طویل المدت خواستارآن است رخنه‌واردکنندوباین‌ترتیب (دشمنان اساسی) راضعیف واتحادبین متحدین را مختل گردانند.
- دیپارتمنت جدیدالتاسیس (دروغگوئی وفریبکاری) باید باسایردیپارتمنت های حزبی وحکومتی درسراسر مملکت همکاری نزدیک داشته‌باشد. به‌همه‌وزرا ومعاونان وزارت خانه‌های اتحادشوروی ومنشی های حزبی ولایات دستورداده شدکه‌باسیاست جدیدکا ،جی،بی خودرا هماهنگ ساخته، ودر موقع ضرورت عندالمراجعه، آماده‌همکاری فوری باشند.
- باهمکاری سازمانهای جاسوسی وپولیسی تمام ممالک کمونستی اقدامات سیاسی مشترک صورت بگیرد.

گزارش دراخیرابرازاطمینان میکندکه‌هیئت رئیسه، پلان جدیدکا ،جی،بی را تصویب میکندوتطبیق تصویب آنرا خیلی باارزش

می پندارد و معتقد است که ستاف کا ،جی،بی هم نهائی خود را در تطبیق آن ، از ساحه نظر در ساحه عمل مبذول دارد .

بعد از ختم کنفرانس یک سلسله تغییرات تشکیلاتی در دستگاه کا ،جی،بی صورت گرفت به این معنی که دستگاه ضد جاسوسی تو سعه یافت و ضمنا "سه وظیفه مهم به کا ،جی،بی سپرده شد .

یکی اینکه اعضای سفارتخانه های غربی و جهان سوم مقیم مسکو تحت نفوذ گرفته شوند و برای قبول پخش اطلاعات دروغ آماده گردند و تا جائیکه امکان دارد تماسهائی با ژورنالستها ، ساینتست ها ،اکادیمیسن ها صورت بگیرد و بعد آنان علیه مخالفین، مخصوصا گروپهای ملی، روشنفکران و رجال مذهبی بکار انداخته شوند و اقدامات مشترک سیاسی با همکاری پولیس مخفی سایر کشورهای کمونستی صورت گیرد.

دیپارتمنت :

وقتی شلیپن دیپارتمنت جدید بنام دیپارتمنت دروغگوئی و فریبکاری را در جنوری ۱۹۵۹ تاسیس کرد به زعامت رهبری اطمینان داد که در کا را این دیپارتمنت با سایر سرویسهای دروغگوئی و فریبکاری حزب و ماشین دولت ، نظم و هماهنگی ایجاد خواهد کرد . سرویسهای دروغگوئی دولت عبارت بودند از کمیته مرکزی، کمیته اطلاعات ، دیپارتمنت دروغگوئی در دستگاه جاسوسی نظامی و دو شعبه جدید التاسیس دیگر در کا ،جی،بی که یکی از این شعبات برای خود شلیپن و دومی برای مدیریت ضد جاسوسی فعالیت میکرد .

دیپارتمنت از همان آغاز کار تابع دستگاه های کمیته مرکزی گردید و از هدف آن دفاع میکرد ، ولی کار این شعبه با سایر دستگاه های دروغ پراگنی تفاوت داشت زیرا طرق خاصی را دنبال می کرد که تنها کا ،جی،بی به نشر اکاذیب آن دسترسی داشت . این دیپارتمنت اجنتهای مخصوص تربیه کرده و آنها را در داخل و خارج کشور ،

وظیفه میدادوکارا ین اجنتها اعمال نفوذدرسفارتخانه‌های خارجی ودستگاه‌های دولت بودویا تأمین عوامل ملی بودکه‌اوضاع نورمال را اخلال میکردندودرعین حال موجب حمایت پالیسی دولت شوروی می شدندازقبیل تصادمات سرحدی ، مظاهرات ، اجتاجیه‌وامثال آن.

دیپارتمنت دال اجازه‌داشت باشعبات خاص حکومت ودیپارت منت های مختلف کمیته‌مرکزی درتماس باشدتابتواندعملیاتی را که‌خواسته‌زعامت حزب وموجب حمایت ماشین حکومتی گردد ، براه بیندازد .

ارگانهای اجرائی دیپارتمنت میرونوف مربوط کمیته‌مرکزی با دیپارتمنت بین المللی که‌تانا ماریوف رئیس آن بود ،دیپارت منت پالیسی خارجی ودیپارتمنت عملیات اکتیف وباحکومت از طریق کمیته‌دولتی ساینس وتکنالوجی وارگانهای پلانگزاری‌تماس خیلی نزدیک برقرارکرده‌بود . همچنان بین این شعبات جدید التاسیس ودستگاه‌دروغ سازی نظامی همکاری نزدیک وجودداشت .

برای احرازکرسی جدیدالتاسیس دیپارتمنت (دال)دوکاندید با تجربه‌وجودداشت : یکی جگرن فیدیوسیف رئیس فاکولته‌جاسوسی خارجی انستیتوت کا ،جی،بی بودکه‌درساحه‌عملیات داخلی کا ، جی بی واستفاده‌ازمهاجرین روسی درامرنفوذبین جواسیس امریکائی تخصص داشت وجگرن اگایانتس ، رئیس فاکولته‌جاسوسی سیاسی در مکتب عالی جاسوسی وکارشناس درامورشرق میانه (مخصوصا ایران) واروپای غربی خاصتا فرانسه‌بود .

شلیپن، اگایانتس را به‌این عهده‌برگزید .

دیپارتمنت جدیدالتاسیس بین پنجاه‌تاشصت تن از افسران کارکشته‌جاسوسی وضدجاسوسی را دراختیارداشت . درین دیپارتمنت کارشناس مربوط به‌مسایل ناتو ، ایالات متحده‌امریکا ،المان غرب

فرانسه ، جاپان وسایرکشورها ، سرویس جاسوسی امریکا ، ومسایل کارگران امریکا ، اروپا ، آسیا ، افریقا وامریکای لاتین مسایل مربوط به‌راکتها ، هوانوردی وسایررشته‌های اختصاصی استخدام شده‌بودند . درین جمله‌افسری بنام جگرن کسلین کارمیکرد که در مسایل مربوط به‌اسرائیل تخصص داشت این شخص بیست سال تمام علیه‌یهودیان روسی فعالیت میکرد . جگرن ستینوکوف متخصص در دیپارتمنت مسایل متعلق به‌المان، اتریش، ناتوفعالیت مینمود وجگرن کوستنکو (این شخص درسال ۱۹۶۰ زیرپوشش دپلوماتوارد انگلستان شده‌بود) یک کارشناس مسایل هزانوردی بود .

چنین ترکیبی ازکارشناسان ومتخصصین درین دیپارتمنت این حقیقت را روشن میسازدکه‌توجه‌تمام دستگاه‌ها به‌مسایل‌نظامی وسیاسی بیشترمعطوف بود . همچنان یک سازمان دروغگوئی و جعل کاری ازطرف کا ،جی،بی درالمان شرق تحت اداره‌لیتوف کین دایر گردید . این شخص به‌حیث متخصص نفوذدرسرویس جاسوسی المان غرب شهرت داشت .

نقش جدید دستگاه جاسوسی

بصورت عمومی وظایف جدید سرویس جاسوسی بلاک شوروی به اضافه خدماتیکه به شکل عنعنوی برایش تفویض شده بود ، مسائل امنیتی هم درین سلسله می آمد . درپهلوی این کارها ،مامورگردید شرایط مساعدی فراهم آوردتا براساس آن، اخبارجعلی و غلط را پخش وتوزیع نمایدکه فکرشودوحدت بلاک ونهضت کمونیزم بین المللی روبه ضعف نهاده تا مطابق پرنسیپ ، با رائه ضعف به دشمن کارتکامل بلاک پیش برود . دیگراینکه با نفوذ جاسوسان بلاک و جاسوسانیکه درغرب ماموریت داشتند ، شرایطی فراهم گرددتاپالیسی وستراتیجی کمونستی بصورت موءثرتحقق یابد ، سوم اینکه بکمک جمع آوری اطلاعات سری، تخنیکی وسایننتفیکی ازغرب ، وبا اخلال پروگرام نظامی غرب ، بتوان انکشاف اقتصادی ونظامی بلاک را سرعت بخشید .

درسال ۱۹۵۹ تصمیم جدی گرفته شدتا درمسائل نظامی پیشرفت های صورت بگیردوماموربن مسئول اتحادشوروی که تحقیق ومطالعاتی انجام دادندبه این نتیجه رسیدندکه بلاک کمونستی خاصتا درساحه الکترونیک عسکری ازده تا پانزده سال نسبت به ایالات متحده امریکا عقب هستندولی با بکار انداختن، کوشش نهائی دستگاه جاسوسی بلاک ، امیدمیرفت که درظرف پنج سال این فاصله عقب مانی ،از بین برود . برعکس بکمک سرویس استخبارات وجاسوسی بلاک بطوری که شلیپن میگویدبا نشرا کاذیب وجعلیات،غرب را به شک و شبهه انداخت تا درنتیجه آن ، غربیها درموردانکشافات نظامی بلاک

گمراه گردندو مبالغ گزافی را بیموردوبیهوده درساحه تسلیحات به مصرف برسانند .

با قبول این نظریه ، دیپارتمنت دروغگوئی با همکاری کمیته مرکزی، سپانتیست های شوروی راکه درکنفرانسهای مختلف بین المللی اشتراک میکردند ، بصورت مختصرازپالیسی خود آگاه می ساختندتا بعدا آنها درتماس شان، با علما ودانشمندان کشور های خارجی پالیسی دروغگوئی روس را درنظرداشته باشند .

درموردبرخی ازعملیات دیپارتمنت دروغگوئی برای نگارنده بصورت سطحی معلوماتی دردست است ازین قبیل :

ـ کا ،جی،بی، پلانی دردست داشت که میخواستند در دستگاه حکومت فرانسه نفوذواردوآن حکومت را وادارندازپیمان ناتوخارج گردد . کارشناسان شوروی درخلال سالهای ۶۱-۱۹۵۹ گزارشهای در اختیارداشتندکه براساس آن، بین ایالات متحده امریکا وفرانسه تشنجاتی وجودداشت که میتوان ازان به نفع خودبهره برداری کرد.

ـ پلان طویل المدت روی دست روسها بودکه براساس آن می خواستندزعمای کارگران کشورهای غیرکمونستی را به وسائل مختلف سلب اعتمادکرده وبعدآنانرا تحت نفوذقرارداده ، سلوک و روش اصلی شانرا دراثرتماس با اتحادیه های کارگری کمونستی تغییر بدهند .

ـ همچنان پلان دیگری بنام (عملیات علیه موءسسات امریکائی) مخصوصا سی،آی،ای و اف ،بی،ای دردست اجرا بودکه جزئیات آن به نگارنده این اثردرست معلوم نیست .

دیپارتمنت (دروغگوئی) همینکه تاسیس گردیدفورا نقشه ای طرح شدکه مقصدش تجریدالمان غرب ، ازپیمان ناتوبود .کارشناسان اموریهودیان دیپارتمنت (دال) مکاتیب و نامه های متعددی

به اجنتهای خودنوشتندتا این نامه‌ها را به‌وابستگان خویش در اسرائیل وسایرکشورها بفرستندوآنان را علیه المان غرب برانگیزانندودرنتیجه‌یک انتباه غلط ازانکشافات سیاسی در داخل اتحادشوروي ایجادکنند.

یکی ازپلانهای طویل المدت غلط نشان دادن مناسبات اتحاد شوروی والبانیا بود. قصه ازین قراربودکه‌دراخیرسال ۱۹۵۹شلیپن نامه‌ای به‌اکایانت نوشت تا با همکاری (دیپارتمنت عملیات‌عاجل) کمیته‌مرکزی ونماینده‌البانیا طرح طویل المدت به‌منظور پخش شایعات دروغ بریزند.

- دراواخرسال ۱۹۵۹ یک نامهٔ محرمانهٔ، سازمان حزبی کمیته‌مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی، اعضای حزب را علیه‌نشراسرارسری وخاص دولت برحذرمیداشت. تشویش مقامات حزبی ازانتقال اسرارسری دولت به غرب با گرفتاری تورن پاپوف جاسوس نظامی اتحادشوروی ذریعهٔ مامورین کا،جی،بی، که‌برای امریکائیها کارمیکردتائید گردید.

غربیها میکوشیدندا طلاعات مهم سیاسی را در خلال مسافرت شان به‌شوروی اززبان دانشمندان وعلمای آنکشوربدست آورندولی این روزنه‌نیزبروی شان مسدودگردید به این معنی که‌تدابیری روی دست گرفتندتا براساس آن‌دانشمندان روس شناس غربی وقتی ازکشورهای کمونستی بازدید می کنندتوطئه‌های علیه‌شان چیده‌شودتا حیثیت واعتماد بین المللی شان، جریحه‌دارگردد.

- یک هدایت نامه‌دیگربه‌ستافکا،جی،بی صادرشدتا جعلیات ودروغهای ساخته‌وبافته‌خودشان را به‌دیپارتمنت های

جاسوسی برسانندتا آنان درموقع ضرورت ازان درامرپخش اطلاعات جعلی وغلط بتوانندا ستفاده‌کنند .

ـ چینلهای جدیدبرای پخش جعلیات واخبار دروغ برای اکمالات غرب تاسیس گردید . درین متن سه‌موضوع بیشترجلب توجه میکرد :

ـ دیپارتمنت دروغگوئی علاقه‌زیادی داشت که‌ازدومنبع‌خاص فرانسوی که‌به‌دستگاه‌ضدجاسوسی اتحادشوروی ارتباط داشت بهره‌برداری کند . دیپارتمنت دال ازاوکولوف ، افسر کنترول تقاضاکردکه‌این دواجنت فرانسوی به‌دیپارتمنت دال تبدیل گردند . شواهدتردیدناپذیری وجودداشت که ثابت میساخت تورن پنکوفسکی ازطرف کا ،جی،بی مشغول فعالیت جاسوسی ودرغرب بسرمیبرد .

ـ درسال ۱۹۵۹ جنرال کویبانوف رئیس دفترضدجاسوسی اتحاد شوروی امرنامه‌عنوان هیئت مدیره‌خودصادروتقاضاکرد : تدبیری اتخاذگرددتا براساس آن عملیات نفوذ درسفارت المان غرب مقیم ماسکوتأمین گرددوبه‌این ترتیب ، پیشبردپالیسی جدیدمیسرشود.

جاسوسان غربی وسرویس امنیتی آن خاصتا جاسوسان فرانسوی معمولا حرکات اجنتهای گریپانوف را تحت نظرداشتندگریپانوف نیزبه‌اعضای گروپ دستوردادتا باوزارتخانه‌های شوروی در تماس شودوماموربن عالیرتبه‌این وزارتخانه‌ها بدستورحکومت با اعضای سفارتخانه‌های غربی وتمام سفارتخانه‌های ممالک روبه‌انکشاف تماس شخصی برقرارنمایند .

ـ درسال ۱۹۶۰ دستگاه‌کا ،جی،بی، درمسکو ، دستورخاص ومحرمانه ای به‌نمایندگان خوددرخارج وسرویس امنیتی داخل مملکت،صادر ودران هدایت دادکه‌چگونه‌خارجی هائیکه‌درا تحادشوروی بسرمیبرند

مخصوصا دانشمندان وسیاست مداران را تحت نفوذقرار داده وبه این ترتیب سیاستمداران، ژورنالستها ، دانشمندان وتحلیلگران مسائل کمونستی را درخلال بازدیدشان، ازممالک کمونستی، سلب اعتبار نمایند. بصورت مثال با اذیت کردن پروفیسر بارگهورن ، دانشمندبنام ایالات متحده امریکا درمسکودرسال ۱۹۶۳ میخواستند اورا بدنام گردانند. تقریبا همه‌سرویسهای امنیتی غرب مظاهر این چنین حوادث را دراختیار دارند.

کمیته مرکزی کنترول کامل خودرا برمطبوعات شوروی برقرار نمودتا توسط مطبوعات ، برحسب دستورکا، جی،بی وکمیته مرکزی به‌پخش اطلاعات دروغ بپردازند. بصورت مثال سازمان کا ،جی،بی، موضوعات جدال آمیزاوضاع داخلی اتحادشوروی را دراختیار چپ ایدیتروزنامه‌ایزویستیا گذاشت تا ازان درموقع‌لزوم و ضرورت بتواند استفاده‌کند. شعبات کا ،جی،بی درجمهوریتهای داخل‌شوروی نیزنقش فعالی درپیشبرد اهداف دولت بعهده‌داشتند .مثلا" شاخه کا ،جی،بی دریوکراین درسال ۵۸-۱۹۵۷ یکصد و هشتاد دوسیه از فعالیتهای خودرا به‌مسکوفرستادکه‌ازان جمله‌جذب اجنت هادرداخل وخارج اتحادشوروی بود. کوششهای وسیعی مبذول می گشت تا از توسعه‌شبات سیاسی درکشورهای غیرکمونستی جلوگیری بعمل آید. مقرره‌های خاصی به‌شعبات کا ،جی،بی درفنلند، ایتالیا وفرانسه صادرگردیدوبه‌آنان دستوراکیدداده‌شدتا نفوذخودرا در زعامت احزاب سوسیالستی واحزاب دیگربکاربرندبطوریکه‌درروش وپالیسی شان ، تغییراتی واردگرددوبه‌این ترتیب خواست واهداف پالیسی بلاک شوروی تأمین گردد.

درسال ۱۹۶۰ زیکوف آمرشاخه‌کا ،جی،بی درفنلند، مجموعه طرحی ساخته‌شدکه‌دراثرآن، زعمای سرشناس غیرکمونست فنلند از

وقتی دریکی ازگوشه‌های جهان، آشوبی بر پا می شود، پالیسی دول کمونستی حکم میکندکه‌با مخالفین وجناحهای افراطی چپ‌گرا، درتماس شوندمثل اینکه‌با یک حکومت قانونی طرف هستند.

کمونستها همه‌جا میل دارندوحتی زمینه‌سازی میکنندکه برطبق خصلتی که‌دارنددربحرانهای کشورهای غیرکمونستی پیشقدم شوند.

تفاوت بین سیستمهای کمونستی وغیرکمونستی درعکس العمل شان دربرابریک بحران داخلی ودرسیاست خارجی، نمودارنقش‌آنان درپخش اطلاعات دروغ دوسیستم موردنظرمی باشد.

سیستمهای دیموکراسی که‌یک نظام سرکشاده‌است ازین لحاظ دارای یک پالیسی مستقروثابت میباشندومجبورنیستند دروغ بگویند وبحران داخلی شانرا ویا طرقی راکه‌این بحران حل شده است از انظارعامه‌پهنان نگهدارند. بلکه‌بحرانها به‌اطلاع عامه‌رسانیده میشودوچیزی نیست که‌ازمردم پنهان بماند.

بحران واترگیت میتواندیک مثال روشن این ادعا باشد. شرط اساسی ومهم برای حل موفقانه‌این نوع بحرانها مطلع‌ساختن مردم ازجریانات اموراست وبا درنظرداشتن چنین شرایط دیگرمحلی برای دروغگویی باقی نمی ماند. معهذا دولتهای دیموکراسی برخی ازخبرها را بمنظورتصویربهترازقضایا خودتنظیم ودراختیار مطبوعات می گذارند. البته‌فاش ساختن مسائل محرمانه ،بطوریکه درمبارزات انتخاباتی ازان به‌نفع خوداستفاده‌کننده‌مجازنیست.

رژیمهای دیموکراسی درسیاست خارجی شان، شاید در مورد مقاصددفاعی ومنافع ملی، نشرات محدوددداشته‌باشندالبته‌نشرات درساحه‌نظامی وضدجاسوسی استثناءات خاصی دارد.

پخش گزارشهای دروغ درسیستمهای کمونستی کاملا" تفاوت داردااین امربیشتربعدم ثبات نظام سیاسی رژیمهای کمونستی

عهده‌ها یشا ن برکنا رشوندوجا ی آ نرا یک جا سوس روس بگیرد .همچنان یک ا جنت کا ،جی،بی به‌زعا مت حزب سوسیا ل دیموکرا ت سوید ن ، رویکا رآورده‌شد .

برا ی دستگا ه‌کا ،جی،بی ، ترورر جا ل ضدکمونستی که‌مانع‌پیش رفت پا لیسی بلا ک گردد ، یک ا مرعا دی بشما رمیرفت مثلا" درسا ل ۱۹۵۹ ا جنتها ی کا ،جی،بی سیفا ن بندیرا رهبرنشنلست ا وکرا ین را درجمهوریت ا تحا دی ا لما ن بصورت مرموزی ترورکرد . ا ین را ز را ستا نتسکی جا سوس سا بق ا تحا دشوروی ا فشا ساخت ا وا دعا کردکه و ی بندیرا را بدستورشلیپن ترورکرده‌است .

میتوا ن لست ترورها را طولانی سا خت ولی خلاصه‌ا ش ا ین ا ست که‌دستگا ه‌ا تحا دشوروی، دررا ه‌حما یت مرحله‌ا ول پا لیسی طو یل ا لمدت بلا ک ، به‌هرنوع قتل وتروردست آزا ددا شت .پالیسی سا یر مما لک کمونستی را نیزمیتوا ن بهمین منوا ل محا سبه‌کرد .

تحلیل گرا ن حرفه‌ا ی غرب ، شا یدوا ضحا ء تصورکرده‌نتوا نند که‌عملیا ت با لقوه‌دستگا ه‌جا سوسی بلا ک کمونستی، درتطبیق پالیسی بلا ک ، تا چه‌ا ندا زه‌با بیرحمی وقسا وت متکی ا ست درین موردخوب ا ست چندمثا ل بیا وریم :

ـ فرض کنیدکه‌یک کشورمشخص غیرکمونستی هدف با لقوه‌دستگاه ها ی جا سوسی بلا ک میبا شد . با یدفهمیده‌شود ، که تما م دستگا ه جا سوسی وضدجا سوسی کشورها ی کمونستی تجدیدآموزش می بینند و می آموزندکه‌چگونه‌میتوا ن، ا زطریق دپلوما سی، برمملکت مور د نظرنفوذوا ردکردویا چگونه‌میتوا ن برا حزا ب سیا سی زعما ی منفر د ومطبوعا ت وغیره‌ا عما ل نفوذنمودوبه‌نفع پا لیسی بلا ک ، آ ن ر ا بکا ربرد . با یدا ین مطلب قا بل فهم با شدکه‌برا ی تحقق چنین پروژه‌ها ، تما م ستا ف دستگا ه‌ها ی جا سوسی کشورها ی بلا ک شر ق

تحت پوشش دیپلوماتیکی و یا کارمند رسمی که تعداد آن به صدها تن جاسوس کارکشته تمرین شده میرسد، بشمول صدها تن اجنت مخفی به کشور مورد نظر هجوم میبرند و تحت یک پلان منظم ولی از طریق مختلف دست بکار میشوند. این اجنت ها نه تنها به جمع آوری اطلاعات می پردازند بلکه در صورت لزوم آنچه پلان تقاضا کند، به اقدامات عملی نیز توسل میورزند در برخی موارد از عمال نفوذ نیز دریغ نمی کنند و به این ترتیب بر دولت، مطبوعات و افکار عامه مملکت مورد نظر اثرات این عملیات منعکس میگردد.

عین چنین روشی در پیش گرفته میشد مشروط بر اینکه هدف یک تعداد کشورهای غیرکمونستی، روی پرابلم مشخص از قبیل پروگرام دفاعی یک مملکت غیرکمونستی و یا سلوک و روش مشخص سیاستمداران غربی در برابر بلاک شرق، و یا یکی از اعضای بلاک و یا تحریف افکار عامه جهانیان در مورد یک پالیسی مشخص و یا قضایایی از قبیل جنگ ویتنام و یا بحران شرق میانه میبود. در آن صورت یک گروه از جاسوس های تجربه کار و ماهر برای عملی ساختن پلان دست به کار میشوند.

خروسچف در بیانیه تاریخی ۶ جنوری ۱۹۶۱ خود، بعد از اشاره به این واقعیت که دیکتاتورشپ طبقهٔ کارگر، در یک مملکت مانند اتحاد شوروی تحقق یافت و وجاهت بین المللی پیدا کرد ولی در شرایط کنونی، سوسیالیزم در موقفی قرار دارد که باید در ساحه مناسبات بین المللی خود، تصمیم وسیع و قاطعی اتخاذ کند. و چنین می نماید که این بیانیه، مظهری از تصمیم دولت در تجدید نظر بر طرز کار کمیته مرکزی، تشکیلات عمومی سرویسهای دیپلوماسی و جاسوسی و امنیت عامه تلقی میگردد و مفهوم تغییراتی را در شیوه و روش مناسبات بین المللی بلاک افاده میکند.

بعضی از عناصر پالیسی جدید بلاک از قبیل، معرفی ریفورم اقتصادی در صنایع و زراعت اتحاد شوروی و سایر کشورهای کمونستی و یا اشتیاق به همزیستی مسالمت آمیز، خلع سلاح و یا انکشاف مناسبات سیاسی، بازرگانی و امثال آن با ممالک غیرکمونستی که درواقع امر بقایای عصر پالیسی جدید اقتصادی) بود، بیانگر پالیسی انحراف گرانه‌ای بلاک کمونستی، در اعمال نفوذ در کشورهای غیرکمونستی شمرده میشود.

همچنان تغییر فاحش در کمیت و کیفیت تبلیغاتی است که ذریعه ممالک کمونستی درباره خودشان صورت می گیرد. این تغییرات در موردسیاحین خارجی که از بلاک شوروی دیدن میکنند بخوبی منعکس گردیده است.

منابع حصول اخبار و اطلاعات

درفصلهای گذشته به تفصیل درباره پروگرام ستراتیجی، سازمان دهی وفلسفه عملیات درمرکزکمونیزم بین المللی وانکشاف آن بین سالهای ۱۹۵۷-۱۹۶۰ صحبت کردیم.

حالا سوال مطرح میشودکه چرا غرب، این دگرگونیها راکه در بلاک شرق اتفاق می افتدکشف نمی کنند؟ پاسخ به این سوال ایجاب مینماید که نخست در یابیم تحلیلگران غربی ازکدام منابع ومراجع اطلاعات خودرا درموردانکشافات سیاسی بلاک شرق جمع آوری میکنند؟ مهمترین منابع جمع آوری اطلاعات غربیها درمورد انکشافات ممالک کمونستی حسب ذیل است:

۱- گزارشهای مخبرین مخصوص دستگاه جاسوسی غرب.
۲- کشف وحل مخابرات ورمزممالک کمونستی.
۳- مراقبت واستراق سمع سفارت خانه‌ها ودوایر ممالک کمونستی.
۴- عکسبرداری ونظارت مراکزصنایع، سکوهای پرتاب راکتها نقل وانتقال سربازان وپرتاب اقمارمصنوعی وهواپیما ها برفراز آسمان ممالک کمونستی.
۵- کشف آزمایشهای هستوی وراکتها ذریعهٔ وسایل و دستگاه های تخنیکی.
۶- تماسهای غیررسمی با دپلوماتها، جریده‌نگاران وسیاحان خارجی درممالک کمونستی.
۷- اخذخبرازدانشمندانیکه به مسائل کمونیزم مصروف ومنهمک

اند .

۸ـ اخذ اطلاعات از مهاجرین گروهی ودستوری ویا کسانیکه به کشورهای کمونستی حسن نیت دارند .

۹ـ مهاجرتهای افسران واعضای حزب و اجنت های دستگاه جاسوسی از ممالک کمونستی بـه کشورهای غربی. این منابع از نظرکیفیت وساختمان شان واینکه‌چگونه‌بدست می آید ، دارای اشکال وتفاوتها وارزشهای مختلفی است .

چون جوامع کمونستی، جوامع سربسته‌است وبه‌لحاظ این که اهداف حکومات شان، تعرضی است لهذا برای غرب مهم است کـه سازمان جاسوسی موءثروسالم دراختیارداشته‌باشندتا بتوانند اطلاعات محرمانه‌ازساختمان ستراتیجی، مسائل داخلی و سیاست خارجی کشورهای کمونستی را بدست بیاورندوهمچنان بایداطلاعات کافی ازروابط ذات البینی کشورهای کمونستی ومناسبات بلاکهای احزاب کمونستی وخارج بلاک دراختیارداشته‌باشند . اجنت های سرویس جاسوسی غرب ، اکثرا "دارای استعدادزیادهستندودرحلقهٔ سیاستمداران راه‌دارندکه‌درجامعهٔ ممالک کمونستی درسطح عالی شمرده‌میشوند . ولی مشکل این است که‌سرویس استخبارات غرب ، برخی اوقات با اشخاصی برمیخورندکه‌درظاهرا مرمخالفین حکومت متبوع خودهستندولی درواقع اجنتهای پخته‌کاروآزموده‌ودستوری دولت های خودمیباشندوبه‌این ترتیب ، این اجنتها ، مرکزانتقال گزارشهای دروغ ازکشورهای کمونستی میباشنددرحالیکه‌غربیهـا فکرمیکنندازثقه‌ترین مرجع خبرها رابدست آورده‌اند .

شکستاندن مخابرات رمزی ممالک کمونستی وثبت مذاکرات می توانندمنبع گزارشهای‌معتبری باشدمشروط براینکه امکانات دروغگوئی وجعل سازی این نوع مخابرات نیزازنظردورنباشد .

مراقبت و استراق سمع سفارتخانه‌های ممالک کمونستی و مستورین عالیرتبه میتواند حائز ارزش و اهمیت باشد ولی باید به خاطر داشت متودی که ذریعهٔ دستگاه ضد جاسوسی و سرویس امنیتی غربیها بکار برده میشود یک متود شناخته شده و آشنا است و در برخی موارد بلاک کمونستی از طریق نشر گزارشهای دروغ ، معنی معکوس را در نظر می گیرند .

ثبت و نظارت آزمایشهای هستوی و راکتها و جاسوسی ذریعهٔ اقمار مصنوعی بلاک کمونستی ذریعهٔ وسایل و افزار تخنیکی حائز ارزش است ولی نمیتوان آنرا منحصراً قابل قبول پنداشت . چون درین ساحه فعالیتها محدود است ، لهذا گزارشهائیکه ازین منابع به دست می آید باید با مقایسه با اطلاعات منابع دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد . وسائل تخنیکی هرقدر پیشرفته باشد باز هم در نفس خود محکوم به یک سلسله محدودیتها ست .

نتایج حاصله از تهیهٔ گزارشهای مهم ذریعهٔ ژورنالست ها و دیپلوماتهای خارجی وسیاحین از نظر کیفیت آن خیلی محدود است زیرا این طبقه در کشورهای کمونستی از تاریخ ورود تا وقتیکه کشور میزبان را ترک میدهند ، تحت کنترول مقامات پولیس و مخبرین قرار دارند و اطلاعاتیکه از تماس های غیر رسمی بدست میآید نیز واجد کیفیت عالی نمی باشد . زیرا هرقدر علیه رژیم حکومت متبوعش انتقاد آمیز باشد باز هم از کنترول سرویس امنیتی گزارش یافته است . وقتی انسان ابعاد وسیع فعالیت سرویس جاسوسی کشورهای کمونستی را در نظر بگیرد متیقن میگردد که برای یک فرد مملکت کمونستی تا ممکن است بصورت غیر رسمی با یک خارجی برای مدت دراز ی در تماس باشد .

ارزیابی و تحقیق مسائل بگونه‌ای که در غرب معمول است

درین کشورها بدون اجازه مقامات امنیتی دشوار وحتی ناممکن می نماید تحلیل دانشمندان غربی نسبت به مسائل کشورهای کمونستی از نظر صحت مطالب حائز ارزش زیاد است ولی مطالبی که دانشمندان تحلیل خود را روی آن پایه گزاری میکنند خیلی محدود و وابسته به مقداری است که از طرف ممالک کمونستی در اختیار شان قرار داده میشود و به آنان اجازه داده نمیشود که با منابع اصلی تماس برقرار کنند و اگر چنین تلاشی صورت بگیرد بیم آن میرود که اطلاعات جعلی و دروغ که از طرف دستگاه دروغ سازی تهیه شده در اختیار شان قرار داده شود در حالیکه با زدید دانشمندان در کشورهای کمونستی اساساً محدود است .

نارضائیان و یا اشخاصیکه به سیستم های دیموکراسی دلچسپی دارند و یا رجال ممالک کمونستی نسبت به انگیزه سیاسی وغیره می کوشند با دپلوماتهای خارجی و یا سیاحین تماس برقرار کنند و یا داخل سفارتخانه های خارجی میشوند تا گزارشهای محرمانه را در اختیار آنان بگذارند ، ممکن منابع با ارزشی باشد اما این منابع نیز آمیخته با دشواری ها است برسبیل تمثیل سرویس امنیتی مسکو از (تخنیک تحریک) استفاده میکند . تخنیک تحریک یکی از چالها ی بدست آوردن اطلاع از مردم برای دستگاه کا ،جی،بی است . عده ای تربیه میشوند که به مخالفت با حکومت تظاهر و مقابل را تحریک به همنوائی با خود کنند . به این ترتیب ، سرویس امنیتی مسکو با استفاده از (تخنیک تحریک) شخصی که در ظاهر به اسم ناراضی شهرت یافته ولی درخفا برای کسب خبر در زیعهٔ سرویس امنیتی تمرین کافی دیده و اداشته میشود با ستاف سفارت برتانیه و یا ایالات متحده امریکا مقیم مسکو تماس برقرار کند طبعاً یکتن از کارمندان سفارت برتانیه و یا امریکا خود را به طرف مقابل معرفی میکند و با وی قرار ملاقات را

بیرون از محوطه سفارت می گذارد ولی همه میدانند که اگر چنین تماس بدون اجازه پولیس امنیتی باشد برای یک فرد روسی، چه عواقب خطرناکی بارخواهد آورد. درست است که بعضی از زنارضائیان میل دارند با سفارتخانه های خارجی مقیم ماسکو، واقعا بدون مداخله پولیس تماس برقرار کنند ولی این اشخاص اعتماد خود را در مقابل سفارت خانه خارجی از دست داده اند چونکه سرویس امنیتی اتحاد شوروی با فرستادن اجنتهای خودشان، به سفارتخانه ها، تحت عنوان اشخاص ناراضی، اعتبار ناراضی های واقعی را از بین برده اند.

تجارب گذشته نشان میدهد که اطلاعات با ارزش ذریعهٔ آوارگان و فراریان کشورها و احزاب کمونستی بدست آمده است، ولی اطلاعات مهم و ارزشمند اصولا" از اشخاصی نشئت میکند که در مملکت خود دارای رتبه و مقام مهمی باشند از قبیل تروتسکی، اورانوف و کراوچنکو و یا کسانیکه در سازمانهای از قبیل سرویس جاسوسی و امنیتی مصروف بوده اند از قبیل اگابیکوف، ولکوف ویرابین، پتروف، کولکوف ودر سرویس دیپلوماسی از قبیل بارمین، کازتاچف ویا افسران سابق قوای هوائی مانند تدکایف ویا مامورین عالیرتبه سابق کاجی، بی از قبیل سووارین، جای لاوستون، بوکینا وچیمترو تبلی که اطلاعات با ارزشی از آنان بدست آمده توانست.

ولی این نکته هم قابل توجه است که اطلاعات این جور اشخاص بسته به تماس آنها با مراجع حساس و پیمانهٔ تحصیلات، تجربه و انگیزه مقاطعه آنها با کمونیزم میباشد.

مثلا" معلومات تروتسکی محدود بود چونکه مقاطعه او با کمونیزم نبود بلکه با ستالین بود و برخی اطلاعات آوارگان ناشی از عقده شخصی آنها است. در دورهٔ جنگ سرد یک سلسله مطالبی که در غرب در مورد کمونیزم نشر شده غالبا غایه تبلیغاتی داشته و یک تحلیلگر

مسائل کمونیزم باید این چنین نشرات را با حزم و احتیاط بپذیرد.

با وصف تمام این حقایق، اطلاعاتی که از آوارگان وفراریان بدست می آید بیشتر بوجدان پاک آنها ارتباط دارد. زیرا پالیسی معمول وعام سرویس جاسوسی وامنیتی نظامهای کمونستی است که برای گول زدن غربیها، یک عده جاسوسان خودرا بنام آواره و فراری به غرب گسیل میدارند تا به پخش اطلاعات دروغ بپردازند و حقایق کمپ کمونیزم را وارونه نشان بدهند.

منابع اخذخبر کمونست ها:

منابع اخذخبر کمونستها را میتوان به چند گتگوری طبقه بندی کرد:

الف: منابع رسمی

۱ـ نشرات مربوط به کنفرانسهای بین المللی حکومات و احزاب کمونستی وخارج بلاک.

۲ـ فعالیتها وتصامیم احزاب وحکومات ووزارت خانه های کشورهای کمونستی بصورت مشخص ومجرد.

۳ـ فعالیتهای عمومی ونطقهای رهبران کمونستی وافسران عالی رتبه بلاک.

۴ـ محتویات مطبوعات کمونستی از قبیل کتاب، مجلات و امثال آن.

۵ـ تماسهای رسمی مامورین ممالک کمونستی با دیپلوماتهای خارجی جریده نگاران وسایر بازدیدکنندگان خارجی.

۶ـ فعالیتها وتصامیم احزاب کمونستی درممالک غیرکمونستی.

منابع غیررسمی حصول خبر:

۱ـ بیانات ونطقهای غیررسمی که ذریعهٔ رهبران وافسران ممالک کمونستی ایراد میگردد.

۲ـ تماسهای غیررسمی با دیپلوماتهای خارجی، ژورنالستان وسیاـ حین درممالک کمونستی .
۳ـ نشرات زیرزمینی ازقبیل سمیزدات دراتحادشوروی.
۴ـ آثارمطبوع دانشمندان بلاک شوروی .

منابع محرمانه کمونستها ، فاش شدن بعضی حقایق ازطرف این نظامها است . برخی اوقات ، بشکل مستندنشرمیشودکه قبلا" آنرا جزء اسرار دولتی می شمردندکه اکثرا "مسائل مناقشه آمیز بین دودولت کمونستی را احتوا میکردوبایدبه شکل رازپنهان نگهداشته میشد .

اطلاعات محرمانه رژیمهای کمونستی را میتوان چنین طبقـــه بندی کرد :

ـ فعالیتهای محرمانه ، مذاکرات وتصمیمات رهبران بلاک شوروی.
ـ فعالیتهای محرمانه ومذاکرات دولتهای کمونستی بصورت مشخص .
ـ فعالیتها وبیانات خصوصی رهبران کمونستی وافسران عالی رتبه بلاک .
ـ اسناد محرمانه حکومتی ومخصوصا "دستورات حزبی .

تحلیل اطلاعات منابع کمونستی:

ازامکانات یکه کشورهای کمونستی برای تهیه اطلاعات معتبر دراختیاردارند ، هیچ شک وتردیدی وجودندارد ، شک نیست تمام مسائلیکه درمطبوعات ممالک کمونستی نشرمیشوددروغ ویاجعل است ویا به منظورپروپاگندتهیه وتنظیم شده است درست است که دروغ و جعل سازی یکی ازپالیسی های اساسی نظام کمونستی است ولی نا گفته نباید گذاشت که مطبوعات کمونستی نیزتاپیمانه زیادواقعیات

ارتباط بهم میرسانند.

آسیب پذیری رژیمهای کمونستی ، نگرانی آنها در استقرار ثبات درکشورومتودغیردیموکراتیک درا مرحل بحرانات داخلی،این سیستمها را ناگزیرمیسازدکه‌دریک ساحه‌وسیع به دروغ پراگنی بپردازندودرعین حال خودرا یک جامعه‌ثابت ومستقرجلوه‌بدهند.

نقش نشرات دروغ درمسائل داخلی این است تا روش غیر عادلانه ، غیرملی وغیردیموکراتیک وجنایتکارانه‌دولت در ورای بحرانات داخلی پنهان نگهداشته‌شودوازطرف دیگرفعالیت‌مخالفین رژیم را محدودویا کاملا" خنثی بسازد.

وظیفه‌عمده‌پخش اطلاعات دروغ وغیرواقعی،در کرکتر تجاوز کارانه‌پالیسی خارجی رژیمهای کمونستی نهفته‌است ومفهوم آنرا داردکه‌با حمایت چپ افراطی درکشورهای غیرکمونستی و تشدید بحران داخلی ویا ایجادیک بحران جعلی، درکشورهسته‌کمونیزم را پی ریزی کنند.

به‌منظورا اینکه‌درین کارخودتوفیق بدست‌آرندلازم می افتد برای وصول به‌غایه‌نهائی ومطلوب ، ازطرق وتکتیک خاصی‌استفاده کنند ، درحالیکه‌درست درهمین فرصت شرایط مساعدی را در کشور موردنظرفراهم وزمینه‌را برای اعمال نفوذدرکشورمقابل مهیا می سازند. این ترکیبی ازخصلت تجاوزونشراطلاعات دروغ است که پالیسی توطئه‌گرانه‌رژیمهای کمونستی را تشکیل میدهد.

آنچه‌دربالا برشمردیم برپایه‌شایعات استوارنیست . بلکه یک واقعیت مسلم دررژیمهای کمونستی است که‌نبایدازطرف سایر ممالک وتحلیل گران مسائل کمونیزم بین المللی به نظر شک و تردیدنگریسته‌شودبلکه‌ارزیابی خودرا با نگاه‌واقع بینانه‌درباره جهان کمونیزم بایداستوارگردانند.

زندگی پیچیده وفعالیتهای جامعه کمونستی را منعکس میسازد.

اعضای حزب ومردم از تصمیمات حزب وحکومت به پیمانه زیاد ذریعهٔ همین مطبوعات آگهی حاصل میکنند وذریعهٔ همین مطبوعات اذهان جامعه برای پذیرش وتطبیق تصامیم دولت وحزب تجهیز می گردد. بدین لحاظ مطالعهٔ مطبوعات ممالک کمونستی برای جهان غرب حائز اهمیت فراوان است ولی مشکل تحلیلگران غرب تفریق وتشخیص صحت وسقم خبرها درمطبوعات کمونستها است.

جای شک نیست که درطرح پالیسی ممالک کمونستی عناصرداخلی وبین المللی خیلی موءثراست. (ستالین درین موردباستمگران دنیای دیگرشباهت داشت هرچنداین ستمگران کمونست نبوده اند)

انکشافاتی درممالک کمونستی رخ میدهدکه برای غربی ها اشتیاق انگیزوجالب است مثلاً" شورش مجارستان ولی درعین زمان بین یک سلسله حوادثیکه درممالک کمونستی وغیرکمونستی اتفاق می افتدشباهتهای موجوداست. درین جریانات نکته مهم اینست که درین انکشافات اهداف ایدئولوژیکی، سیاسی وسایرنهضتهای کمونستی نهفته است درینجا بایدبرداشت تحلیلگران ازین انکشافات نه مبالغه آمیزباشدونه آمیخته باشک وتردید.

هردوی این شیوه داوری تحلیلگران غربی را به خطا میکشاند اما ناگفته نباید گذاشت که درین جریانات یک مقدارگم وبیش حقایق نیز نهفته است که ماهیت کمونیزم را منعکس وآنرا ازسایرسیستمهای اجتماعی وسیاسی جدا میسازدودرعین حال پرابلم ها وحقایق جهان کمونستی را نیزبازمیگوید.

حقایق وپرابلم های کمونستی، انگیزه های گوناگون دارد ازقبیل ایدئولوژیکی، طبقاتی، نشنلیزم، روابط بین الاحزاب وبین کشورهای بلاک کمونستی، تجدیدطلبی، مبارزه برای احراز

قدرت ، تغییروتبدیل درمقام رهبری، موضع گیری سیاسی دربرابر جهان غرب ، تاکتیک های حربی، بحران و اشتباهات جهان‌کمونیزم که‌جزوطبیعت این گونه‌سیستم ها است واگرغربیها درین مورد راه اغراق بپیمایندبا اشتباهاتی دچارخواهندشد .

تغییرات وتحولات درجوامع کمونستی مرتبا ادامه‌داردواین هردوحالت درمطبوعات رژیمهای کمونستی منعکس میگردد .

دانشمندان جهان آزادوقتی میخواهندازلابلای ستونهای مطبوعات رژیمهای کمونستی درمقام داوری این سیستم ها برایند درصورتیارزیابی وداوری شان مقرون به‌صواب خواهدبود که از طبیعت وکیفیت این نشرات پوره‌آگاه‌باشند . آگهی به‌تاریخ‌کمونیزم وآگهی به‌فکتورها وپرابلم های اساسی واینکه‌دردوره های مختلف تاریخ چه‌نوع تغییروتحولی راپذیرفته‌کارداوری تحلیل گران راآسان میسازدولی غربیها درارزیابی شان، همه‌این‌حقایق را نادیده‌می گیرندکه‌این خودفیروزی چشمگیری ازستراتیجی‌دروغ گوئی وپخش اطلاعات غلط برای جهانیان است که‌درنتیجه‌ارزیابی ها را غلط جلوه‌میدهدوداوری غربیها راآمیخته‌با اشتباه‌می سازد .

آسیب پذیری ارزیابی غربیها

فرض کنیم که رژیمهای کمونستی درموقع صلح ازآیین دروغ گوئی وجعلسازی استفاده میکنندبه پیمانه ایکه برای غربیها هرگز قابل مقایسه نیست . اکنون اگرتحلیل گران واهل مطالعه غربیها خواسته باشند ، درارزیابی وداوری شان ، اشتباهی را مرتکب نه شوندبایستی ازسمپلی که درپخش اطلاعات دروغ بکاربرده می شود ، استفاده کنند .

همینکه سمپل مناسب برای تشخیص درست ودروغ انتخاب گردید آنوقت میتوان، بین منابع ثقه ومشکوک تفاوت قایل شد . مشکل اساسی انتخاب نمونه است هرچندنا ممکن نیست ولی تا چنین نمونه ای بدست نیایدگزارش اطلاعات موثق ازخلال یک مشت خبرها دشوار خواهدبودوانتخاب سمپل درصورتی لازم می افتدکه امکانات بدست آوردن خبرازدرون دستگاه مقدورنباشد .

درموقع ارزیابی لازم است بین منابع رژیمهای کمونستی و غیرکمونستی تفاوتی قایل شدمثلا" مجموع منابع کمونستی که ظاهرا قابل اعتمادپنداشته میشود ، امکان داردیک طریق مناسب وطبیعی برای نشراخبارجعلی نیزباشد .

گذشته ازان درموردا ستفاده ازمنابع کمونستی مشکل این است که بایددرک کردآنان درنشراخبارشان تا چه حدمطالب دروغ وغیرواقعی جادادهاند .

غربیها وقتی ازمنابع کمونستها گزارشهای بدست می آورند با دونوع پرابلم روبرومیشوندنخست اینکه بایددریابندکه کمونست

ها چگونه آنرا تنظیم کرده اند و دیگر اینکه آیا این خبرها را بمنظور تحریف افکار غربیها تهیه و پخش نموده اند؟

بلحاظ اینکه منابع غربی بصورت عمومی نسبت به منابع کمونستی کمتر آسیب پذیر میباشند به دلیل اینکه منابع کمونستها، این مزیت را ندارد چونکه آن رژیمها از نشر خبرهای جعلی و غلط میخواهند بهره برداری کنند.

بهرصورت اگر غربیها در نشر اخبار و اطلاعات خود، یکنوع مصالحه کنند در آن صورت نمی توانند از منابع کمونستی گزارش موثق به دست بیاورند. حتی اتخاذ این موقف به ضرر شان منجر خواهد شد. بر عکس اگر سمپل دروغ گوئی را بتوانند پیدا کنند و از متود معین آن استفاده نمایند در این صورت منابع کمونستی هم میتواند حاوی مطالب جالب و ارزشمند باشد.

غربیها نتیجه گیری خود را وقتی مطلوب و ایده آل تلقی میکنند که دستگاه جاسوسی شان، گزارشهای بدست آورنده که دارای اهمیت سیاسی و از منابع بعید باشد که سیاستمداران عالیرتبه الهام بخش آن باشد مشروط براینکه، در تحلیل آن، در برابر گزارشهای منابع کمونستی از متود مناسب کار بگیرند و فورمول تشخیص اخبار صحیح و غلط کمونستها را بکار بیندازند.

این سه فکتور که در بالا از آن یاد کردیم وقتی از آن در داوری های اطلاعاتی استفاده شود نتیجه مطلوب بدست خواهد آمد.

اطلاعاتیکه از منابع نظامهای کمونستی بدست می آید زمینه مطالعه بیشتر را برای تحلیل گران غربی فراهم میسازد همچنان اگر یکی از سمپل ها برای تشخیص اخبار صحیح و غلط درست انتخاب شود، کار تحلیل و ارزیابی را آسان میسازد و در عین زمان اگر در بلاک شرق تغییراتی رخ بدهد در سر فرصت آگاه میگردند همینکه سمپل

تشخیص اخبار غلط وصحیح بنیانگذاری شدا مکان دارد تحلیل اطلاعات منابع کمونستی ذریعهٔ غربیها قرین واقعیت باشد .

مشکل اساسی اینست که نمیتوان موءثریت دستگاه جاسوسی غرب را تضمین نمود به دلیل اینکه نخست دسترسی به مقامات ارشد دول کمونستی امردشواری است ودیگر اینکه جواسیس بلاک کمونستی دردستگاه جاسوسی غرب رخنه میکنند واطلاعات نادرست از مملک کمونستی را پخش واشاعه می نمایند . بصورت مثال برخی منابع غربی با استراق سمع ، مخابرات رمزی ممالک کمونستی را ثبت وبا کلید های که دراختیا ردارند ، آنرا حل میکنندا ما باید متوجه بودکه امکان دارد این مخابرات دروغ وبرای اغوای ممالک غربی تهیه شده باشدواگرغربیها توفیق یابندکه اطلاعات محرمانه ایرا از جهان کمونستی بدست آرندوغربیها موءفق شوندکه فرق اطلاع درست وغلط را ازهم تشخیص دهندآه آنهم بواسطه فعالیت تخریبی کمونستها و رخنه‌گری های آنان امردشواری خواهدبود . بازهم مساعی غربیها درارزیابی مسائل کمونستی با عدم موءفقیت روبروخواهد گشت وبازهم پرابلم های واقعی وتحولاتیکه درجهان کمونستی رخ می دهدازشایعات دروغ وجعلی تفریق شده نخواهدتوانست .

اطلاعاتیکه ذریعهٔ مامورین ویا ازمنابع محرمانه وغیررسمی کمونستی بدست می آیدکه آنهم خالی ازشک وتردیدنیست و چون در دستگاه جاسوسی غرب وقتا مخبرین کمونستی رخنه کرده وبا اطلاعات غلط آنها را تخطئه میکنند ، به این ترتیب درارزیابی غربیهاتولید اشتباه یک امرغیرقابل جلوگیری خواهدبودمگراینکه از کلید تشخیص اطلاعات غلط ودروغ بصورت درست استفاده به عمل آید .

درصورتیکه ارزیابی غربیها درباره مسائل جهان کمونستی اشتباه آمیزباشددران صورت طبعا دراثریک محاسبه غلط یک پالیسی

آمیخته با خطا و اشتباه اتخاذ خواهد شد و اینجاست که دولتهای کمونستی از این خطاها و اشتباهات به نفع خود بهره برداری خواهند نمود. وقتی چنین جریانی نا مطلوب صورت بگیرد و مردم به اشتباهات غربی ها ذریعهٔ مطبوعات آزادی که دارند آگهی حاصل کنند دران وقت سیاستمداران، دپلوماتها و دانشمندانیکه در ارزیابی مسایل کمونستی، به دولت مشوره غلط داده اند، اعتماد و اعتبار خود را از دست خواهند داد. و از طرف دیگر برای مخالفین زمینه انتقاد و بدگوئی علیه دولت متبوع شان فراهم خواهد گردید.

پالیسی مگارتینسیم بعد از ناکامی سیاست بعد از جنگ ایالات متحده امرکا در مورد شرق اروپا میتواند نمونه محاسبات غلط اروپای غربی در اثر گول زدن ممالک کمونستی باشد.

نتیجه نمونه های مختلف نشرا طلاعات غلط

یک قسمت مسئولیت محاسبات غلط غربیها به نمونه های مختلف نشرا طلاع دروغ کمونستها ارتباط می گیرد.

درخلال یک بحران درسیستمهای کمونستی، اگر از سمپل قوی نشرا طلاعات دروغ استفاده شود دران صورت دول غربی درباره شرایط واقعی کشورهای کمونستی مواجه با شک و تردید میگردند و از ضعف و ناتوانی یک سیستم کمونستی که با بحران دست و گریبان است مطلع نمیشوند.

حقیقت این است که بدور هر جریان جامعه کمونستی یک اتحاد صخره مانند و قلابی کشیده شده است و با این قیافه قلابی با تحلیل گران و حتی دولتهای غربی معامله میکنند.

بحران بلاک در بین سالهای ۱۹۴۹-۱۹۵۶

حقیقت این است که غربیها بلا فاصله بعد از مرگ ستالین به

مشکلات جهان کمونستی آگاه شدند. اما سیستم جعلسازی وفریبکاری راکه اتحادشوروی متعاقبا بکاربرد، ازگسترش اخبار مربوط بشرایط دشوار اروپای شرقی که مشرف به انفجار اروپا شیدگی بود، جلوگیری کرد.

اگر از طرف غربیها این بحران عمیق، بیشتر تحریک و تشویق میشد، بدون تردید پاسخ موءثر وقاطع به حوادث پولیند و مجارستان میتوانست تلقی گردد و در این دو مملکت اوضاع وشرایط سیاسی غیر از انچه امروز جریان دارد، وجود میداشت و یک قسمت مهم اروپای شرقی از یوغ کمونیزم نجات می یافت.

کمونست ها برای پیشبرد پالیسی طویل المدت شان، از سمپل جعلسازی ودروغ گوئی که بنام (ضعف وتکامل) یاد میشود استفاده میکنند و اینک با ردیگر غربیها از پیمانه نیرومندی کمونست ها، در شک وتردید می افتند و در مورد پالیسی کمونستها نیز با عین چنین سر درگمی مواجه میشوند. از طرف دیگر کمونستها با بکاربردن این سمپل تصویری از عدم گسترش ایدئولوری وظهور رقابتهای درجهان کمونستی عرضه میکنند در حالیکه این یک تصویر غلط وبه منظور گول زدن دنیا تهیه شده است واگر غربیها آنرا ممثل شرایط واقعی ممالک کمونستی تلقی وبه آن ارزشی قایل شوند خطای بزرگی را مرتکب شده خواهند بود. زیرا غربیها برپایه چنین محاسبه، نیرومندی و اتحاد کمونستها را پائین تر از واقعیت تخمین میزنند و در نتیجه در پروگرام وپلانهای تدافعی شان اهمال روا میدارند. گذشته از ان، غربیها در امر اقدامات دفاعی شان منحرف میگردند و کمونستها از این تصمیم گیری به نفع خود بهره برداری میکنند و زمینه را برای طرح پالیسی طویل المدت دیگر فراهم میگردانند و غربیها یک بار دیگر در میدان زور آزمائی ناگزیر به عقب گرائی میشوند.

از جمله دوسمپل دروغگوئی وجعلسازی که در بالا دونمونه آنرا برشمردیم سمپل شماره (۲) برای غربیها نتائج بسیار ناگواری ارمغان آوردواگراین سمپل ازطرف کمونستها با موفقیت عملی شده باشدبدون تردیدپلانهای تدافعی وتعرضی غربیها را معکوسا " متأثرساخته خواهدبود .

جنگ جهانی دوم :

این شایعات وجعلسازی شوروی بودکه زمینه توسعه جوئی آنرا درجنگ عمومی دوم مهیا ساخت . متحدین که جنگ ضدفاشیستی رابراه انداخته بودندبا شورویها هم پیمان شدندوشورویها به نفع خود با موفقیت ازین اتحادبهره برداری کردند .

اسناد ومدارک تردیدناپذیری وجوددارد که بازگوی متودها وچینلهای است که براساس آن ، اتحادشوروی، اطلاعات جعلی و دروغ را درذهن سیاستمداران ایالات متحده امریکا وبرتانیه قبل ازانعقادکنفرانس تهران ویالتا تزریق وبه این ترتیب ، قیافه واقعی رژیم شوروی واهداف آنرا ازانظارپنهان نگه داشت .

درآرشیفهای ایالات متحده امریکا وبرتانیه همین حالا گزارشهای موجوداست که رخنه گری جاسوسان روسی را دروزارت خارجه امریکا وبرتانیه نشان میدهدچنانچه درین سلسله نامهای ازقبیل رونالد مک لین، وگودی برجس را میتوان بصورت نمونه یادآوردشد .

بیموردنیست چندمثالی آورده شودکه چگونه روسها ازشایعاتی مانندکاهش توسعه ایدئولوژی کمونستی وافزایش ملی گرائی وعدم وحدت بلاک وفقدان همکاری بین احزاب کمونستی گزارشهای دروغ وعاری ازحقیقت پخش کردند .

درخلال جنگ عمومی دوم ، انتقاداتی علیه ایالات متحده امریکا وبرتانیه ازمطبوعات شوروی یک قلم انداخته شدبه این معنی که در

مطبوعات اتحادشوروی ، علیه‌نظام صنعتی وسرمایداری غرب انتقادات بچشم نمی خوردوهرچندایدئولوژیهای انقلابی از مطبوعات شوروی حذف نگردیدولی لحن آن ملایم ترشد. عنعنات قدیم‌روسی باردیگرتجلیل، ودرجات ومناصب دوره‌زاردر اردوی سرخ مجدداً احیاگردید. احترام خاصی برای دین قایل شدند.
ستالین درسال ۱۹۲۳ با رهبران کلیسا ها ملاقات بزرگی بعمل‌آورد. اختلافات توده‌با حکومت اتحادشوروی وبا غرب به‌تظاهربزرگ نشان داده‌شدوبعدحکومت اتحادشوروی چنین وانمودکردکه‌درآینده‌باآنان مدارا خواهدکرد.

به‌رجال عالی رتبه‌ودیپلوماتهای غربی گفته‌میشدکه‌بعد از پایان جنگ، رژیم اتحادشوروی ناگزیرخواهدبودبه‌مردم‌خودآزادی بیشتری اعطاکندوبه‌شیوهٔ غربیها ، مردم را درتشکیل دولت حق و امتیازبدهدوبعدخودروسها ابرازتشویش میکردندکه‌این اصلاحات نفوذ غرب را برجامعه‌شوروی افزایش خواهدبخشید.

پذیرش روسها ازچارتر ۱۹۴۱ انتلانتیک وامضای منشورسازمان ملل متحد، بتاریخ اول جنوری ۱۹۴۲، غربیها را برین امر، که‌در اتحادشوروی، برحسب توقع آنها انکشافات مثبت به‌سودآنان رخ خواهدداد، بیشترخوشبین ساخت. ولی تدابیرشدیددرنشردروغهای شاخدار، همکاری فعال بین احزاب کمونستی جریان داشت درحالیکه غربیها فکرمیکردندبالغوکمینترن درماه‌می ۱۹۴۳، درست ششماه قبل ازانعقادکنفرانس تهران با هداف خودرسیده‌اندومتحدین با قبول این چنین دروغها درگروا ین اندیشه‌شدندکه‌اردوی سرخ تنها برای آزادی اروپای شرقی ازچنگال فاشیزم می جنگندولی هرگز درفکرشان خطورنمیکردکه‌روسها اساسا دراروپای شرقی رژیمهای کمونستی را مستقروپایه‌های آنرا محکم میگردانند.

فیروزی دستگاه جاسوسی کمونیستها

اشتباهات ممالک صنعتی غرب وبحران

درحال حاضر، مساعی غربیها برای کسب اطلاعات محرمانه سیاسی ازجهان کمونیستی وتلاش کشورهای صنعتی برای تحلیل گزارشهای منابع کمونیستی وتوفیق غربیها درتشخیص خبرهای موثق وغیرموثق نسبت به اینکه موثریتی درطرز کارهای شان مشهودنیست با دشواریها روبرواست واین بدلیل آنستکه اجنتهای کمونیستی دردستگاههای جاسوسی غربیها رخنه کرده وآنان را از دست رسی به منابع موثق سیستم های کمونیستی باز داشته است.

اما نا گفته نباید گذاشت که دستگاه جاسوسی غرب موفقیتهای مهمی کسب کرده که نمیتوان این موفقیتها را نادیده گرفت.

بعد از مرگ ستالین در اتحادشوروی، بحران سیاسی بروز کرد. سرویس جاسوسی وامنیتی اتحادشوروی خیلی ناتوان وضعیف شده بود. عده زیادی ازمردم درصدد شدند تا با غربیها کمک کنند. مثلا تنها درسال ۱۹۵۴ پنج افسردستگاه جاسوسی شوروی به غرب پناهنده شد. معهذا دول غربی نتوانستند رخنه گریهای کا.جی.بی را دردولت وجامعه شان کاملا" کشف کنند.

فکر میکنم که سازمانهای جاسوسی غرب دربین سیاستمداران ورجال تصمیم گیرنده نظامهای کمونیستی نفوذی دارند، اما وقتی رژیمهای کمونیستی بحران را پشت سرگذاشتند، دستگاه جاسوسی و پولیس امنیت رژیمهای کمونیستی، استحکام وموثریت خودرا باز یافتند ومساعی کمونیستها برای رخنه گری دردستگاه دولتی وپولیس کشورهای غرب مخصوصا دردستگاه جاسوسی وپولیس مخفی این کشورها

فعالیت وپیمانه پخش اطلاعات دروغ دررژیم های کمونستی لایتناهی است وکدام مانع قانونی ویا سیاسی برای نشراکاذیب و دروغ وجودندارد .

پولیس دولتی با اتوریته متمرکز ، کنترول مطلق بر تمام منابع دفاعی، مختاربه اجرای هرنوع مانوره‌ها وتغییرپالیسی و مصئون ازفشار افکارمتشکل عامه ، به‌یک رژیم کمونستی اجازه می دهدبه‌هرپیمانه‌که‌خواسته‌باشدبه‌نشردروغ واکاذیب بپردازد .

چون رژیمهای کمونستی بررسانه‌های گروهی کنترول مطلق دارندمطمئن اندمطلبی به‌نشرسپرده‌نمی شود که مخالف مرام و سیاست‌شان باشد . آنان به‌مردم یک چیزمی گویندولی درعمل عکس آنرا بکارمی بندند . آنان همچنان برای نشراکاذیب و دروغهای خود ، تسهیلات دستگاه‌جاسوسی وپولیس امنیتی‌کشوررا در اختیار دارند .

قابل شگفت نیست که‌رژیمهای کمونستی، نشراکاذیب را به سطح دولت یک جزومهم فعالیتهای خودمی شمارندچونکه شرایط نامحدودی برای پیشبردعملیات خودداارند .

عملیات انتشارات جعلیات واطلاعات دروغ به‌سویه‌عالی دولت کنترول وبررسی می شود . مرادازپخش اطلاعات غلط،حمایت پالیسی طویل المدت حکومت واهداف آن متناسب به شرایط زمانی آن می باشد .

رژیمهای کمونستی بدین لحاظ درخلال جنگ عمومی دوم کاری ازپیش برده‌نتوانستنددرحالیکه‌متحدین غربی درعملیات حربی‌خود موفق بودندبه‌دلیل اینکه‌سه‌عامل مهم درامرفیروزی متحدین رول برجسته‌ای داشت :

ـ اهداف جنگی روشن بودوهمه‌بدان اتفاق نظرداشتند .

که از سال ۱۹۱۷ دوام داشت ، با ردیگر وبا موفقیت از سرگرفته شد. درین اثر محل آن نیست که وارد جزئیات پرابلم شویم معهذا چند مثالی تقدیم می کنیم تا موضوع خوبتر روشن شود :

درسازمان کا ،جی،بی یک دیپارتمنت مستقل بنام اطلاعات نا توو جود داشت . رئیس این شعبه که از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۰ در انجا کار میکرد واز آشنایان دیرین من بود میگفت که اتحاد شوروی وکشور های بلاک شرقی، جاسوسانی در وزارتهای خارجه اکثریت مما لک نا تو داشتند واین مفهوم آنرا دارد که زعمای اتحاد شوروی وهمپیمانان آن، از پالیسی خارجی دولتهای غربی، مانند رؤسای حکومات خود آنها اطلاع کافی داشتند .

افتضاحات این جاسوسی وقتی برملا شد که ماجرای جاسوسی اشخاصی مانند واسیل افسر بحریه برتانیه همچنان اتشه سابق نظامی سویدن در اتحاد شوروی بنام کرنیل وترشتروم که بعدا " به ایالات متحده امریکا تبدیل شد وافسر سابق ناتو در دفتر مرکزی آن سازمان در پاریس بنام کلونل پاپوس و نصب دستگاه های استراق سمع درسفارت خانه های غربیها مقیم مسکو حقیقت ادعای ما را تائید می کند. همچنان شواهد زیادی تردیدناپذیر از رخنه گریهای کمونستها در دستگاه های جاسوسی ممالک اروپای غربی موجود است .

انتلجنت سرویس وپولیس امنیتی انگلستان قدیم ترین وبا تجربه ترین دستگاه های جاسوسی غرب است ولی با خیانت اشخاصی مانند بلنت (BLUNT) فلیبی (PHILBY) بلیک (BLACK)ویکعده دیگر ، که در داخل دستگاه جاسوسی اتحاد شوروی سالها خدمت می کردند ، بار با را عتبار وحیثیت بین المللی خود را لکه دار ساخته است ویا کشف حلقه فلف (FELFE) در داخل دستگاه جاسوسی المان

غرب درسال ۱۹۶۱ نشان دادکه این سازمان ازهمان روزتاسیس خود درسال ۱۹۵۱ موردبهره‌برداری ورخنه‌گری استخبارات اتحاد شوروی قرارداشته است .

همچنان موءلف کتاب ، ازاطلاعات داغ ومحرمانه ایکه‌ذریعه جاسوسان شوروی ازدرون دستگاه استخبارات فرانسه‌بدست میآورد وبه‌شوروی انتقال داده‌می شداطلاع دارد .

دستگاه‌های جاسوسی ایالات متحده‌امریکا نیزازین ناحیه خسارات عظیمی را متحمل شده‌است چنانچه‌دربین سالهای۵۸-۱۹۵۷- آنکشوریک جاسوس بسیارمهم خودراکه‌بنام کلونل پوپوف بودود ر اتحادشوروی به‌نفع امریکا فعالیت میکرددراثررخنه‌گری کا ، جی، بی ازدست داد .

عوامل فیروزی دستگاه‌جاسوسی کمونستها

سه‌اصل مهم درموءفقیت عملیات جاسوسی ممالک کمونستی نقش عمده‌ایرا علیه‌غربیها بازی میکنند : فکتوراول این است که کمونستها نسبت به‌نظامهای دیموکراسی پول وکوشش‌گسترده تری را به‌فعالیتهای جاسوسی تخصیص میدهندچونکه‌ثبات واستقرارداخلی نظامهای شانرا متکی به‌پولیس مخفی وشبکه‌وسیع استخبارات می دانند . همچنان تصمیمات رژیمهای کمونستی برای پیشرفت سیستم های خودشان درسایرممالک فقط ازطریق گسترش شبکه‌جاسوسی دریک مملکت موردنظر ، تحقق می پذیرد . ازطرف دیگریک امرطبیعی است که‌رژیمهای کمونستی نسبت به‌رژیمهای دیموکراسی به‌جاسوسی و مسائل امنیتی، قوای بشری وامکانات مالی بیشتری رابکار می اندازند .

مثلا دراتحادشوروی تمرین وتربیه‌اشخاص دررشته‌جاسوسی تا سطح پوهنتون پیش رفته‌واصراربرین است تا شبکه‌جاسوسی این

مملکت به‌پیمانه‌وسیعتری درداخل وخارج کشورپهن وگسترش یابد.

اصل دوم این است که‌رهبران کمونستی علاقه‌دارندمخبرین شان کاربردوسیع وعالی داشته‌باشندتادرپهلوی موقعیت سیاسی خودشان، درداخل مملکت ودرساحه‌بین المللی نیزهمیشه وارد، پیشقدم وباقضاوت سالم جلوه‌کنندوبرای رسیدن به‌این هدف، جاسوسان این ممالک ازامتیازات فراوانی برخوردارندعلاوتا مخبرین شان درخارج ازکشورمانندهم مسلکان خویش درداخل مملکت با مشکلات متعددی روبرونیستندوازآزادی عمل زیادی برخوردارند. این چهره‌های شناخته‌شده‌جامعه‌خودهستندودرسازمانهای کمونستی مقام شایسته‌ای رااحرازکرده‌اند. اینها ازانعکاس افکارعامه، ومطبوعات کشورمتبوع شان هراسی بدل راه‌نمی دهندلهذا با اعطای چنین امتیازات ازانها تقاضا میشودکه‌دروظایف شان طبیعت تعرضی وتشبثی داشته‌باشند.

اصل سوم وشایدمهمترین آن، همکاریهای متقابله‌رژیمهای کمونستی درساحات جاسوسی وامنیتی است که‌درطی سالهای ۶۰ - ۱۹۵۸ عملی گردیدتاشرایط تطبیق وپیشبردپالیسی طویل المدت بلاک به‌نحواحسن فراهم ودرعین زمان بااتخاذیک سیاست خشن و جدی امکانات رخنه‌گری جواسیس اروپای غربی دردستگاههای جاسوسی بلاک شرق متوقف گردد.

چنانچه‌شواهد زیادی دردست است حاکی ازکاهش موءثریت فعالیت استخباراتی اروپای غربی درحصول اطلاعات مهم‌ومحرمانه ازبلاک شرق، درحالیکه‌این عدم موءثریت توجه‌محافل غربی را هرگزبخودجلب نکردوتاامروزعلایمی دال برافزایش نیروی استخباری ورفع پرابلم ناشی ازگسترش فعالیت مخبرین بلاک شرق درا روپای غربی مشاهده‌نشده‌است. چنانچه‌تائیداین ضعف وناتوانی استخبارات

غرب ورخنه‌گری درحصارفولادین دستگاه‌جاسوسی بلاک شرق ، در کنفرانسهای منعقده‌سالهای ۱۹۵۴و۱۹۵۹افسران عالیرتبه‌کا ، جی، بی، بخوبی منعکس‌گردیده‌است .

متودهای کهنه‌غربیها درتحلیل منابع کمونستی:

تا همین اکنون تحلیلگران غربی، معمولا ازمتود (تحلیل متن) منابع کمونستی مخصوصا مطبوعات ومجلات استفاده‌میکنند . ازوقتیکه‌بورکینا و (BORKENAV) المانی فورمولی برای تحلیل اطلاعات وضع کرد ، حالا نیزاکثرا ازفورمول بورکینا و استفاده‌میشودولی جای هیچگونه‌تردیدنیست که‌درطی سالهای دراز بلاک شرق، درپخش اطلاعات دروغ، روش شانراخیلی تغییر داده اندکه‌با فورمول بورکینا ودیگرنمیتوانندسازگارباشد .

متودبورکنیا ورا میتوان اینچنین خلاصه‌کرد :

ـ ازمقدمه‌چینی اعلامیه‌های رژیمهای کمونستی وجملات یکنواخت صرف نظرشودتا حقایق مسائل وپرابلمها درجامعه‌کمونستی اعم از بروزاختلافات وغیره‌بدست آید .

ـ مسائل موردبحث درا علامیه‌ها میتوانندآغازیک انکشاف بعدی در ممالک کمونستی باشددرحالیکه‌حتی جامعهٔ خودشان هنوز از ین انکشاف اطلاعی ندارند .

ـ ازخبرها وآگهی هائیکه‌درمطبوعات محلی ممالک کمونستی در موردعزل ونصب مامورین منتشرمیشودمیتوان به‌حیث کلید کشف انکشافات درجوامع کمونستی استفاده‌کرد .

ـ اکثرا اتفاق افتاده‌که‌متن نطق یک زعیم کمونستی و یا یک ابلاغیه‌یک کشورکمونستی درممالک دیگرهمپیمانان آن، درپرابلم های مربوط به‌دکتورین، تلخیص های صورت گرفته ، تشخیص این تفاوت ورا پورها میتوانداختلافات بین کشورهای کمونستی رابرملا

کند .

ـ بعضی مسائل مشابه‌درروزنامه‌ها وسایرنشرات ورادیوها از یک مملکت کمونستی تا مملکت دیگرکمونستی با تفاوتهای نشر می شود درحالیکه‌هدف همه‌آنان یکسان است .

ـ ازمسائل جنجال برانگیزسابق دردرون حزب ، میتوان انکشافات بعدی را استخراج کرد .

ـ عطف به‌مبارزه‌جهت احرازقدرت شخصی، ارزیابی گذشته‌و سوابق کاررهبری حزبی ومطالعه‌گروپهائیکه‌پیروایین زعیم هستند . درین قسمت هم میتوان حقایقی بدست آورد .

این متوددردوره‌دکتاتوری ستالین ومبارزه‌برای احراز قدرت ، بعدازمرگ وی خیلی باارزش وموءثرشمرده‌میشد .

سرکوپی ژدانوف (ZHDANOV) دربین سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹ ذریعهٔ ستالین، فیروزی خروسچف براکثریت هیئت رئیسه‌د ر جون ۱۹۵۷ همه‌کم وبیش به کمک فورمول بورکنیا و ردیابی‌گردیده است .

گروه‌گرائی، اختلافات برپالیسی، مانوره‌های سیاسی ومبارزه برای احرازقدرت پرابلم های آن عصربودکه‌با استفاده‌ازفورمول بورکینا و ، کشف‌گردیدوکلیدی درکف تحلیلگران غربی داد تا به کمک آن به‌حقایق جهان کمونستی وپالیسی آنها آشنا شوند .

درخلال سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۷ که‌درتاریخ کمونستها یک دوره دورازکنترول وفقدان اداره ، ثبت شده‌است ، یکسلسله‌انکشافات تازه‌ای صورت گرفت به‌این معنی که‌احساسات نشنلستی و تجدد پسندی باردیگررونق یافت ، گروپهای مختلف ، که دارای علایق مختلف بودندازقبیل نظامیان، افرادحزب وتخنوکراتها گروپهای ستالینستها ، میانه‌روان ولیبرالها ومحافظه‌کاران باهم مدغم

شدند. تحلیلگران غربی این تحولات را براساس تخنیک دست داشته حل وازجریانات آگاه شده بودند.

بهرصورت، مرحله‌بی بندوباری با استقرار مجددسلطه‌احزاب کمونستی بلاک پایان یافت، تنظیم مجددجهان کمونیزم مابه آن شدکه‌تحلیلگران غربی درارزیابی وداوری شان درباره‌ساحات مختلف زندگی نظامهای کمونستی اشتباهاتی را مرتکب شوند.

تصویب پالیسی طویل المدت که‌اصولا"زعامت مشترک رابنیان گذاشت بزورآزمائی برای احرازقدرت پایان بخشید، مشکل جانشینی لیدرشپ حل شدومناسبات بین نمایندگان احزاب مختلف کمونستی بلاک، براساس جدیدبرقرارگردید.

آنجاکه‌براساس متودارزیابی، نشنلیزم وتجددپسندی را با بحران ۱۹۵۶ ارتباط دادند، دوره‌ایکه‌کنترول اتحاد شوروی بر اقمارآن روبکاهش گذاشت واشتیاق فی البدیهه‌به‌تمردوشورش مخصوصا درپولیندوهنگری پدیدآمد. اکنون رهبران احزاب‌کمونست وحکومات کمونستی به‌ارتباط همین موضوع یک آزادی عمل تاکتیکی بدست آوردند درحالیکه‌درقفاجملگی به‌پالیسی طویل المدت و ستراتیژی کمونیزم بین المللی مهرتائیدگذاشتند. درین موقع بودکه‌نیروهای نشنلیزم وتجددپسندپالیسی کمونست ها را در هر کجاکه‌بود، پذیرفتند.

تمام این تحولات مهم ازانظارغربیها پوشیده‌ماندونتیجه این شدکه‌روابط اتحادشوروی باالبانیا، یوگوسلاویا، پولند چکوسلواکیا ازطرف تحلیلگران غربی با متودکهنه‌تحلیل ونتیجه غلط بدست آمدکه‌موجب رهنمائی غلط وخطرناک غربیها گردید.

استقرار وثبات درحزبهای کمونستی، به‌اعمال نفوذ گروپ های ذیعلاقه‌ومداخله‌گرپایان بخشید.

اردوتحت زعامت ستالین، بالقوه یک گروپ مهم به شمار می رفت. بدلیل اینکه اعدام ها وتصفیه ها ذریعهٔ اردوصورت میگرفت واین اردوبودکه ازمتودهای تصفیه وکشتارهای ستالین آگهی کامل داشت. به این ترتیب یک حرکت جزئی علیه منافع آنها امکانات شورش آنها را فراهم میساخت.

بین سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۷ که سالهای مبارزه برای احرازقدرت بودکنترول حزب براردوخیلی ضعیف بودوآنان نقش برجسته ای در دورکردن زعمای نامطلوب ازقبیل بیریا، داشتند. وبعدهم ذریعه ژوکوف، فیروزی خروسچف برمخالفین تأمین شدبعدازبرکنار ی ژوکوف، اردو، تامقداری زیرکنترول درامدودیگرعاملین شکنجه وآزارمردم نبودند.

حقیقت این است که اردودرهیچ کشورکمونستی در سیاست مداخله نمی کندونمیتواندمداخله کند. کشف تحلیلگران غربی دایربه گروپ فشار اردوبردولت یک اشتباه محض بود. رهبران نظامی به حساب تکنوکراتها یا دمیشوندواعضای حزب تحت کنترول زعامت حزبی قراردارندوهمه شان مجریان پالیسی طویل المدت میباشند.

ازوقتی زعامت دسته جمعی دراتحادشوروی رویکارآمد، گروه بندیها مفهوم خودرا ازدست دادوگروپهای ستالینستی و نیو ستالینستی دیگرعملا "وجودندارد البته اگرضرورت ایجاب کندبار دیگر این گروپ موقتا عرض اندام خواهندنمود. اما کیش شخصیت پرستی درجایش باقی ماند- چنانچه ستالین ازکیش شخصیت پرستی استفاده میکردتادیکتاتورشپ خودرا ثبات واستقرار ببخشید.

موجودیت گروپهای قابل توجه ستالینست ها، لیبرالها، افراطی ها واعتدال پسندان دراتحادشوروی مانند گروپهای ضد شوروی ویا طرفدارشوروی ویا گروپهای محافظه کاران ویراکماتیست

ها دیگرا سا سا وجودندا رد .ا لبته‌نما یندگا ن نسل جوا ن و نسل سا لخورد ه درلیدرشپ شوروی موجوداست ا ما شوا هدی محکم‌دردست ا ست که‌درهردونسل ا ختلاف ا یدئولوژیکی ویا ا ختلاف روی پا لیسی وجودندا ردهردونسل طرفدا رپا لیسی طویل ا لمدت مصوبه سا لها ی ۶۰-۱۹۵۶ می با شند .

چون درا تحا دشوروی یک مبا رزه‌را ستین ا حرا زقدرت جریا ن دا ردلهذا ا گربدقت مطا لعه‌شوددرمطبوعا ت آنکشور، آ ثا روعلایمی ا زا نتقا دها ، ا لبته‌درداخل لفا فه ، علیه‌برخی ا زموء سسا ت بنظر میخوردکه‌ا ین خودکوششی برا ی تضعیف جبها ت رقبا بشما ر میرود . پیش ا زمرگ ستا لین وبعدا زا ن، مظا هرا ین مبا رزه‌به‌خوبی مشهو د ا ست . درهرصورت ، بعدا زسا ل ۱۹۶۰ دوا م کا رتحلیلگرا ن‌درقبا ل چنین ا وضا ع وشرا یط کوشش بیهوده‌ا ی بودبلکه‌حتی خطرا تی نیز بدنبا ل .خوددا شت بدلیل ا ینکه‌سترا تژیستها ی بلا ک شرق،به‌تخنیک بورکینا و (BORKENAV) بخوبی آشنا بودندوبا فهم آ ن ، نقشه دروغگوئی ونشرشا یعا ت غلط را طرح میکردند . با فهم تخنیک بورکینا و ، درتما م موا رد ، خبرها را طوری نشرمیکردند که با ستفا ده‌ا زتخنیک ا ین دا نشمندا لما نی، نتا یجی غیرا زآنچه‌وا قعا دربلا ک کمونستی جریا ن دا شت بدست تحلیلگرا ن غربی میدا د .

غربیها چگونه‌خبرها ی را ست ودروغ کمونستها را تصنیف میکنند :

ا طلاعا ت محرما نه‌وسری که‌ذریعهٔ مخبرین تهیه‌وبه مرا کز جا سوسی غرب گزا رش دا ده میشودوقتی میتوا ندشا یسته‌ا عتما دبا شد که‌ا زمنا بع قا بل دسترسی دیگر ، نیزتا ئیدشده‌با شد . ا ماخبرهائی که‌با شرا یط جها ن کمونستی منا فا ت دا شته‌با شدبا یدا زحساب بیرون شودوردگردد . ا گرنشرا خبا رغلط درسیستمها ی کمونستی نمی بو د ا ین متودولوژی میتوا نست با ا رزش با شدا ما متعا قب ا را ئه‌را پو ر

شلیپن درماه می ۱۹۵۹ مرحله نشراخبار دروغ ومنحرف کننده جز و پروگرام رسمی دولتهای کمونستی شد.

درست است که کمونستها درآخرسال ۱۹۶۰ درنشراخبار جعلی و دروغ ، فعالیت زیادی بخرج دادندورژیمهای مذکوربه برخی خبر های به اصطلاح محرمانه را ازطریق جاسوسان خوددراختیار غربیها گذاشتندکه موردتوجه اروپای غربی قرارگرفت چنانچه ذریعه سی،آی ای گزارشها به کانگرس ایالات متحده امریکا تقدیم گردید . اما حقیقت این است وقتی شلیپن راپورخودرا درکنفرانس کا ،جی،بی ، منعقده سال ۱۹۵۹ ارائه کرد ، محتویات وتصمیمات آن درخفا باقی ماندوهیچ یکی ازسرویسهای جاسوسی غرب به کشف آن توفیق نیافت تا اینکه با لاخره نویسنده این کتاب درین موردمطالبی بازگفت .

نه تنها ممالک اروپای غربی اطلاعات خاصی درباره گزارش شلیپن دراختیار نداشتندحتی به راپورهای غیرواقعی ای که ذریعه کمونستها نشرمی شدنیزارزش زیادقایل نبودند . اگرغربیها از گزارش شلیپن مطلع می بودنددران صورت ازجریان سیاسی بلاک شرق تحلیل درست تری بدست آورده میتوانستندوتصویر بهتری از مسائل مربوط به بلاک شرق دراختیار میداشتند .

چون غرب ، بعدازسال ۱۹۵۸ موفق نشدبه ماهیت اخبار جعلی ودروغ سیستمهای کمونستی راه یابدلهذا متودشانرا برای حل شایعات دروغ نتوانستندتغییربدهند لهذا هرخبری اعم از منابع کمونستی ویا منابع غربی بدست می آمدبحیث خبر ثقه و سالم پذیرفته میشدولهذا ممالک غربی درپرتواین ارزیابی غلط پالیسی خارجی خودرا دربرابرممالک کمونستی طرح ریزی میکردند

۱۱
اشتباهات غربیها

اشتباه سرویسهای جاسوسی ممالک غربی درین است که با تغییر اتیکه در پالیسی وستراتیژی سیستمهای کمونستی درطی سال های ۶۰-۱۹۵۷ پدید آمد، خودرا نتوانستند تطابق بدهند و تجدید نظری که برطرز کار نشر اطلاعات دروغ کار کمونستها صورت گرفت، از نظر غربیها تقریبا پوشیده ماند و محل شگفت نیست که دیپلوماتها، دانشمندان وجریده نگاران غربی، اشاعه تبلیغات دروغ را که ذریعه رسانه های گروهی کمونستها صورت گرفته، به نظر بی اهمیت دیده و یا فاشگریهای جعلی که ذریعهٔ زعما و افسران عالیرتبه رژیم های کمونستی درطی ملاقاتهای خصوصی با رجال غربی بعمل آمده از طرف ممالک غرب بحیث واقعیت قبول شده است.

تا سال ۱۹۶۱ رویهمرفته مسائل کمونستی از دو طریق مورد مطالعه وبررسی جدی غربیها قرار داشت، مکتب نخستین، بر اساس تجارب طولانی گذشته استوار بود که چگونه بین دوروئی و جعلکاری کمونستها وحقائق مثبته میتوان فرق قایل شد. مخصوصا گزارشهای که از منابع کمونستی راجع به اختلافات بین احزاب بلاک شرق شایع می شد، تحلیلگران غربی را از کشف حقائق دورنگهمیداشت. مکتب فکری دوم با رویکار آمدن شرایط جدیدا ستفاده از متود بورکینا وبود که بنامهای (شواهدسمبولیک) و (پیچیده) شهرت یافت مظاهری که درر سانه های گروهی کمونستها از سال ۱۹۵۸ به بعدرواج یافت دران اختلاف دکترین وانشعاب بین نمایندگان مختلف بلاک کمونست مطرح میگردید. جالب این است که موجودیت

سانسوربررادیوومطبوعات ، طوریکه‌درایام جنگ معمول و مروج است ، برقرار بود .

وبالاخره‌نفوذ دستگاه‌استخبارات آلمان نازی که‌مخصوصا " مخابرات رمزی را حل میکردولی درسالهای ۵۸-۱۹۶۰ موقف رژیم های کمونستی روی سیاست دروغ پراگنی نسبت به‌دول غربی از شرایط بهتری برخوردار بودند .

نظامهای کمونستی برای پیشبرد اهداف سیاسی وتطبیق پالیسی شان که برمحورتوسعه‌جوئی وگسترش نفوذسیاسی واقتصادی میچرخد حرفهایی پخش میکنندکه با حقیقت امرهرگزوفق ندارد وبرای اینکه مردم خوش باورباین حرفها باورکنندتمام منابع ورسانه گروهی این سیستمها جملگی برای رسیدن باین هدف بکار میافتد.

طوریکه درین اثرمطالعه خواهیدکرد اتحاد شوروی در خلال جنگ عمومی دوم با بکار بستن این سیاست درتوسعه مناطق تحت نفوذخود استفاده‌های شایانی کرد.

این کتاب که موءلف بدان (دروغهای جدیدبخاطر دروغهای قدیم) نام گذاشته این مفهوم را افاده میکندکه کمونستها برای مردم خودوعده‌های دروغ دادندولی درطی هفتاد سال که از انقلاب کمونستی اکتوبرمی گذرد این وعده‌ها تحقق نپذیرفت اکنون باز برای گول زدن مردم شان وجهانیان به‌دروغهایی تازه ای دست زدندتا ازیکطرف بردروغهای سابقه‌پرده‌بیفگنندوازطرفی هم با طرح دروغهای جدیدبار دیگرمردم خودوجهانیان را برای یک قرن دیگربفریبند. باین ترتیب موءلف درین اثرمیکوشدستراتیژی کمونستها را درپنها نکاری ودروغگویی بازگوکنند.

چون مردم ما دربرابریک ابرقدرت جهانی مانند اتحادشوروی قرار دارند میدانست با مطالعه این اثربه‌تبلیغات غالبه‌وبی‌اساس اتحادشوروی خوبتروبهترآگاهی حاصل کنندوبا قضاوت سالم‌بجهاد شان علیه این قدرت طاغوتی ادامه‌دهند.

(سیدفقیر „ علوی „)

ثور ۱۳۶۶ـ کبابیان ـ پشاور

معرفی نویسنده

نویسنده درسال ۱۹۲۶ دراوکراین چشم بدنیا کشودو به این ترتیب درقطار نسل نو ، درجامعه کمونستی عرض اندام کرد .ازسال ۱۹۲۳، زندگی خودرا درماسکوآغازنمود ، پانزده ساله بود که در نهضت جوانان کمونست (کمسمول) پیوست درحالیکه دران وقت محصل حربی پوهنتون بود . درسال ۱۹۴۵ به عضویت حزب کمونست اتحاد شوروی درآمدوهنوزدرفاکولته توپچی افسران واقع شهرا ودیسه سر گرم تحصیل بوددستگاه جاسوسی نظامی اورا به عضویت خودپذیرفت و متعاقب اینکه تحصیلات خودرا درسال ۱۹۴۶ بپایان رساندردستگاه جاسوسی شوروی داخل خدمت شدودرحالیکه بهاجرای وظیفه میپرداخت شبانه درپوهنتون مارکسیزم ،لیننیزم تحصیل خودرا پیش می برد . درسال ۱۹۴۸ ازتحصیل فراغت حاصل وازسال ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ در فاکولته ضدجاسوسی شامل وازسال ۱۹۴۹تاسال ۱۹۵۲ کورس عالی دپلوماسی رانیزبه پایه اکمال رساند .

درسالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۳ نویسنده کتاب ، درشعبه ای مقرر گردیدکه مسئول امورضدجاسوسی علیه ایالات متحده امریکا بود . در سال ۱۹۵۳ به ویانا تبدیل شدوزیرنام عضوکمشنرعالی شوروی وظیفه خودرا پیش میبرد . درسال اول مأموریتش علیه مهاجرین روسی ودر سال دوم این مأموریت علیه دستگاه جاسوسی برتانیه فعالیت می کرد . درسال ۱۹۵۴ بحیث معاون منشی سازمان اولیه حزبی کاجی بی مقیم وین انتخاب شدکه شما را عضای این سازمان به هفتاد دو دو تن بالغ میگردید . دربازگشت به ماسکودا خل انستیتوت کاجی بی

ز

شدکه بعدا" به اکادمی تبدیل گردیدوفول تایم چهارسال به تحصیل پرداخت . درسال ۱۹۵۹ با بدست آوردن شهادتنامه حقوق تحصیلات خودرا بپایان رساند . وی بحیث محصل اکادمی کا ،جی،بی و عضو حزب ازخلال مطالعه نامه های سری ومحرمانه حزب وکنفرانسها ،شاهد زورآزمائیها درزعامت حزب ، برای کسب قدرت بود .

ازسال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۶۰ درست وقتیکه قرار بودیک پالیسی طویل المدت برای بلوک شرق طرح ریزی ودستگاه کا ،جی،بی تجدید تشکیلات شود ، تا نقش خودرا دران موثرتربازی کند ، وی به حیث یک تحلیل گردرشعبهٔ ناتوی دیپارتمنت اطلاعات دستگاه جاسوسی شوروی موظف گردید . سپس به فنلنددتبدیل شدوزیرپوشش معاون قونسلی سفارت شوروی درهلسنگی کارا ساسی اش را به مسائل ضد جاسوسی پیش میبردتا اینکه با رژیم دردسمبر ۱۹۶۱ قطع علاقه کرد. درسال ۱۹۵۶، نفرت اوعلیه سیستم شوروی آغازگردید . حوادث مجارستان درهمین سال تصمیم اورا برای تجریدازین سیستم جدی ترساخت . اوبالاخره به این نتیجه رسیدکه یگانه راه عملی برای مبارزه علیه رژیم شوروی خارج ازین مملکت میباشدویقین داشت با معلوماتیکه دربارهٔ اعمال کا ،جی،بی اندوخته اودرکارش موفق ترخواهدبود . همینکه بهدف خودتوفیق یافت بصورت سیستماتیک به تحریریادداشتها واطلاعاتی پرداخت که فکرمیکردبرای غرب حائز ارزش خواهدبود . او فکر میکردکه باید غرب از پالیسی طویل المدت تجاوزکارانه رژیمهای کمونستی آگاه گردد .

متعاقب اینکه قدم بخاک ایالات متحده امریکا گذاشت خواست پیام آوراخطارآمیزی به مأموران عالیرتبه آنکشورنسبت بخطرات پالیسی که جهان کمونیزم دراثرسیاست تجاوزکارانه علیه غرب در پیش گرفته ، باشد .

از سال ۱۹۶۲، مؤلف وقت زیادخودرا بحیث یک ناظرو شاهد به مطالعه مطبوعات غرب ورژیمهای کمونستی وقف کردودر نتیجه به نوشتن این اثرپرداخت. درحالیکه به تألیف اثرخودمنهمک بود خواست توجه مأمورین عالیرتبه امریکا وکشورهای غربی رابه نظریات خودمعطوف بگرداند، تا اینکه درسال ۱۹۶۸ مأمورین امریکائی و انگلیسی حاضرشدنداثراورا موردارزیابی قراربدهند، معهذا نسخه مذکورتجدیدنظرشدتا باری حوادث دهه اخیر جهان کمونست را که روشنترشده است دربرگیردوچون اثرمذکورطولانی وضخیم شد، ناشر برخی ازان را برای نشردرآینده موکول کرد.

مؤلف این اثررا بدین جهت به طبع سپردتا افکارعامه جهان را به ابعاد گسترده تری متوجه خطراتی بگرداندکه رژیمهای کمونستی مسئول آن میباشندوامیدوار است که به تحلیلگران غرب وآنانیکه به مطالعه مسایل کمونیزم درجهان آزاد علاقه دارند، کمک شایسته ای بنماید.

به سلسله نشرات وفا

-۹-

ـ دروغهای جدید
ـ بخاطر
ـ دروغهای قدیم

ستراتیژی کمونستها در پنهانکاری ودروغگوئی

اثر

اناتولی گولینسین افسر سابق کا ،جی،بی

مترجم سیدفقیر (علوی)

جلد اول

معرفی کتاب

اسم کتاب : دروغهای جدیدبخاطردروغهای قدیم
مؤلف : اناتولی گالیتسنین افسرسابق کا ،جی،بی
مترجم ازانگلیسی بزبان دری : سیدفقیر (علوی)
چاپ : نورمحمد (اکبر)
مؤسسه‌نشراتی:
اتحادیه‌نویسندگان افغانستان آزاد (وفا)
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
تاریخ چاپ : جوزا ۱۳۶۶
کمپوزحروف : I.B.M
جلد اول

A. R. I. C.
RECEIVED DATE
FROM

ـ دروغهای جدید

ـ بخاطر

ـ دروغهای قدیم

ستراتیژی کمونستها درپنهانکاری ودروغگوئی

فهرست عناوین

شماره	عناوین	صفحات
۱-	سخنی چند از وفا	د
۲-	حرفهائی از مترجم	هـ
۳-	معرفی نویسنده	ز
۴-	مشکلاتیکه تحلیلگران غربی بآن مواجه هستند	۱
۵-	نمونه‌هائی از پخش اطلاعات دروغ (بی ثباتی وتکامل)	۱۰
۶-	نمونه دیگری از پخش اطلاعات دروغ (نمای ظاهری وقدرت)	۲۳
۷-	نمونه چهارم نشرات دروغ (مرحله انتقالی)	۲۹
۸-	پالیسی جدید وستراتیژی دروغگوئی	۴۳
۹-	گزارش شلیپن وتغییر در سازماندهی	۵۷
۱۰-	نقش جدید دستگاه جاسوسی	۶۵
۱۱-	منابع حصول اخبار و اطلاعات	۷۳
۱۲-	آسیب پذیری از زیابی غربیها	۸۲
۱۳-	فیروزی دستگاه جاسوسی کمونستها (اشتباهات ممالک صنعتی غرب و بحران)	۸۹
۱۴-	اشتباهات غربیها	۹۹
۱۵-	متودولوژی جدید	۱۰۴

بسم الله الرحمن الرحیم

سخنی چند از وفا

مؤسسه وفا (اتحادیه نویسندگان افغانستان آزاد) مطابق پیمانی که با مردم بلاکشیده خود بسته است اینک موفق شده به سلسله نشرات گذشته اثر تازه ای را خدمت خوانندگان عزیز خود تقدیم کند.

از وقتیکه قوای اشغالگر روس به خاک افغانستان پا گذاشت تبلیغات وسیعی براه انداخت به عنوان اینکه این تجاوز را با کمال وقاحت قانونی ومطابق نورمهای بین المللی به جهان جلوه دهد، وسیاست خود را یک سیاست صلح آمیز معرفی کند. وبرین ادعا اصرار ورزد که اتحاد شوروی طرفدار صلح وامنیت در جهان است وهر اقدامی که میکند ناشی از علاقهٔ آن کشور به ثبات واستقرار وصلح است. در حالیکه حقیقت چنین نیست بلکه سیاست خارجی وحتی داخلی اتحاد شوروی برپایهٔ فریب وریا بنا نهاده شده وآنچه برای جهانیان نغمه سر میدهد غیر از واقعیتی است که در داخل دستگاه رهبری جریان دارد.

این کتاب که بقلم یکتن از فسران سابق کا،جی،بی تهیه شده وذریعهٔ یکتن از همکاران موسسه به دری درآورده شده حقایق شگفت انگیزی را درباره نظام شوروی ودستگاه جعلسازی وفریبکاری کا،جی،بی فاش میسازد.

خوانندگان محترم مجاهدومها جرما با مطالعه این کتاب در خواهند یافت که آنچه روسها بزبان میگویند با حقیقت فرسخها فاصله دارد لهذا با حقایق مندرج این کتاب میتوانند در مقام مقایسه و قضاوت برآیند. (وفا)

د

حرفهایی از مترجم

پردهٔ آهنینی که بدور اتحاد شوروی کشیده شده، هرچند نفوذ ناپذیری سابق را تحت شرایط زمان از دست داده معهذا، قضاوت درعمق دستگاه رهبری نظام کمونستی شوروی بسیار ساده نیست. هرچندکارشناسان امورشوروی، نسبت به ماهیت واقعی این نظام تحلیل های به عمل می آورندولی چون غربیها بزعم روسها دشمنان سرسخت سیستم های کمونستی شمرده میشوند، قضاوت صحت وسقم این گزارش ها اندکی دشوار می نماید وبه اصطلاح، قلم درکف اغیار، دربرابر آن لازم است محتاط ومآل اندیش بود. واگریک افسر عالی رتبه شوروی که یک عمردردستگاه کا،جی،بی کارکرده، بالاخره به این نظام روی گشتانده وبه غرب پناهنده شده است ویا دیگرنمی خواسته برخلاف ضمیرووجدان خود، بسربردوحقایق مسلم را به جهانیان وارونه و معکوس جلوه بدهد. این است که پرده از روی بسیاری حقایق برداشته است.

اناتولی گولیستین، افسرسابق کا،جی،بی که به غرب پناهنده شد، اثری نوشته وپرده ازسیاست مطبوعاتی وتبلیغاتی شوروی که مطلقا" بردروغ وریا استوار است، برداشته چون درین مقطع تاریخ که قول ووعده سیاستمداران روس با سرنوشت افغانستان ارتباط عمیق دارد، وظیفه نویسندگان ومترجمین افغان است که چهره واقعی روس را به برادران مجاهد ومجرمعرفی وارزشهای حرفها و تبلیغات دستگاه دروغ پراگنی نظام کمونستی شوروی را بصورت بهتروواقع بینانه تری بشناسند ودرپرتو این معرفت ابلاغیه ها، نطق ها و وعده های سیاستمداران شوروی را ارزیابی کنند.